

صداهایی از سرزمین‌های سرحدی ۲۰۲۰

مواد مخدر غیرقانونی، انکشاف و
صلح‌سازی



drugs & (dis)order 

در باره صداهایی از سرزمین‌های سرحدی ۲۰۲۰

صداهایی از سرزمین‌های سرحدی ۲۰۲۰ مهم‌ترین اثر تحقیقی پروژه مواد مخدر و نظم و بی‌نظمی است، پروژه تحقیقاتی چهار ساله‌ای که شواهد جدیدی را در باره ای‌چگونگی تبدیل اقتصاد مواد مخدر غیرقانونی به اقتصاد صلح گردآوری می‌کند. این تحقیق حاوی برخی از تجربیات و دیدگاه‌هایی است که ما در جریان کار ساحوی در هفت منطقه‌ی سرحدی متأثر از مواد مخدر و جنگ در افغانستان، کلمبیا و میانمار شنیده ایم. این اثر برای طیف وسیعی از مخاطبین، از محققین گرفته تا مجریان و پالیسی‌سازانی که در زمینه‌های مربوط به مواد مخدر، انکشاف و صلح‌سازی کار می‌کنند، در نظر گرفته شده است. شواهد مندرج در این گزارش درک ارزشمندی از چگونگی تأثیر مواد مخدر - و پالیسی‌های مربوطه - بر شکل‌گیری خشونت و صلح، فقر و انکشاف و ناامنی و مقاومت به دست می‌دهد.

سپاسگزاری

گزارش ۲۰۲۰ (صداهایی از سرزمین‌های سرحدی)، توسط اعضای تیم پروژه مواد مخدر و نظم و بی‌نظمی و به رهبری جانانان گودهند، پاتریک میهان، فرانسس تامسن، مازیار غیابی و لوئیس بال (پوهنتون مطالعات شرقی و افریقایی مربوط پوهنتون لندن) تهیه شده است. فصل مربوط به کلمبیا توسط فرانسیسکو گوتیرز، کامیلو آسیرو، دایانا مشوکا، سباستین کریستیانکو، لوئیس کاستیلو، (پوهنتون ملی کلمبیا) و فرانسس تامسن، فصل مربوط به افغانستان توسط جانانان گودهند و جاسمین باتیا (پوهنتون مطالعات شرقی و افریقایی پوهنتون لندن) و فصل مربوط به میانمار توسط پاتریک میهان، مندی سادان (پوهنځی مطالعات جهانی و منطقه‌یی آکسفورد، پوهنتون آکسفورد)، دان سنگ لان (مرکز تحقیقات کاپینلند) و سای آل (آژانس خبرگزاری شان هرالد) تهیه شده است. این گزارش از مشارکت تیم بررسی، از جمله اعضای تیم مواد مخدر و نظم و بی‌نظمی و گروه مشاوره بین‌المللی آن: اریک گوتیرز (موسسه کریستین اید)، جنی پیرس (مدرسه اقتصاد لندن)، مارک شاو (ابتکار جهانی برای مبارزه با جرایم سازمان یافته فراملی)، آدام پن (پوهنتون علوم زراعتی سوئد)، بهره فراوان برده است. ویراستار این گزارش بیکی اوینس و طراح آن لوسی پیرز است.

این تحقیق را واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان از انگلیسی به دری ترجمه نموده است. واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان عضو فعال یک کنسرسیوم بین‌المللی متشکل از سازمان‌های بین‌المللی می‌باشد که این تحقیق را تهیه نموده است.

ISBN: ۹۷۸-۹۹۳۶-۶۴۱-۵۳۲

مترجم: عزیز الله اسفندیاری

کد نشریه: ۵۲۰۱۱

UK Research
and Innovation



مواد مخدر و نظم و بی‌نظمی

مواد مخدر و نظم و بی‌نظمی: ایجاد اقتصاد پایدار صلح در دوره‌ی پس از جنگ، یک پروژه تحقیقاتی چهار ساله است که شواهد جدیدی را در باره چگونگی تبدیل اقتصاد مواد مخدر غیرقانونی به اقتصاد صلح در افغانستان، کلمبیا و میانمار گردآوری می‌کند. این تحقیق، کار یک کنسرسیوم بین‌المللی متشکل از سازمان‌های شناخته شده بین‌المللی دارای تخصص بی‌نظیر در زمینه مواد مخدر، منازعه، صحت و انکشاف است. مدیریت پروژه به عهده پوهنتون مطالعات شرقی و افریقایی پوهنتون لندن است و شرکای پروژه عبارتند از: واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، موسسه Alcis، کریستین اید، مرکز تحقیقاتی کاپینلند، پوهنتون حفظ الصحة و طب گرمسیری لندن (LSHTM)، سازمان تحقیقات و انکشاف پایدار، پوهنځی مطالعات جهانی و منطقه‌یی آکسفورد، سازمان PositiveNegatives، آژانس خبری شان هرالد، پوهنتون آند، و پوهنتون ملی کلمبیا.

منابع مالی این تحقیق از سوی سازمان تحقیقات و نوآوری انگلستان، که بخشی از صندوق تحقیقات چالش‌های جهانی (GCRF) است، تامین شد. دیدگاه‌های ارائه شده در این مقاله بیانگر نظر نویسنده (گان) است و لزوماً نظرات GCRF، دولت انگلستان یا سازمان‌های همکار را بازتاب نمی‌دهد.

فهرست مطالب

۵	درباره پروژه مواد مخدر، نظم و بی نظمی
۶	مقدمه
۹	نگاه نزدیک تر به سرزمین های سرحدی
۱۰	بن بست پالیسی
۱۲	راهی به جلو
۱۴	درباره (صداهایی از سرزمین های سرحدی ۲۰۲۰)
۱۵	کلمبیا
۱۶	درباره سرزمین های سرحدی
۲۱	پیام های کلیدی
۳۰	افغانستان
۳۱	درباره سرزمین های سرحدی
۳۶	پیام های کلیدی
۴۲	میانمار
۴۳	درباره سرزمین های سرحدی
۴۸	پیام های کلیدی
۵۶	تأملات
۵۷	گذار از جنگ به صلح
۵۹	انکشاف سرزمین های سرحدی
۶۰	مواد مخدر و زندگی روزمره
۶۲	پیامدهای مرتبط به پالیسی

در باره پروژه مواد مخدر، نظم و بی‌نظمی

پروژه مواد مخدر و نظم و بی‌نظمی یک پروژه تحقیقاتی چهار ساله است که می‌خواهد به این سوال پاسخ دهد، «چگونه می‌توان اقتصاد جنگ را به اقتصاد صلح تبدیل کرد؟». حوزه فعالیت این پروژه ۹ منطقه‌ای سرحدی درگیر مواد مخدر و جنگ در افغانستان، کلمبیا و میانمار است.

چشم‌انداز سرحدی

این پروژه روی مواد مخدر غیرقانونی متمرکز است، زیرا این مواد یکی از اجناسی است که اقتصاد جنگ را به پیش می‌برد. ما [در این تحقیق] روی مناطق سرحدی متمرکز می‌کنیم زیرا این مناطق به قطب‌های اصلی اقتصاد فراملی مواد مخدر تبدیل شده‌اند و اغلب حتی پس از توافقات ملی صلح به عنوان نقاط درگیری باقی می‌مانند. بنابراین، ما معتقدیم مناطق سرحدی در مساله تبدیل کردن اقتصاد جنگی با پشتوانه مواد مخدر به اقتصاد پایدار دوران صلح حایز اهمیت است.

جمع‌آوری شواهد جدید

این باور در حال گسترش است که پالیسی‌های مواد مخدر باید حامی فقرا (pro-poor) باشد و با اهداف انکشاف پایدار (SDG) سازگاری داشته باشد. اما شواهد موجود برای حمایت از چنین اصلاحاتی، گسسته، سیاست‌زده و قابل مناقشه است. بنابراین، پروژه مواد مخدر و نظم و بی‌نظمی در صدد جمع‌آوری داده‌های قوی تجربی است تا مجموعه‌ای از شواهد جدید تدوین شود.

توجه به اقتصاد سیاسی پالیسی‌سازی

ما تصور نمی‌کنیم که شواهد بهتر به تنهایی بتواند پالیسی‌ها را دگرگون کند. تحقیق کنونی پالیسی‌سازی را نیز در معرض توجه قرار می‌دهد تا اجندا، منافع و مبارزه برای قدرت را که عوامل محرک و پیامدهای مواد مخدر، انکشاف و پالیسی‌سازی در زمینه صلح را شکل می‌دهد، درک شود.

یک رویکرد بین‌رشته‌ای

این تحقیق دیدگاه‌های گوناگون از رشته‌های انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی، جغرافیا، اقتصاد سیاسی، علوم سیاسی، تاریخ و صحت عمومی را گردآوری می‌کند تا تصویر جامعی از شیوه‌هایی که اقتصاد مواد مخدر شکل می‌دهد و تاثیر خاستگاه‌های محلی بر آن، ارائه شود. ما از روش‌های نوآورانه تحقیق و ابزارهای تحلیلی مانند تصاویر سیستم‌های جغرافیایی (GIS) برای ترسیم تغییرات فیزیکی در مناطق سرحدی، سروی‌های تکمیلی و مصاحبه‌های قوم‌نگارانه و سرگذشت‌نگاری (life history interview) استفاده می‌کنیم.

ایجاد شبکه جهانی محققان

پروژه مواد مخدر و نظم و بی‌نظمی از سوی پوهنتون مطالعات شرقی و افریقایی پوهنتون لندن و توسط تیمی متشکل از ۱۱ نهاد همکار از افغانستان، کلمبیا، میانمار و انگلستان رهبری می‌شود. هدف ما ایجاد یک شبکه جهانی متشکل از محققان و موسسات برای ادامه این کار پس از ختم دوره پروژه است.

مقدمه





حاصل کوکا، پورتو
آسیس، کلمبیا
عکس توسط فرانسس
تامسن/پوهنتون ملی
کلمبیا

تقاضای فزاینده‌ای برای ادغام بهتر پالیسی‌های مواد مخدر، انکشاف و صلح‌سازی وجود دارد - تا انکشاف به گونه‌ای اولویت بندی شود که حامی فقرا باشد و پالیسی مواد مخدر با اهداف انکشاف پایدار همسو گردد. اما کار زیادی هست که باید انجام شود.

انسانی و کاهش خشونت و آسیب، موضع ملایم تری اتخاذ کنند.

صداهایی از سرزمین‌های سرحدی ۲۰۲۰، به دنبال ارائه سفارش پالیسی نیست، و در این مرحله پروژه، قصد شناسایی «راه حل» را نیز ندارد. در عوض، ما می‌خواهیم نشان دهیم که صداها و یافته‌های مطرح شده در این گزارش، چه درک حیاتی و پیامدهای پالیسی‌سازی را برای کسانی که به دنبال درک بهتر و پشتیبانی از فرآیندهای صلح، کاهش فقر و انکشاف در محیط‌های شکننده و متاثر از مواد مخدر اند، عرضه می‌کند.

ما در فصل مقدماتی [این تحقیق]، آنچه را که تصور می‌کنیم بین پالیسی‌های مبارزه با مواد مخدر، تلاش‌های صلح‌سازی و رویکردهای انکشافی «بن‌بست پالیسی» است، بحث می‌کنیم. سپس برخی از نقاط عزیمت را به مثابه راهی برای عبور از این بن‌بست، ترسیم می‌کنیم.

فصل‌های زیر سه پیام اصلی دارند که در نتیجه تحقیقات ما در جوامع سرحدی در هر یک از سه کشور مورد مطالعه به دست آمده است. مجموع صداهایی که در این پیام‌های کلیدی گنجانده شده است به ما امکان داده است رابطه بین مواد مخدر، معیشت و تجربه خشونت را در امتداد زنجیره ارزش (value chain) مواد مخدر، از تولید مواد مخدر در کلمبیا گرفته، تا تجارت و حمل و نقل در افغانستان و مصرف آن در میانمار، بررسی کنیم.

مسائل مربوط به مواد مخدر در درجه اول از بُعد جنایی و امنیتی دیده می‌شود، و ادارات انکشافی و صلح‌سازی تمایلی به درگیری با «تابو»ی مواد مخدر ندارند. هرچند افراد شاغل در اقتصاد غیرقانونی از جمله کسانی اند که بیشتر از دیگران از این پالیسی‌ها متاثر می‌شوند، اما در مباحث مربوط به پالیسی‌سازی، صدای آنها ضعیف است، اگر صدایی اصلاً وجود داشته باشد.

گزارش ۲۰۲۰ (صداهایی از سرزمین‌های سرحدی)، در صدد بازتاب دادن صداهایی است که از طریق کار ساحوی در هفت منطقه سرحدی در افغانستان، کلمبیا و میانمار ثبت شده است. این سه کشور به طور مجموعی بیش از ۸۰٪ مواد مخدر غیر قانونی جهان و حدود ۷۰٪ کوکائین جهان را تولید می‌کند. همه این کشورها شاهد سال‌ها منازعه خشونت آمیز بوده و در مسیر نوعی از فرایند صلح قرار دارند.

شواهد مندرج در این گزارش درک ارزشمندی از چگونگی تأثیر مواد مخدر - و پالیسی‌های مربوطه - بر شکل‌گیری خشونت و صلح، فقر و انکشاف و ناامنی و مقاومت به دست می‌دهد.

شواهد مندرج در این گزارش درک ارزشمندی از چگونگی تأثیر مواد مخدر - و پالیسی‌های مربوطه - بر شکل‌گیری خشونت و صلح، فقر و انکشاف و ناامنی و مقاومت به دست می‌دهد. ما معتقدیم متخصصین پالیسی مبارزه با مواد مخدر و انکشاف می‌توانند با گوش دادن به صداهای به حاشیه رانده شده، نسبت به روش‌هایی که اقتصاد مواد مخدر غیرقانونی به کاهش فقر، دسترسی به خدمات، انکشاف اقتصادی کمک می‌کند، و نسبت به راهکارهای مبارزه با نابرابری و ناامنی

در کلمبیا، گفته‌های تولیدکنندگان و جمع کنندگان کوکا در سه منطقه سرحدی به ما پیام واضح داده است:

۱. تولید کنندگان کوکا ده‌ها قین خرده‌پا اند، نه مجرمین ثروتمند مواد مخدر، چنانچه اغلب در گزارش‌های ملی و بین‌المللی توصیف می‌شود و از آن برای توجیه استراتژی‌های نظامی مبارزه با مخدر استفاده می‌شود.

۲. بسیاری از مردم در سرزمین‌های سرحدی کلمبیا به دلیل کوکا از نظر اقتصادی وضع بهتری دارند، اما این امر با هزینه بلندی به دست آمده است: ده‌ها قین کوکا گرفتار یک وضعیت پیچیده اند، در یک سو، افزایش اندک درآمد است که به آنها امکان می‌دهد در اموری مانند معارف، صحت و زمین سرمایه‌گذاری کنند و از سوی دیگر، افزایش خشونت و ناامنی ناشی از کوکا است.

۳. جوامع تولیدکننده کلمبیا علی‌رغم مواجه بودن با محرومیت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، شهروندان سازمان یافته و فعال اند. افرادی که اظهارات شان در این گزارش درج شده است با افتخار در مورد ساختن مکاتب و جاده‌های خود شان و سازماندهی اعتراض یا اعتصاب صحبت می‌کنند.

در افغانستان، گواهی افراد نشان می‌دهد که:

۱. شبکه‌های تجارت غیرقانونی در درآمد خانوارها و بقای مردم در سرزمین‌های سرحدی نقش مهم دارد. در عین حال، شبکه‌های تجارت قانونی و غیر قانونی با هم ارتباط نزدیک دارند و تاجران و انتقال دهندگان اغلب در مورد چندین کالای قانونی و غیرقانونی با هم کار می‌کنند.

۲. شبکه‌ها و مسیرهای تجارتی قانونی و غیرقانونی کاملاً تطابق پذیر اند و متناسب با تغییر عوامل منازعه و آشکال مقررات عوض می‌شود. ضیق شدن مقررات و مدیریت سرحدات روی مناسبات بازار و تجارت تاثیر می‌گذارد و بر رفاه اقتصادی و اجتماعی جوامع سرحدی تأثیر منفی دارد.

۳. افزایش جریان تجارت باعث ظهور رونق شهرهای boomtown) سرحدی شده است که هم فرصت اقتصادی ایجاد کرده است و هم ناامنی و نابرابری فزاینده ای را در جوامع سرحدی به وجود آورده است. این مساله نیز نشان می‌دهد که چگونه اقتصادهای غیرقانونی هزینه‌های پیچیده و وضعیت‌های دشواری را برای مردم، خانوارها و جوامع ایجاد می‌کند.

در میانمار، گواهی افراد نشان می‌دهد که:

۱. افزایش میزان آسیب مواد مخدر یک ویژگی تعیین کننده تجربه مردم مناطق سرحدی در ایالت‌های کاپوین و شان از آتش بس و انکشاف اقتصادی است. اقتصاد مواد مخدر غیر قانونی توسط اشکال نوظهور حکومت‌داری در سرزمین‌های سرحدی و گسترش صنایع استخراجی و مزارع، از بین نرفته بلکه در آن تثبیت شده است.

۲. تولید تریاک برای تامین معیشت بسیاری از خانواده‌های فقیر ضروری است، اما تغییر الگوهای مصرف مواد مخدر، اشکال جدیدی از آسیب پذیری و فقر ایجاد می‌کند. این امر بر اتخاذ تصمیم دشوار در برخورد با مسایل مواد مخدر و ضرورت ارائه پاسخ مناسب، تاکید می‌کند.

۳. جوانان در برابر مضرات ناشی از مواد مخدر در مناطق سرحدی میانمار به شدت آسیب پذیر شده اند. مجموع این اطلاعات هشدار می‌دهد که نباید این فرضیه را بپذیریم که کاهش سطح درگیری‌های مسلحانه، همزمان با افزایش حضور دولت و ادغام اقتصادی مناطق حاشیه نشین، لزوماً سبب کاهش اقتصاد غیرقانونی مواد مخدر در مناطق سرحدی میانمار خواهد شد.

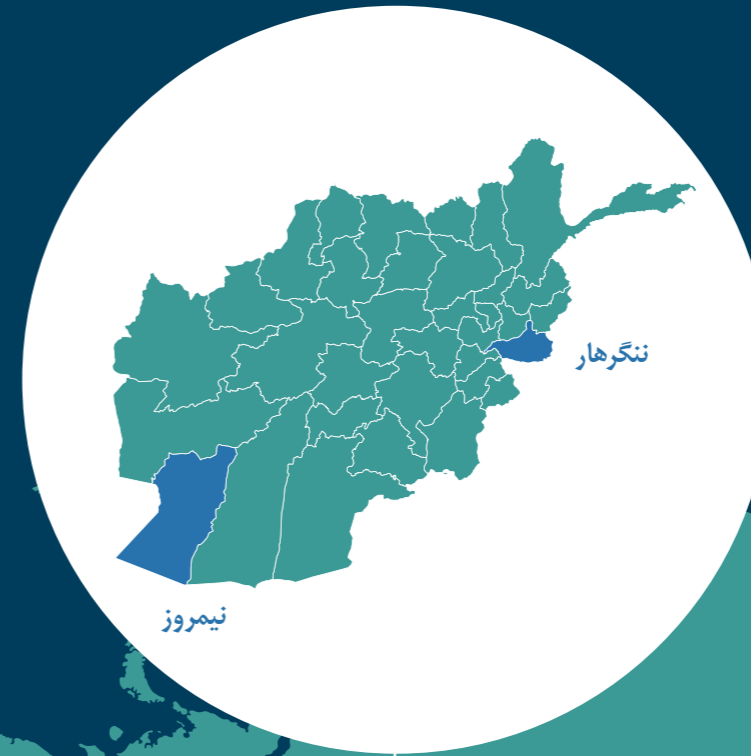
در فصل نهایی، ما همه این قضایا را بررسی می‌کنیم تا اثرات کلان تر آن را در عرصه پالیسی‌سازی برای کنشگرانی که در پالیسی‌های مواد مخدر، انکشاف و صلح‌سازی دخیل اند، نشان دهیم.



نگاه نزدیک‌تر به سرزمین‌های سرحدی

گزارش (صداهایی از سرزمین‌های سرحدی) صداها و دیدگاه‌های مردم در هفت منطقه سرحدی در کلمبیا، افغانستان و میانمار را بازتاب می‌دهد - سه تولیدکننده بزرگ مواد مخدر غیرقانونی در جهان که همه آنها سال‌ها منازعه خشونت آمیز را تجربه کرده‌اند و در مسیر نوعی از روند صلح قرار دارند.

در افغانستان، با گفتگو با تاجران و انتقال دهندگان تریاک، قاچاق مواد مخدر را مطالعه می‌کنیم.

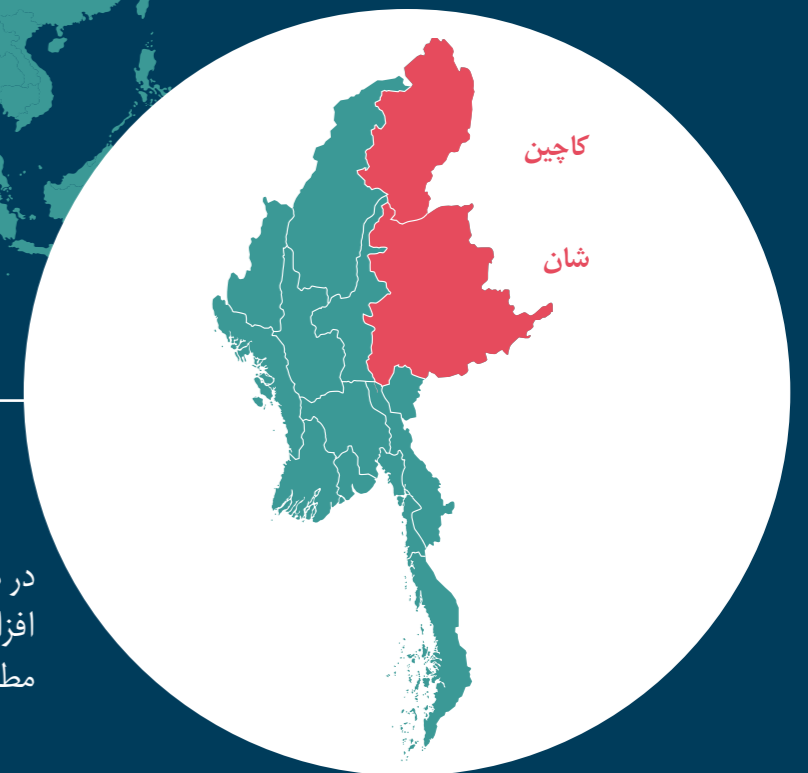


در کلمبیا، با گفتگو با تولیدکنندگان و جمع‌کنندگان کوکا، تولید را بررسی می‌کنیم.

کلمبیا

افغانستان

میانمار



از تولید مواد مخدر غیرقانونی تا قاچاق و مصرف آن

اجرای تحقیق در سه کشور به ما امکان می‌دهد روابط بین مواد مخدر، معیشت و خشونت را در امتداد زنجیره ارزش مواد مخدر (drugs value chain) بررسی کنیم.

در میانمار، با گفتگو با جوامع متأثر از افزایش سطح مصرف مواد مخدر، به مطالعه مصرف مواد مخدر می‌پردازیم.

بن بست پالیسی

در واقعیت، در کشورهایی که از اقتصاد غیرقانونی آسیب دیده اند و در تلاش گذار از جنگ به صلح اند، بین ادارات درگیر در زمینه / علیه مواد مخدر و نهادهای فعال در زمینه انکشاف و صلح سازی (و به همین ترتیب امنیت انسانی و رفاه) اغلب گسست بنیادین وجود دارد.

در حالی که این برچسبها و دستور کارها برای خود ادارات اهمیت دارد، برای جوامع محلی و مقامات دولتی که می خواهند در عمل با چالش های عمیقاً بهم پیوسته خشونت، اقتصاد غیرقانونی، فقر مزمن و رفاه جامعه برخورد کنند، معنی ندارد.

دوم، درک موجود از نحوه انطباق عملی پالیسی های مواد مخدر، صلح سازی و انکشاف بسیار ناقص است. در مورد اینکه «چه کاری مؤثر است» شواهد سیستماتیک بسیار کمی وجود دارد - اگرچه درباره کارهای غیر مؤثر در مبارزه علیه مواد مخدر، شواهد زیادی وجود دارد.

مساله تنها مربوط به ناکارآمدی دانش انباشته شده و نبود ارتباط بین ادارات مواد مخدر و صلح سازی و انکشاف نیست. طرح «پرسش های دشوار» در باره تأثیرات پالیسی های مبارزه با مواد مخدر بر پروسه های انکشافی و گذار از جنگ به صلح نیز مد نظر است. در عین حال، این امر به معنای روبرو شدن با انتخاب های سختی (trade-off) است که اغلب بین اهداف پالیسی های مواد مخدر، کاهش فقر و تلاش های معطوف به کاهش سطح خشونت های مسلحانه وسیع، صورت می گیرد.

در این زمینه اغلب نوعی از هم گسیختگی بین اداراتی که در مبارزه با مواد مخدر کار میکنند، و کسانی که در زمینه توسعه و ایجاد صلح کار میکنند (امنیت و رفاه بشر) وجود دارد.

در حقیقت، تضادها و سازش هایی که بین برنامه های متعارف مبارزه با مواد مخدر و فشار رو به رشد رویکردهای آگاه به منازعه و انکشاف محور وجود دارد، به چندین طریق نمود می یابد. به عنوان مثال، مجرم انگاری دهقان هایی که کوکا یا کوکنار کشت می کنند با اصل شناخته شده انکشاف بدیل که متضمن کار مشترک با تولیدکنندگان محصول غیر قانونی است، در تضاد است.

اصرار بر نتیجه گیری سریع بر اساس تعداد هکتار زمین امحای کوکنار، تلاش های طولانی مدت برای حمایت از معیشت بدیل را تضعیف می کند. پالیسی های مبارزه با مواد مخدر همسو با اهداف ضد شورشگری ممکن است مشروعیت دولت را در مناطق سرحدی تضعیف و معیشت دهقان ها را نابود کند.

برعلاوه، حمله بر (سرکرده های) مشخص مواد مخدر می تواند به تضعیف توافقات سیاسی بیانجامد و با ایجاد اشکال جدید ستیز یا تقسیم سازمان کم و بیش منسجم فعالیت های جرمی به رقابت آشفته بر سر قلمرو مواد مخدر، وضعیت را ناامن تر سازد.

جنگ جهانی علیه مواد مخدر به هدف تعیین شده (جهان عاری از مواد مخدر) دست نیافته است. در حقیقت، تولید و مصرف مواد مخدر غیرقانونی در سطح دنیا افزایش یافته است. به علاوه، تأثیرات منفی پالیسی ها و برنامه های نظامی محور برای مبارزه با مواد مخدر که روی کاهش عرضه [مواد مخدر] در جهان جنوب (global South) متمرکز است، به طور گسترده مستندسازی شده است.

استدلال معتبر در باره این که جنگ علیه مواد مخدر موفق بوده است، دشوار است، هرچند برخی ها معتقدند که (جنگ) اهدافی را دنبال می کند که با مواد مخدر ارتباط اندک دارد - مانند پیروزی در انتخابات، بدنام کردن جوامع حاشیه ای، افزایش منابع یا تقویت قدرت گروه های مسلط. اکنون بیش از همیشه به نظر می رسد که جنگ علیه مواد مخدر در واقع جنگ علیه مردم و به خصوص علیه کسانی اند که در حاشیه قرار دارند.

اکنون بیش از همیشه به نظر می رسد که جنگ علیه مواد مخدر در واقع جنگ علیه مردم و به خصوص علیه کسانی اند که در حاشیه قرار دارند.

با توجه به نواقص جدی و هزینه های اجتماعی که بدان اعتراف شده است، این خواست در حال افزایش است که پالیسی های مواد مخدر انسانی تر شده و با تلاش های کلان تر تامین رفاه - مانند اهداف انکشاف پایدار - همسو گردد.

این باور در حال گسترش است که مواد مخدر باید به مثابه یک مساله انکشافی و صلح سازی و پدیده همذات زندگی انسان مطرح شود، نه یک مساله امنیتی یا جرمی مرتبط با گفتمان قدرتمند اخلاق مدار.

با این وجود، تا رسیدن به پالیسی های یکپارچه، آگاه به منازعه (conflict-sensitive) و انکشاف محور در زمینه مواد مخدر، موانع بزرگی وجود دارد. نخست، پالیسی های کنترل مواد مخدر و انکشاف بر اساس اهداف مختلف - اگر نه متضاد - دسته بندی شده است. معیارهای سنجش موفقیت این دو دسته پالیسی و ابزارهای اجرای این پالیسی ها نیز متفاوت است.

در دیدگاه مسئولین کنترل مواد مخدر، مواد مخدر هنوز هم اساساً یک مساله ناشی از عرضه تلقی می شود که مربوط به ادارات تنفیذ قانون است. در عین حال، بسیاری از ادارات انکشافی و صلح سازی تمایلی به درگیری مستقیم با موضوع مواد مخدر ندارند.

دستور کار متضاد و مجاری تمویل متفاوت سبب تداوم دانش انباشته شده (knowledge silos) و پالیسی های گسسته می شود. این اختلافات بر اثر فرهنگ ها و رویکردهای سازمانی مختلف ادارات مواد مخدر و نهادهای انکشافی، تشدید می شود. اولی (ادارات مواد مخدر) تمایل دارند که از طریق مشارکت دولت به دولت و رویه ها و برنامه های از بالا به پایین کار کنند. دومی (نهادهای انکشافی)، حداقل در حد گفتار، بیشتر بر روش های مشارکتی از پایین به بالا، با مشارکت جامعه مدنی و بخش خصوصی، و همچنین دولت، تأکید دارد.

اصرار بر نتیجه‌گیری سریع بر اساس تعداد هکتار زمین
امحای کوکنار، تلاش‌های طولانی مدت برای حمایت از
معیشت بدیل را تضعیف می‌کند.

این گزارش به دنبال عرضه شواهد سیستماتیک در باره چگونگی
رفع این تنش‌ها نیست. با این وجود، ما تعدادی از نشانه‌ها را برای
رهنمایی پالیسی‌سازان و مجریان به سمت مسایل و رویکردهایی که
در متعادل سازی پالیسی‌های متضاد و ایجاد درک واضح‌تر از توزیع
نا برابر هزینه‌ها و مزایای مداخلات، مهم اند، ارائه می‌کنیم.

تحقیقات انجام شده در افغانستان و میانمار نشان می‌دهد که ترتیبات
سیاسی غیر رسمی می‌تواند در آرام کردن درگیری‌های خشونت آمیز، و
دولت‌سازی در مناطقی با اقتصاد دیرینه مواد مخدر و در جایی که دولت
مرکزی در تلاش است از طریق نخبگان منطقه‌یی - بالقوه غیر همکار
- حکومت کند، نقش بسیار مهم داشته باشد. با این وجود، این ترتیبات
ممکن است با اهداف کنترل مواد مخدر مغایرت داشته باشد.

این مثال‌ها نشان می‌دهد که رابطه بین اهداف مبارزه با مواد مخدر،
انکشاف حامی فقرا، صلح و دولت‌سازی نه ساده و نه لزوماً مکمل
یکدیگر است.



سرک موس، ایالات شان، میانمار. عکاس: شان

راهی به جلو

پروژه مواد مخدر و نظم و بی‌نظمی سرزمین‌های سرحدی را یک نقطه دید (vantage point) بسیار مهم می‌داند (که غالباً نادیده گرفته شده) که به فهم بهتر فرایندهای شکل‌گیری و توسعه دولت کمک می‌کند. رویکرد ما این مساله را بررسی می‌کند که چگونه مناطق سرحدی می‌توانند در شکل دادن به آنچه در مراکز ملی و جهانی رخ می‌دهد، نقش ایفا کنند.

ما می‌خواهیم نشان دهیم که چگونه دینامیک سرزمین‌های سرحدی - به شمول تولید مواد مخدر غیر قانونی - کمتر معلول فقدان ادغام سیاسی و اقتصادی آنها و بیشتر تابع روشی است که این پروسه‌های یکپارچه‌ساز بر اساس آن تحمیل می‌شود، با مقاومت روبرو می‌شود و با وساطت چندین مجموعه بازیگر، منافع و روابط که در مقیاس محلی، ملی، فرامرزی و جهانی عمل می‌کند، به پیش برده می‌شود.

انکار استثنایی بودن مواد مخدر

ادارات مواد مخدر تمایل دارند با مواد مخدر غیرقانونی به مثابه یک امر استثنایی برخورد کنند. این باور اسطوره‌ای (fetishism) در باره مواد مخدر، مواد مخدر را دارای ویژگی‌های ذاتی معرفی می‌کند که به صورت خودکار جرم، منازعه خشونت‌آمیز و شکنندگی دولت را به بار می‌آورد.

یکی از مصادیق این اسطوره‌گرایی در باره مواد مخدر گرایش افراد به تحلیل مناطق تولید کننده مواد مخدر تنها از دید مواد مخدر و نگرش محدود به عامل مواد مخدر است، در حالی که دینامیک کلان اجتماعی-اقتصادی و سیاسی که مواد مخدر تنها بخشی از آن است، نادیده گرفته می‌شود.

یکی از مصادیق این اسطوره‌گرایی در باره مواد مخدر گرایش افراد به تحلیل مناطق تولید کننده مواد مخدر تنها از دید مواد مخدر و نگرش محدود به عامل مواد مخدر است.

به لحاظ روش تحقیق، این مساله اغلب سبب طرح پرسش‌های کوتاه‌نگرانه و مستقیم در باره مواد مخدر است، نه بررسی معیشت محلی و ساختارهای قدرت، و چگونگی تعامل مواد مخدر با آنها.

به لحاظ تحلیل، این امر به این معنا بوده است که دلایل اشتغال مردم در اقتصاد مواد مخدر اغلب به انگیزه ساده انگارانه سودآوری تقلیل داده می‌شود. در عین حال، تغییر در اقتصاد مواد مخدر (مانند تغییر سطح تولید) همواره مستقیماً به مداخلات پالیسی مواد مخدر نسبت داده می‌شود، نه تغییرات کلان سیاسی و اقتصادی.

پروژه مواد مخدر و نظم و بی‌نظمی در صدد به چالش کشیدن این اسطوره‌گرایی و نظریه رابطه ثابت بین مواد مخدر، منازعه مسلحانه و شکنندگی دولت است. برای مثال، ما این سوال را می‌پرسیم که چه چیزی اقتصاد مواد مخدر غیر قانونی را خشن می‌سازد (یا نمی‌سازد)؟ و این مفروض را زیر سوال قرار می‌دهیم که محو مواد مخدر لزوماً خشونت را در مناطق سرحدی تحت مطالعه از بین می‌برد.

با توجه به بن‌بست پالیسی که در بالا اشاره شد، برای فهم بهتر و رسیدگی به اقتصاد مواد مخدر غیرقانونی، به خصوص در محیط‌های منازعه مسلحانه و صلح‌سازی، رویکردهای جدید لازم است. در اینجا، ما آنچه را معتقدیم راهی به جلو است ترسیم می‌کنیم و چند نقطه عزیمت برای پروژه مواد مخدر و نظم و بی‌نظمی که در صدد حل و کمک به عبور از این بن‌بست پالیسی است، تعیین می‌کنیم.

مشارکت صداهای به حاشیه رانده شده

مواد مخدر موضوع روایت‌های گوناگون و متضاد است. اما برخی از روایت‌ها، عمدتاً روایت‌هایی که از سوی افراد قدرتمند وابسته به نخبگان ملی و کمک‌کنندگان بین‌المللی مطرح می‌شود، در صدد سلطه بر دیدگاه‌ها و صداهای (حاشیه‌ای) تر و خاموش کردن آنها است.

شرکای اقتصاد مواد مخدر غیرقانونی (تولید کنندگان، انتقال دهندگان و مصرف کنندگان) در جهان جنوب، با ضعف نمایندگی - یا فقدان نمایندگی - در مباحثات جهانی و ملی در باره مواد مخدر، انکشاف و صلح‌سازی روبرو است. با این حال، این گروه‌ها در جمع کسانی اند که بیش از همه در جنگ جهانی علیه مواد مخدر آسیب دیده اند.

پالیسی‌هایی که از حذف مواد مخدر، کمک به انکشاف و صلح‌سازی حمایت می‌کنند تنها زمانی می‌تواند موفق باشد که به تاثیر مواد مخدر بر معیشت و ساختار قدرت در مناطق سرحدی و توزیع نابرابر خطرات و فرصت‌ها میان افراد شاغل در اقتصاد مواد مخدر غیرقانونی، توجه کنند.

بنا بر این، ما معتقدیم باید به صداهای و تجربیات افراد و جوامع ساکن در مناطق سرحدی متاثر از مواد مخدر گوش داده شود و به صورت جدی، پایدار و معنی‌دار از آن آموخته شود.

از نگاه سرزمین‌های سرحدی

اقتصاد مواد مخدر غیرقانونی به طور معمول در سرزمین‌های سرحدی شکوفا می‌شود. این مناطق فرامرزی مناطقی اند که در آن مواد مخدر و درگیری‌های مسلحانه معمولاً در هم تنیده اند و مشروعیت دولت‌های مرکزی اغلب به صورت جدی به چالش کشیده می‌شود. در نتیجه، این مناطق به لحاظ سیاسی فضاهای حساس اند که اغلب از سوی نخبگان ملی به عنوان معضل قانون و نظم تلقی می‌شود.

ما این گرایش پالیسی‌سازان را که می‌گویند مناطق سرحدی مناطق حاشیه‌ای، فاقد ارتباط و خالی از حکومت است و باید آرام شود، ادغام گردد و انکشاف یابد، نقد می‌کنیم. این دیدگاه دولت محور که سرزمین‌های سرحدی را به عنوان دریافت کننده منفعل سیاست‌ها و ابتکارات دولتی تلقی می‌کند، نقشی را که حاشیه نشین‌ها در تامین قدرت مرکز بازی می‌کند، نادیده می‌گیرد. در واقع، ما نه تنها سرزمین‌های سرحدی را عقب مانده یا دور افتاده نمی‌بینیم، بلکه آن را مکان ابتکار، نوآوری و تحول می‌دانیم.



مزارع برنج در شهر تانگیان در شمال ایالت شان، میانمار. عکس توسط شان

بازاندیشی رابطه مواد مخدر، انکشاف و خشونت

اسطوره‌سازی در باره مواد مخدر منجر به این برداشت می‌شود که اقتصاد مواد مخدر در بیرون از پروسه‌های متعارف انکشافی، به پیش می‌رود. این پروسه‌ها معمولاً با عناوین دولت‌سازی، رشد اقتصادی، کاهش فقر، و کاهش سطح خشونت مسلحانه تعریف می‌شود.

توصیف مواد مخدر به مثابه پیامد یا آسیب پروسه‌های انکشافی، مجموعه‌ای متمایزی از روایت‌های پالیسی را ایجاد کرده است. این روایت‌ها چنین فرض می‌گیرند که حضور دولت و انکشاف اقتصادی - و در نتیجه ادغام مناطق تولیدکننده مواد مخدر در ساختارهای سیاسی ملی و بازارهای جهانی - به طور خودکار اقتصاد مواد مخدر غیر قانونی را از بین خواهد برد و گذار به صلح را ممکن خواهد ساخت.

پروژه مواد مخدر و نظم و بی‌نظمی این مفروضات را به چالش می‌کشد. ما به مجموعه‌ای از تحقیقات جدید استناد می‌کنیم که نشان می‌دهد تولید مواد مخدر چگونه گاهی به دوره‌هایی از توسعه دولت پیوند دارد و گاهی به فروپاشی دولت؛ به تلاش‌هایی برای مهار منازعه مسلحانه ارتباط دارد و نیز به تمویل اقتصاد جنگ؛ و به اشکالی از تامین رفاه و رشد اقتصادی کمک کرده و نیز تابع به حاشیه راندن اقتصادی است.

ما با ترکیب تحقیقات انجام شده در باره مواد مخدر، انکشاف و گذار از جنگ به صلح، قصد داریم چگونگی تاثیر گذاری اقتصاد مواد مخدر بر پروسه‌های کلان‌تر تغییر سیاسی و اقتصادی - و تاثیرپذیری مواد مخدر از این پروسه‌ها - را بهتر درک کنیم، با این پیش فرض که مواد مخدر از طریق این پروسه‌ها تضعیف می‌شود.

شناخت معماها و سازش‌ها

رویکردهای جدید باید با این اعتراف شروع شود که پالیسی‌سازان و افراد در محیط‌های متأثر از مواد مخدر با انتخاب‌های دشوار مواجه اند.

خانواده‌ها هنگام تصمیم‌گیری در مورد ورود به اقتصاد غیرقانونی با انتخاب‌های سخت روبرو اند. همانطور که در این گزارش نشان داده شده است، جوامع تولیدکننده کوکا در کلمبیا پیشرفت‌های اقتصادی و اجتماعی قابل توجهی کسب کرده اند، اما به قیمت تحمل خشونت همه گیر. در میانمار، کشت تریاک از مدت‌ها پیش یکی از مؤلفه‌های اساسی امرار معاش برخی از فقیرترین مردم کشور بوده است. با این حال، افزایش مصرف زیانبار مواد مخدر در حال حاضر چالش‌های جدیدی را برای خانواده‌ها و جوامع ایجاد می‌کند.

دولت‌ها نیز در هنگام انتخاب بین گزینه‌هایی که اغلب با اهداف پالیسی مبارزه با مواد مخدر، انکشاف حامی فقر، صلح‌سازی و دولت‌سازی در تضاد است، با معضلات پیچیده روبرو اند. به عنوان مثال، یک دولت ممکن است تقاضاها برای (دستاوردهای) ملموس کوتاه مدت در مبارزه با مواد مخدر را برآورده کند، اما با انجام این کار ممکن است اقتصاد محلی را مختل کند، ساختار قدرت محلی را بی‌ثبات کند یا رقابت بین سازمان‌های مسلح دخیل در تجارت مواد مخدر را تشدید کند.

در مقابل، ترتیبات غیررسمی پیرامون تجارت مواد مخدر (مانند حفاظت، معافیت از مجازات یا دسترسی به اقتصاد قانونی) ممکن است بنیاد مهمی برای آتش بس و توافقات سیاسی بین دولت ها و گروه های مخالف باشد. این کار در عوض زمینه کاهش درگیری های خشونت آمیز را فراهم می کند و به دولت اجازه می دهد حضور قوی تری در مناطق مورد مناقشه برقرار کند.

در باره صداهایی از سرزمین های سرحدی ۲۰۲۰

از این رو، روایت راه حل «برد-برد» غالباً غیر صادقانه، نادرست و حتی مخرب است. تحقیقات جدی و گفتگوهای صادقانه در زمینه پالیسی باید با شناخت این معضلات و انتخاب ها و همچنین درک زمینه ای که آنها را تعیین می کند یا بر آن تأثیر می گذارد و فهم پیامدهای توزیعی آنها، آغاز شود.

گزارش (صداهایی از سرزمین های سرحدی ۲۰۲۰) یکی از چند محصول پروژه مواد مخدر و نظم و بی نظمی است که هدف آن بازتاب تجربیات و دیدگاه های مردم شاغل در مواد مخدر غیرقانونی در هفت منطقه سرحدی کلمبیا، افغانستان و میانمار است.

با این وجود، ما به طور آگاهانه سعی کرده ایم - به جای صدای نخبگان سیاسی و اقتصادی - روایت های افراد «عادی» مانند دهقان ها و جمع کننده های کودکا، انتقال دهندگان فرامرزی و تاجران، مصرف کنندگان مواد مخدر و اعضای خانواده آنها را برجسته سازیم.

این گزارش برای طیف وسیعی از مخاطبین تهیه شده است، از جمله محققین، مجریان و پالیسی سازانی که در مسایل مربوط به مواد مخدر، انکشاف و صلح سازی کار می کنند.

ما قصد داریم برای انجام این کار نقطه نظرات مردم محل در باره نوع «صلح» و «انکشاف»ی که در حاشیه [قلمرو] دولت در افغانستان، کلمبیا و میانمار شکل می گیرد یا با مقاومت روبرو می شود، و چگونگی گرفتار شدن زندگی روزمره مردم به اقتصادهای غیرقانونی مواد مخدر، را به تصویر بکشیم.

تحقیقات ما یکی از ناهنجارهای معمولاً متناقض یا مخالف را نشان میدهد که در طیفی از شاخصه ها از قبیل فعالیت ها، موقعیت و غیره متفاوت است.

تیم های تحقیقاتی ما در هر کشور با استفاده از سه معیار اصلی پیام های کلیدی را انتخاب کردند. نخست، پیام های کلیدی مستقیماً از طریق تحقیق مواد مخدر و نظم و بی نظمی استخراج شد. این پیام ها برگرفته از صدها مصاحبه است که در سال های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ انجام شد.

البته، «صداهای»ی ثبت شده در مناطق سرحدی نه یکدست است و نه یکنواخت. بلکه تحقیقات ما حاکی از آمیزه ای از صداهای غالباً متناقض است که از جنبه های مختلف هویتی (سن، قومیت، جنسیت، مذهب و ...)، فعالیت ها (قانونی و غیرقانونی، تولید کننده مواد مخدر، مصرف کننده، قاچاق بر، نخبه یا زبردست)، موقعیت (مرکز ولایت، ولسوالی های سرحدی، مناطق دور افتاده فقیرنشین، مراکز قاچاق) متفاوت است.

هدف ما این است که بینش محلی در مورد انواع صلح و توسعه را که در حاشیه تولید و یا ممانعت شده اند، شریک بسازیم.

واضح است که این سوال مطرح می شود که کدام صداها باید در اولویت قرار گیرد. تهیه این گزارش شامل انتخاب طیف وسیعی از مواد گوناگون و پیچیده است. به عبارت کلی تر، «جمع آوری» «شواهد» فرایندی ناقص و سیاست زده است - از تصمیم گیری در مورد نوع «داده»ای که باید جمع آوری شود تا چگونگی تحلیل، نوشتن و به اشتراک گذاری آن.

دوم، پیام ها بیانگر مسایل رایج است که توسط مردم در سایت های تحقیقاتی مناطق سرحدی مورد تأکید قرار گرفته است. سوم، این مسایل رایج، از نظر ما، حاوی مطالب غافلگیرکننده، ضد شهودی (counter-intuitive) و / یا معطوف به پالیسی است. بخش های مربوط به هر کشور حاوی جزئیات بیشتر در مورد پروسه انتخاب پیام کلیدی و روش تحقیق است که پیام های کلیدی بر اساس آن تدوین شده است.

به اعتقاد ما، مهم است که در مورد ماهیت این روند شفاف و صادق باشیم. ما وانمود نمی کنیم کاملاً بی طرف هستیم، ادعا هم نمی کنیم که همه صداها را بازتاب می دهیم. به عنوان مثال، تحقیقات ما دیدگاه ها و تجربیات همه قومیت ها را ثبت نمی کند. ما به ویژه در افغانستان تلاش کرده ایم تا از دسترسی یکسان به صدای زنان و مردان اطمینان پیدا کنیم.

ما امیدواریم این تحقیق بتواند تصویر دقیق، صادقانه و به لحاظ کیفی متفاوت از زندگی مردمی ارائه دهد که درگیر مبارزه، سختی و گاهی پیروزی در سرزمین های سرحدی هستند.

کلمبیا

۵۵ [جایی که من زندگی می‌کنم]، گیاه کوکا برای مدت طولانی منبع اقتصاد بوده است. هیچ گیاه دیگری وجود ندارد که بتواند جایگزین آن شود. ۶۶

مرد دهقان کوکا، پورتو آسیس، اکتوبر ۲۰۱۸





بسیاری از مزارع و قریه جات تنها به وسیله قایق قابل دسترسی اند. پورتو آسیسی، کلمبیا. عکس از فرانسس تامسن / پوهنتون ملی کلمبیا

در باره سرزمین‌های سرحدی

شدند. عوامل متعدد باعث شد قاچاق بران برجسته مواد مخدر به جنگ علیه چریک‌ها بپیوندد، در حالی که بسیاری از گروه‌های شبه نظامی، که مستقل از شبکه‌های «مواد مخدر» تشکیل شده بودند، نیز در تجارت مواد مخدر سهیم شدند.

کشت کوکا در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ در کلمبیا گسترش یافت، به‌ویژه در مناطق «زون‌های استعماری» جنوبی، جایی که مردم پس از رانده شدن از مناطق دیگر به دلیل خشونت و/یا تراکم در محل، در آنجا ساکن شده بودند، (اما کشت کوکا محدود به این مناطق نبود). کشت کوکا در مناطقی که دارای زیرساخت ضعیف است یا حمایت دولتی از ده‌ها سال اندک است و هزینه انتقال به بازار به شدت بالا است، به منبع درآمد ساکنین بدل شد.

در عین حال، کشت کوکا به تداوم درگیری مسلحانه نیز کمک کرد که در آن غیرنظامیان، به‌ویژه در مناطق محل تولید کوکا، قربانیان اصلی بوده‌اند. اقتصاد کوکا علاوه بر تأمین مالی گروه‌های مسلح غیرقانونی، باعث تحریک و بهانه‌ای شد برای پاسخ نظامی سرکوبگرانه، از جمله سم‌پاشی هوایی، که برای ساکنان محلی پیامدهای مخربی به بار آورد.

توافقنامه صلح سال ۲۰۱۶ بین دولت کلمبیا و گروه فارک آغاز فصل جدیدی در تاریخ این کشور بود. نتیجه این توافقنامه هنوز قطعی نیست. تصویر پیچیده است: صدها تن از رهبران اجتماعی و فعالان جامعه از زمان امضای توافق کشته شده‌اند؛ برنامه جایگزینی محصول غیرقانونی، رو به ناکامی است، و ارتش آزادی بخش ملی، گروه‌های شبه نظامی جانشین و باندهای جنایتکار درگیر در تجارت مواد مخدر غیرقانونی در بسیاری از مناطقی که از وجود نیروهای فارک تخلیه شده است، مستقر شده‌اند.

کلمبیا به لحاظ منطقه‌ای، زیست محیطی و قومی یک کشور دارای تنوع با جمعیتی حدود ۴۸ میلیون نفر است. این کشور در شاخص انکشاف بشری (HDI) برنامه انکشاف ملل متحد از میان ۱۸۹ کشور جهان در رده ۷۹ قرار دارد و توسط بانک جهانی در گروه «درآمد متوسط به بالا» طبقه بندی شده است. با این حال، کلمبیا همچنین یکی از نابرابرترین کشورهای جهان است. ثروت نا پایدار در بعضی از شهرهای اصلی کشور با شرایط زندگی بسیاری از خانواده‌های روستایی که فاقد دسترسی به برق، فاضلاب و آب جاری اند، به شدت مغایرت دارد.

ثروت نا پایدار در بعضی از شهرهای اصلی کشور با شرایط زندگی بسیاری از خانواده‌های روستایی که فاقد دسترسی به برق، فاضلاب و آب جاری اند، به شدت مغایرت دارد.

کلمبیا چندین دوره درگیری مسلحانه را تجربه کرده است. اغلب گفته می‌شود که جدیدترین مورد آن در دهه ۱۹۶۰ آغاز شد، هنگامی که گروه‌های شورشی مسلح گوناگون تشکیل شدند. این گروه‌ها شامل نیروهای مسلح انقلابی کلمبیا (FARC)، ارتش آزادیبخش ملی (ELN) و ارتش آزادیبخش مردمی (EPL) است. با این وجود، منشأ این گروه‌ها را می‌توان حتی پیش‌تر به دوران جنگ داخلی حدوداً در دهه ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ (زمان دقیق شروع و ختم آن محل اختلاف است) ردیابی کرد. این جنگ معروف به La Violencia (خشونت) است و تهاجم نظامی «ضد کمونیستی» تحت رهبری دولت را به دنبال داشت.

در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، رابط‌های کلمبیایی شروع به ساختن اقتصاد غیرقانونی مواد مخدر با محوریت صادرات کوکائین کردند. تقریباً در همین زمان، شبه نظامیان ضد برانداز در سراسر کشور تکثیر

در همین حال، اعضای معترض فارک (کسانی که در روند صلح شرکت نمی‌کنند) در حال سازماندهی مجدد هستند. مهم نیست این وضعیت مبهم به چه ماجرای بینجامد، اقتصاد غیرقانونی مواد مخدر و پالیسی‌هایی معطوف به مبارزه با آن، در شکل دهی این مرحله جدید حایز اهمیت کلیدی است.

تیم پروژه مواد مخدر و نظم و بی‌نظمی در چندین منطقه سرحدی کلمبیا که از درگیری مسلحانه و اقتصاد غیرقانونی مواد مخدر آسیب دیده است، مشغول به کار است. با این وجود، برای انتشار گزارش سال ۲۰۲۰ صداهایی از سرزمین‌های سرحدی، سه شهر کانون توجه ما است: پورتو آسیس، سانتا مارتا و توماکو، جایی که تلاش‌های ما در مراحل نخستین تحقیق در آن متمرکز بود.

پورتو آسیس، پوتومايو

پورتو آسیس یکی از شهرهای پوتومايو، شهرستان (department) (شیبیه ولایت یا ایالت) سرحدی جنوب کلمبیا است. این شهر با شش شهر دیگر پوتومايو و در جنوب با اکوادور سرحد مشترک دارد. سرحد آخر [سرحد مشترک با اکوادور] تا حدی توسط رودخانه پوتومايو تعیین شده است - رودخانه پوتومايو شاخه‌ای از دریای آمازون و معبر اصلی رودخانه‌یی منطقه است. این دریاها و سایر دریاها برای زندگی روزمره در مناطق روستایی پورتوآسیس، که از هزاران مزرعه خانوادگی پراکنده در جنگل‌های بارانی گرمسیری، تشکیل شده است و بسیاری از آنها از طریق جاده غیرقابل دسترس اند، نقش حیاتی دارد.

پورتو آسیس حدود ۶۳,۰۶۷ نفر جمعیت دارد، که حدود ۵۶٪ آنها در پایتخت شهر به همین نام، زندگی می‌کنند. نزدیک به ۱۲٪ از مردم آن بومی اند و ۷٪ دیگر را افریقایی-کلمبیایی، سیاه یا دو رگه تشکیل می‌دهد. در این شهر، حداقل شش resguardo و یک زون زراعتی حفاظت شده (Peasant Reserve Zone) وجود دارد. resguardo قلمروهای بومی اند که توسط شوراهای (cabildos) بومی تحت صلاحیت قضایی ویژه اداره می‌شوند و بر اساس اسناد مالکیت جمعی و غیرقابل انتقال حفاظت می‌شوند. زون زراعتی حفاظت شده، مناطق خاصی اند که دارای سند ملکیت اراضی خصوصی اند اما تحت قواعد و مقررات خاص قرار دارند و هدف آن ترویج و حمایت از اقتصاد دهقانی است.

ده‌ها سال است که کشت کوکا راهی برای ورود دهقان‌های خرده‌پا به بازار عرضه کرده است (در برخی مناطق، کوکا تنها محصول مناسب تجارتي است).

جمعیت مردم مستیزو [آمیخته از نژاد سرخ‌پوست و اسپانیایی] در منطقه پوتومايوی پایین، که پورتو آسیس در آن واقع شده است، تا اواسط قرن بیستم بسیار اندک بود. در این دوره، چندین عامل باعث اسکان سریع [در این منطقه] شد. این عوامل شامل تراکم مسکن روستایی در ولسوالی‌های اطراف بود که بسیاری از خانواده‌ها را برای جستجوی زمین وادار به مهاجرت کرد. آوارگی توده‌های مردم در دوره جنگ داخلی معروف به La Violencia، و فرصت‌های کارگری و تجارت ناشی از اولین مرحله رونق نفت این منطقه، عوامل دیگر آن بود.

بخش نفت ۶۳ درصد تولید ناخالص داخلی پوتومايو را تشکیل می‌دهد. با توجه به اینکه پورتو آسیس یکی از شهرهای اصلی محل تولید نفت در شهرستان پوتومايو است، به احتمال زیاد نفت بخش قابل توجهی از تولید ناخالص داخلی این شهر را نیز به خود اختصاص می‌دهد.

اما صنعت کوکا / کوکائین به همان اندازه اهمیت دارد. به عنوان مثال، حدود ۴,۵۰۶ خانواده ساکن این شهر برای شرکت در برنامه ملی جایگزینی زراعت غیرقانونی (PNIS)، که محصول توافق‌نامه‌های اخیر صلح است، ثبت نام کردند. ده‌ها سال است که کشت کوکا راهی برای ورود دهقان‌های خرده‌پا به بازار عرضه کرده است (در برخی مناطق، کوکا تنها محصول مناسب تجارتي است).

این کار اشتغال روستایی با درآمد نسبتاً خوبی ایجاد کرده و در نتیجه‌ی ایجاد درآمد، تقاضا برای کالاها و خدمات را افزایش داده که سبب تقویت تجارت محلی می‌شود. با این وجود، این مزایا با هزینه زیادی به دست آمده است.

گسترش کشت کوکا در پوتومايوی پایین در دهه ۱۹۸۰ با موج نخست خشونت گروه‌های مواد مخدر و شبه نظامی در منطقه همراه بود. کارتل میدیلین، تحت رهبری رودریگز گاجا، برای نبرد با گروه‌های شورشی و ترور غیرنظامیان متهم به حمایت از آنها، همکاری خود با نیروهای دولتی را آغاز کرد.

اقدام غیرنظامیان و نبرد آنها با چریک‌ها سرانجام منجر به اخراج گروه‌های تازه تاسیس موادمخدر-شبه نظامی شد. این امر، همراه با انحلال ارتش آزادی‌بخش مردمی در ۱۹۹۱، به گروه فارک فرصت داد قدرت خویش را در پوتومايوی پایین تحکیم کند، از جمله کنترل بر اقتصاد کوکا. با این حال، گروه‌های جانشین به سرعت شکل گرفتند تا جای آن را بگیرند.

حملات نظامی/شبه نظامی در اواخر دهه ۱۹۹۰ و اوایل تا اواسط دهه ۲۰۰۰ «هژمونی» فارک در منطقه را تضعیف کرد. بلوک پوتومايوی جنوبی نیروهای متحد دفاع شخصی کلمبیا (AUC) به طور رسمی در ماه مارچ ۲۰۰۶ منحل شد. AUC یک سازمان عمومی (umbrella organisation) بود که در سال ۱۹۹۷ تشکیل شد و گروه‌های شبه نظامی مختلف را متحد کرد.

در همین حال، تا مورد اخیر خلع سلاح نیروهای فارک-ارتش مردمی، نیروهای دولتی به نبرد با فارک ادامه دادند. شکل درگیری مسلحانه و اقتصاد کوکا در پورتو آسیس پس از توافقنامه صلح ۲۰۱۶ مدام در حال تغییر بوده است (همانطور که قبلاً برای کل کشور ذکر شده بود)؛ و ماهیت این سناریوی جدید هنوز ناشناخته است.



توماکو، نارینو

تا سال ۲۰۱۶، تعداد هکتار کشت کوکا در توماکو نسبت به هر شهر دیگر این کشور بیشتر بود.

مهاجرت به این منطقه تحت تاثیر عوامل مختلف صورت گرفت. برخی از این عوامل عبارت بود از: لغو برده داری در سال ۱۸۵۱ (بسیاری از خانواده های آزاد شده به منطقه ساحلی نقل مکان کردند)؛ ظهور دو اقتصاد کلیدی صادرات محور از اواسط تا اواخر قرن ۱۸۰۰ (این دو اقتصاد صادراتی عبارت بود از استخراج شیره‌ی خام کائوچو که از جنگل‌های طبیعی منطقه و مزارع در حال ظهور به دست می آمد و جمع آوری خسته تگوا‌ی وحشی برای تولید دکمه‌های (عاج گیاهی) و سایر محصولات)؛ ساخت خط آهن که در اواخر دهه ۱۹۲۰ توماکو را به پاستو وصل کرد؛ و نهایتاً، ورود بسیاری از کسب و کارهای چند ملیتی صادرات چوب چار تراش و رونق چوب‌بری بین دهه‌های ۱۹۴۰ و ۱۹۷۰.

بازیگران مسلح گوناگون (ارتش آزادی‌بخش ملی، فارک، گروه‌های وابسته به کارتل کالی) از دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ به بعد به توماکو مهاجرت کرده یا از آن خارج شده بود. اما در اواخر دهه ۱۹۹۰ بود که این شهر به کانون درگیری مسلحانه تبدیل شد.

تقریباً در همین زمان، گروه فارک به طور دایمی در این منطقه مستقر شد، ظاهراً به هدف گسترش اقتصاد کوکا که خودشان بر آن کنترل داشتند. گروه‌های شبه نظامی AUC، به ویژه جبهه تازه تاسیس (آزاد کنندگان جنوب)، نیز در اواخر دهه ۱۹۹۰ با هدف نبرد با چریک‌ها و حامیان آنها و همچنین کنترل مناطق ترانزیتی و به خصوص حمل و نقل و تجارت کوکائین، در منطقه مستقر شدند.

توماکو در شهرستان نارینو، در جنوب غرب کلمبیا واقع شده است. این شهر و مرکز آن که با همین نام شناخته می شود، میزبان دومین بندر مهم کلمبیا در ساحل اقیانوس آرام است. این شهر در جنوب با اکوادور، در غرب و شمال غرب با اقیانوس آرام و در شمال و شرق با سایر شهرهای نارینو هم سرحد است.

در سال ۲۰۱۹، جمعیت این شهر ۲۱۷,۰۷۹ تخمین زده می شود، که بیش از نصف آن (حدود ۵۷٪) در مناطق شهری زندگی می کنند. اکثریت جمعیت توماکو افریقایی تبار اند (۸۰٪ از ساکنین خود را سیاه، دو رگه یا افریقایی-کلمبیایی معرفی می کنند) و ۵۵٪ از مساحت اراضی این شهر متعلق به «قلمروهای جمعی جامعه سیاه پوست» است.

این قلمروها توسط شوراهای اجتماعی اداره می شوند (۱۶ شورای اجتماعی در توماکو وجود دارد)، که بر اساس اسناد ملکیت جمعی ویژه محافظت می شوند و طبق قواعد و مقررات خاصی تحت قوانین کلمبیا اداره می شوند. ۴,۶٪ دیگر جمعیت خود را بومی معرفی می کنند و ۱۵ resguardo (تعریف آن در بالا ذکر شد) در این شهر وجود دارد.

مبلغین جیسوتی در اوایل تا اواسط قرن ۱۶۰۰ در منطقه‌ای که اکنون به نام توماکو یاد می شود، مستقر شدند و هدف آنها تبلیغ مسیحیت و کنترل جمعیت بومیان محلی بود. در دوره استعمار، خط ساحلی توماکو معبر اصلی خروج طلای استخراج شده از معادن همجوار در بارباکواس و نقطه اصلی ورود بسیاری از افرادی بود که برای کار در این معادن از افریقا به بردگی گرفته شده بودند. این شهر بندری استعماری کوچک از اواسط قرن نوزدهم تا اواسط قرن بیستم به صورت چشمگیری رشد کرد و به یکی از شهرهای اصلی کلمبیا در سواحل اقیانوس آرام تبدیل شد.

در سالهای بعد، کشت کوکا در سراسر شهر افزایش یافت. عملیات نظامی (ضد شورش و مبارزه با مواد مخدر) در اوایل و اواسط دهه ۲۰۰۰ به گسترش کشت کوکا (و حضور فارک) در منطقه کمک کرد. این امر بر شهرستان‌های همجوار یعنی پوتومايو، متا و ککویتا تأثیر گذاشت. گفته می‌شود محصولات کوکا، زارعین / جمع‌کننده‌ها و فعالیت‌های مسلحانه مرتبط با آن از سایر نقاط کشور تا حد زیادی به توماکو و نارینو منتقل شده است.

تا سال ۲۰۱۶، تعداد هکتار کشت کوکا در توماکو نسبت به هر شهر دیگر این کشور بیشتر بود. حدود ۱۶,۶۵۸ خانواده از این شهر برای مشارکت در برنامه PNIS که در جریان روند جاری صلح ایجاد شده بود، ثبت نام کردند. با این حال، آینده توماکو مانند پورتو آسیس، هنوز نامشخص است - به ویژه از نظر اقتصاد کوکا و دینامیک درگیری‌های مسلحانه در منطقه.

سانتا مارتا، مگدالینا

شهر سانتا مارتا در سواحل دریای کارائیب، در شمال کلمبیا واقع شده است. این شهر قدیمی‌ترین شهر کشور است (سال تاسیس ۱۵۲۵) و پایتخت شهرستان مگدالینا است. کل شهر که این شهر بخشی از آن است، بر اساس یک سیستم هرمی کوهستانی موسوم به Sierra

در سال ۲۰۱۹، جمعیت شهر سانتا مارتا ۵۱۵,۷۱۷ نفر تخمین شده بود، که از این میان ۷,۴۷ درصد آنها خود را به عنوان افریقایی-کلمبیایی، سیاه یا دو رگه معرفی می‌کنند و ۰.۹۸ درصد خود را بومی معرفی می‌کنند. اکثریت قریب به اتفاق جمعیت سانتا مارتا شهری‌اند؛ تنها ۳.۲ درصد در مناطق روستایی سکونت دارند، اما مناطق روستایی هنوز بیش از ۹۰ درصد مساحت اراضی شهر را تشکیل می‌دهد.

سانتا مارتا دارای منابع طبیعی مهم و میراث فرهنگی، باستانی و تاریخی غنی است؛ یکی از شعارهای گردشگری آن چنین است (جادوی داشتن همه چیز). در واقع، گردشگری در کنار تجارت و سایر فعالیت‌ها در محدوده بندر شهر و تا حد کمتر ماهی‌گیری و زراعت، برای اقتصاد شهر از اهمیت اساسی برخوردار است. به طور کلی، این شهر نسبت به پورتو آسیس و توماکو ثروتمندتر است و اقتصاد قوی‌تر دارد؛ با این وجود، تفاوت زیادی بین مناطق شهری و روستایی وجود دارد.



'Casa de cafetero'. سیرا نیوادا سانتا مارتا، کلمبیا.
عکس توسط پوهنتون ملی کلمبیا

ده سال پیش پایان یافت. شبه نظامیانی که در سانتا مارتا و به طور گسترده تر در کل سیرا فعالیت می کردند، در کنار سایر نیروهای AUC در سال ۲۰۰۶ منحل شدند.

تا این زمان، دولت اجرای پالیسی انکشاف بدیل خود را در این منطقه آغاز کرده بود. این پالیسی شامل برنامه خانواده‌های جنگل‌بان (Familias Guardabosques) بود که در سال ۲۰۰۴ آغاز شد و حدود ۱,۶۰۰ خانواده را در سانتا مارتا تحت پوشش قرار داد.

اشکال مختلف خشونت‌های سازمان یافته - به ویژه بازماندگان شبه‌نظامی - همچنان با برجاست و این منطقه هنوز یکی از مسیرهای اصلی قاچاق مواد مخدر در آن کشور است.

پس از آن، هم کشت کوکا و هم میزان خشونت در منطقه کاهش یافت. با این حال، اشکال مختلف خشونت‌های سازمان یافته - به ویژه بازماندگان شبه‌نظامی - همچنان با برجاست و این منطقه هنوز یکی از مسیرهای اصلی قاچاق مواد مخدر در آن کشور است.

یادداشتی در باب روش تحقیق

پیام‌های کلیدی ما از سه منبع اصلی تهیه شده است. اول، ما در طول این پروژه تحقیقاتی به گونه مداوم با رهبران اتحادیه‌های دهقان‌های سراسر کشور که محصولات مورد استفاده در مواد مخدر غیرقانونی را کشت می‌کنند، در گفتگو بوده ایم. ما در جریان این گفتگوها چندین موضوع مکرر را که در صحبت‌های این رهبران درباره تولید کوکا انعکاس یافته است، شناسایی کردیم.

دوم، پیام‌های کلیدی بر اساس بیش از ۱۵۰ مصاحبه نیمه ساختار یافته و بدون ساختار با زارعین و جمع‌کنندگان کوکا از سه منطقه مختلف سرحدی در کلمبیا (پورتوآسیس، توماکو و سانتا مارتا) تدوین شده است. این مصاحبه‌ها بین سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ توسط تیم تحقیقاتی ما در جریان سفرهای مختلف کاری انجام شده است.

سوم و سرانجام، پیام‌ها بیانگر نظرات و تجربیاتی است که در یک سروی ده‌ه‌گانه به دست آمده است. سروی (اجرا شده در جون ۲۰۱۹) با مشارکت ده‌ه‌گانه‌ای انجام شد که در برنامه ملی جایگزینی زراعت غیرقانونی در دو شهر مهم محل تولید کوکا در این کشور، یعنی توماکو و پورتو آسیس، ثبت نام کرده بودند.

تحقیقات ما بیشتر در مناطق روستایی سیرا نوادا متمرکز شده است، جایی که حوزه‌های قضایی متعدد با هم همپوشانی دارند. این مناطق شامل بخش‌های آتی است: چندین شهر متعلق به سه شهرستان که قلمرو آن در محدوده این رشته کوه واقع شده است، سه اداره محیط زیست منطقه‌بی، دو پارک طبیعی، یک ذخیره جنگلی و نه قلمرو بومی (resguardo) (در بالا تعریف شد).

تعداد قابل توجهی از دهقان‌ها در پایان قرن نوزدهم در سیرا نوادا مستقر شدند. این اتفاق زمانی رخ داد که محصول قهوه در منطقه سانتا مارتا به شکوفایی رسید و بیشتر توسط تاجران خارجی هدایت می‌شد که املاک بزرگی را در اختیار داشتند. در اواسط قرن بیستم، مهاجرت به سیرا نوادا سرعت گرفت. بسیاری از افراد برای فرار از جنگ داخلی La Violencia که قسمت‌های داخلی مناطق آند را در این کشور ویران کرد، به این منطقه گریختند. موج‌های دیگری از مهاجران پس از افتتاح جاده Troncal del Caribe در سال ۱۹۷۱ - مهم‌ترین جاده منطقه کارائیب - وارد این منطقه شدند.

تقریباً در همین زمان، در اواسط دهه ۱۹۷۰، سیرا به مرکز تولید چرس بدل شد. رونق چرس یا آنچه در اصطلاح محلی bonanza marimbera خوانده می‌شود تأثیر بسزایی در ساختارهای زراعتی، اقتصادی و سیاسی منطقه داشت. این رونق در دهه بعد، با کمپاین‌های سرکوبگرانه دولت برای مقابله با مواد مخدر و سم‌پاشی هوایی بسیار تهاجمی، از رمق افتاد. با این وجود، تا آن زمان دامنه‌های شمالی و ساحلی سیرا (جایی که سانتا مارتا در آن قرار دارد) هم به عنوان مکانی برای قاچاق مواد مخدر و هم برای تولید کوکا تثبیت شده بود.

تقریباً در همین زمان، در اواسط دهه ۱۹۷۰، سیرا به مرکز تولید چرس بدل شد. رونق چرس یا آنچه در اصطلاح محلی bonanza marimbera خوانده می‌شود تأثیر بسزایی در ساختارهای زراعتی، اقتصادی و سیاسی منطقه داشت.

اگرچه گروه‌های شبه نظامی و چریکی متعدد در دهه ۱۹۸۰ با هم رقابت می‌کردند، در دهه ۱۹۹۰ گروه‌های شبه نظامی محلی کنترل سرزمینی شان را تحکیم کردند و وسعت بخشیدند. درگیری مسلحانه در اوایل دهه ۲۰۰۰ با روی کار آمدن AUC - فدراسیون ملی شبه نظامیان - شدت گرفت. AUC پس از شکست و جذب شبه نظامیان محلی، بر فعالیت‌های سیاسی و اقتصادی (اعم از قانونی و غیرقانونی) در سیرا نوادا و مناطق اطراف آن نفوذ چشمگیری پیدا کرد.

وقتی از مصاحبه شونده‌گان در مورد تأثیرات روند صلح اخیر پرسیدیم، پاسخ هماهنگ این بود که درگیری مسلحانه در این منطقه بیش از

پیام‌های کلیدی

۱. وضعیت بسیاری از مردم در سرزمین‌های سرحدی کلمبیا به دلیل کاشت کوکا به لحاظ اقتصادی بهتر است اما این وضعیت با هزینه گزافی به دست آمده است.

زارعین کوکا درآمد شان را در اموراتی مانند آموزش، صحت و زمین سرمایه گذاری می کنند

زارعین و جمع کنندگان کوکا از درآمد خود برای بهسازی خانه های خود، پرداخت هزینه های تحصیل فرزندان و معالجه اعضای خانواده، و به دست آوردن زمین و دارایی های دیگر، مانند موتورسایکل و صفحات انرژی خورشیدی استفاده کرده اند. اگر اقتصاد کوکا نبود، بسیاری از آنها به سادگی قادر به دسترسی به این خدمات یا دارایی ها نبودند. در برخی از جوامع، مردم برای پرداخت هزینه ساخت و ساز مکاتب، پیاده راه ها و جاده ها و حتی برای معاش معلمین، از درآمد کوکای شان پول جمع کردند.

در زمان [رونق] کوکا، اولین کاری که من با درآمد اول خود انجام دادم، ساختن بیش از نیمی از سقف خانه بود. پس از آن، ما شروع به خرید خشت کردیم و همچنین، ما مجبور به خرید مواد برای مزرعه بودیم به خاطر این که محصول به خودی خود رشد نمی کند. بنابراین، به این صورت، من نیم سقف خانه خود را اعمار کردم؛ بعد از آن خشت تهیه کردم و سپس چیزهایی را برای مزرعه گرفتم و بعد از آن پسرانم خواستار خرید تلویزیون شدند. (زن سابقا دهقان کوکا، توماکو، فبروری ۲۰۱۹)

بعد از اینکه فرزند اولم را به دنیا آوردم، یادم می آید کوکا داشتیم و سود آور بود. فقط با یک بار برداشت، پول کافی برای پرداخت هزینه برق و تلویزیون تامین شد. تلویزیون اولین چیزی بود که یک شخص می خرید، برای تماشای سریال (مریمار)؛ بعد از آن یک قایق موتوری کوچک برای گشت و گذار به بالا و پایین رودخانه. (زن سابقا دهقان کوکا، توماکو، می ۲۰۱۸)

با پول کوکا، آدم پولدار می شود: می توانید اسب بخرید، خانه خود را بهسازی کنید - روی آن سرمایه گذاری کنید، مانند پوشش بام و نصب حصار سیمی. [...] هر کاری که ما [در این قریه] انجام داده ایم با پول کوکا بوده است، بین خود ما بماند، عرق ریزی و پول کوکا. وقتی رسیدیم، معاش حدود دو سال معلم مکتب را دادیم [با پولی که با کشت کوکا به دست آورده بودیم]. او یک همسایه بود که می گفت تحصیل کرده است. بعداً، یک معلم دولتی گرفتیم [معلمی که از طریق دولت استخدام و معاش داده می شود]. (مرد سابقا زارع و جمع کننده کوکا، پورتو آسیس، سپتامبر ۲۰۱۹)

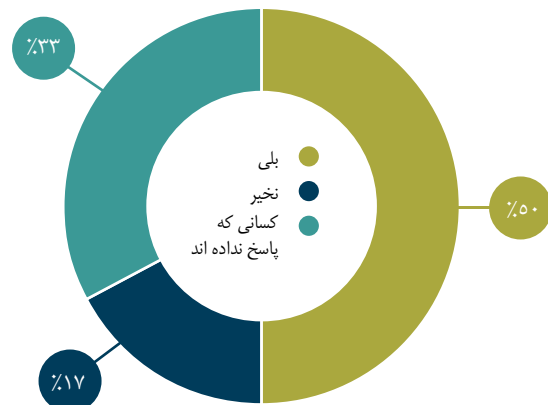
در مورد من، من بابت کوکا ناسپاس نیستم. من در شرایط سختی بوده ام. من باید از برادرم که معلول است، مادرم و خواهر و برادرهای کوچکم [مراقبت کنم]. وقتی مادر بیمار شد، من برای خرید خانه پول داشتم، [اما] به داکتران اجازه دادم پول زیادی از من بگیرند. [...] مصاحبه کننده: و پولی که به آنها پرداخت کردید

[جایی که من زندگی می کنم]، گیاه کوکا برای مدت طولانی منع اقتصاد بوده است. هیچ گیاه دیگری وجود ندارد که بتواند جایگزین آن شود. حتی وقتی قیمت ها پایین است، ۲۰۰ گرم [مواد خام یا عصاره کوکا] ۳۰۰،۰۰۰ پزو ارزش دارد. کوکا منبع تامین معاش است. به دست آوردن این مبلغ با تولید محصولات قانونی بسیار دشوار است. چرا مشکل است؟ در مورد من، مجبور خواهم شد کیله سبز (plantain) یا یوکا را از مزرعه خود با اسب انتقال بدهم و وقتی کنار جاده می رسم، با تابش آفتاب مانند امروز، آنها سیاه می شوند. بعد آنها را از آنجا به بازار ببرم... و چه کسی آنها را خواهد خرید؟ هیچ کس. (مرد دهقان کوکا، پورتو آسیس، اکتوبر ۲۰۱۸)

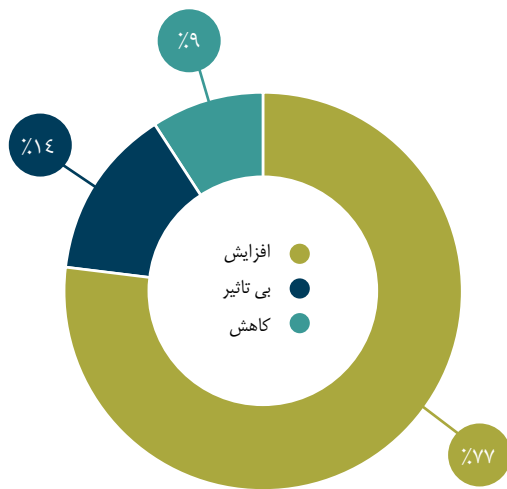
تولید کوکا درآمد قابل قبولی را به دهقان ها عرضه می کند، اشتغال ایجاد می کند و اقتصاد محلی را رونق می بخشد

کشت کوکا دسترسی تضمینی به بازار را برای دهقان ها فراهم می کند. این مساله در شرایطی است که هزینه های حمل و نقل بسیار بالا است، تقاضا برای محصولات قانونی قابل اعتبار نیست و قیمت ها به شدت دچار نوسان است. کوکا به دهقان ها این امکان را می دهد که درآمد منظم داشته باشند، درآمدی که کمی بالاتر از درآمد سایر اقتصادهای زراعتی است. بنابراین، بسیاری از دهقان ها در مناطق سرحدی کلمبیا تولید کوکا را به عنوان تنها گزینه اقتصادی می دیدند (و هنوز می بینند) (به گراف ۱ نگاه کنید).

گراف ۱ - پاسخ به پرسش سروری: آیا کشت محصولات غیرقانونی تنها گزینه اقتصادی برای خانواده شما بود؟



گراف ۲ - پاسخ به پرسش سروی: آیا تولید کوکا در منطقه باعث افزایش خشونت شده است، باعث کاهش خشونت شده است یا تاثیری در میزان خشونت نداشته است؟



در سال ۱۹۹۸ بود که ورود کوکا شروع شد، وقتی آنها [دولت] تولید کنندگان کوکا را از ککویتا بیرون کردند، همه مستقیماً به اینجا آمدند [...] اما این کار استراتژی فارق نیز بود، آنها عده ای را آوردند و شروع به کشت کوکا کردند. ما در آن منطقه از زون ۳، کم و بیش ۹۰۰۰ هکتار زمین را برای ذخیره به عنوان جنگل گذاشته بودیم. لذا، استعمار قلمرو ما، تحت کنترل فارق، آغاز شد ...

فارق به دهقانان ما که بخشی از شورای اجتماعی اند گفت: «یا کوکا بکارید یا منطقه را ترک کنید به خاطر این که شما خیرچین هستید.» [...] آن قطعه‌های [زمین] جمعی بودند. همان زمان فاجعه آغاز شد، نه فقط در شورای اجتماعی ما، در سراسر شهر توماکو گسترش یافت. (مرد، رهبر شورای اجتماعی، توماکو، سپتامبر ۲۰۱۹)

قبلاً خبرها در مورد مرگ [به دست این گروه‌ها] را از طریق تلویزیون می شنیدیم. وقتی باند قاچاق مواد مخدر و کوکا شروع کرد به ورود به اینجا یعنی توماکو، ما شخصاً شاهد این بودیم، شاهد مرگ، ناپدید شدن - تمام چیزهایی که زمانی دور از اینجا اتفاق می افتاد. (رهبر شورای اجتماعی، توماکو، فبروری ۲۰۱۹)

کار با کوکا مشکلات به وجود می آورد. [...] به دلیل کشت کوکا در اینجا مرگ زیادی رخ داده است. [...] بچه‌های جوانی هستند که شروع به کار برای قاچاق بران مواد مخدر می کنند، و این بچه‌ها را به خاطر هر نوع لغزش قدیمی می کشند. (زن زارع کوکا، پورتو آسیس، جون ۲۰۱۹)

دولت ما را رها کرده است و ما با بوته‌های کوکا زنده مانده ایم، به خاطر این که مجبوریم. بسیاری از ما بیشتر آگاه شده ایم، با مرگ و میر زیاد [جزئی از مشکلاتی که کوکا به بار می آورد...] اگر فرصت‌های [دیگر] وجود می داشت، هیچ کس با کوکا کار نمی کرد زیرا این کار آدم را به بردگی می کشاند. (مرد زارع کوکا، پورتو آسیس، سپتامبر ۲۰۱۹)

از کشت کوکا به دست آمده بود؟] بلی. چرا کسی آن را انکار کند؟ (زن سابقاً زارع کوکا، پورتو آسیس، اکتوبر ۲۰۱۹)

[به دلیل درآمد کوکا] ما می توانستیم تلویزیون تماشا کنیم، تیل بخیریم، به شهر برویم، لباس بخیریم. اطفال ما هر وقت ممکن لباس های جدید برای پوشیدن داشتند - در هر فصل برداشت، یک جفت کفش جدید به دست می آوردند، یک جفت جدید از همه چیز. اکنون [پس از ترک اقتصاد کوکا]، اگر به فرزندانم نگاه کنید، کفش های آنها ترمیم شده و پینه شده اند. به خاطر این که معاشی که به شوهرم پرداخت می کنند برای خرید کفش کافی نیست - آن هم اگر پرداخت کنند، شاید در ماه دسامبر [با پاداش عید کریسمس]. [...] با پول کوکا] ما آن یخچال دست دوم، ماشین لباسشویی، اجاق گاز را هم خریدیم. (زن سابقاً زارع و جمع کننده کوکا، پورتو آسیس، سپتامبر ۲۰۱۹)

زنانی که در اقتصاد کوکا مشغول به کار اند بیش از سایر سکتورها درآمد دارند

این پیشرفت‌های اجتماعی - اقتصادی هم برای مردان و هم برای زنان سودمند بوده است. زنانی که در اقتصاد کوکا مشغول به کار اند به مراتب بیشتر از زنانی که در این شغل نیستند درآمد دارند، تقریباً به اندازه هم‌تایان مرد خود - برابری نسبی که در بسیاری از اقتصادهای روستایی یافت نمی شود.

در اینجا، مردان زنان را به چشم کم نمی بینند، و ما زنان هم حس نمی کنیم کمتر از مردان هستیم. ما جمع کننده های [کوکا] برابر هستیم. (زن جمع کننده کوکا، پورتو آسیس، سپتامبر ۲۰۱۹)

[در زمان رونق کوکا] من مقدار زیادی آجو، آگواردینت [نوعی از الکل ساخته شده از نیشکر] و آن مرغ‌های کشتارگاهی را می فروختم - آنها را می فروختم. همیشه پول بود. [...] می توانم بگویم که اگر اقتصاد هنوز مثل آن بود، من هرگز نمی خواستم شوهر داشته باشم به خاطر این که می دانستم که هر آخر هفته فروشات [زیاد] است و برای ضروریات، برای غذا، پول در جیب خود دارم. (زن، رهبر یک شورای اجتماعی، توماکو، فبروری ۲۰۱۹)

خطر خشونت

بدبختانه، تولیدکنندگان و جمع کنندگان کوکا (و مناطق وسیعی که آنها در آن کار می کنند) هزینه های بسیار سنگینی بابت این پیشرفت اندک اقتصادی و اجتماعی پرداخته اند. از آنجایی که تولید کوکا غیرقانونی است، تولیدکنندگان در برابر حملات گروه‌های مسلح غیرقانونی و خود دولت آسیب پذیر اند و به حمایت نهادها دسترسی کمی دارند یا اصلاً دسترسی ندارند. گراف ۲ نشان می دهد که چگونه اکثریت قریب به اتفاق پاسخ دهندگان سروی، تولید کوکا در مناطق شان را با افزایش خشونت پیوند می دهند. با این وجود، تقریباً نیمی از افراد شامل سروی، تجربه شان از سهم‌گیری در اقتصاد کوکا را دارای جوانب مثبت و منفی ارزیابی می کنند (به گراف ۳ نگاه کنید).



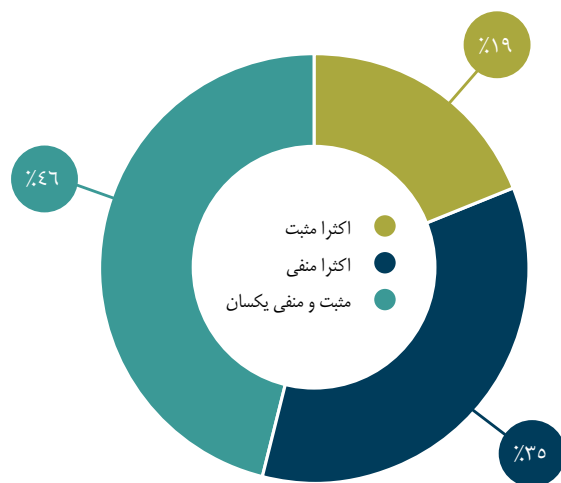
یک قاطر خارج از قریه کوچک در سیرا نیوادا د سانتا مارتا، کلمبیا.
عکس توسط پوهنتون ملی کلمبیا.

[در دوره رونق کوکا]... آن چیز دیگری بود، زیرا پول همیشه می آمد، خوب دیگه، هکتارهای زیادی کشت شده بود، بنابراین، وقتی برداشت در یک [مزرعه] را تمام می کردید، به مزرعه دیگری بر می گشتید که دوباره آماده برداشت بود. بنابراین، هرگز لحظه ای پیش نمیامد که برداشت کوکا متوقف شود و این کار پول زیادی می آورد، این امر اقتصاد منطقه را خیلی تقویت کرد. اما خشونت هم بیش از حد بود و [باعث] عدم احترام شد. (زن سابقا زارع و جمع کننده کوکا، سانتا مارتا، مارچ ۲۰۱۹)

ضرورت بدیل مناسب که از پیشرفت های اقتصادی-اجتماعی محافظت کند

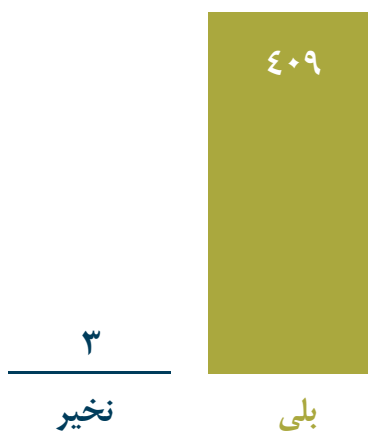
زندگی روزمره در محیط وابسته به کار غیرقانونی آسان نیست و به همین دلیل، بیشتر تولیدکنندگان کوکا ترجیح می دهند در اقتصادهای قانونی مناسب کار کنند. بنابراین، بزرگترین چالش، طراحی و تطبیق پالیسی هایی است که به دهقانان امکان دهد در اقتصادهای زراعتی قانونی و پایدار کار کنند، که از پیشرفت های اقتصادی-اجتماعی به دست آمده از تولید کوکا محافظت کند، اما هیچ یک از خطرات و هزینه های آن را نداشته باشد.

گراف ۳. پاسخ به پرسش سروی: آیا تجربه شما با کوکا عمدتاً منفی، مثبت یا به اندازه مساوی منفی و مثبت بوده است؟



۲. زارعی کوکا در کلمبیا، دهقان‌های خرده‌پا اند و زندگی آنها مانند مجرمین مواد مخدر نیست

گراف ۴- پاسخ به پرسش سروی: آیا شما خودتان را یک دهقان خرده‌پا می‌دانید؟



[مزرعه من] حدود پنج هکتار است. [من کاکائو دارم]، نخل شفتالویی، کوکا، کمی از همه چیز، چیرو، کیله - هر چیزی که زمین بتواند تولید کند. درختان میوه. همه این چیزها [مصاحبه کننده: چه مقدار زمین شما زیر کشت کوکا است؟] خیلی کم. [مصاحبه کننده: نیم هکتار؟] یا حتی کمتر. فقط با آن کافی است که گیاهان دیگر را حفظ کنیم. (زن زارع کوکا، توماکو، اپریل ۲۰۱۹)

[علاوه بر کوکا] ما همچنین دارای کیله، یوکا، جواری، مرغ، خوک هستیم - البته برای امرار معاش ما، نه برای تجارت. (مرد دهقان کوکا، پورتو آسیس، می ۲۰۱۸)

اقتصاد کوکا زمینه پیشرفت اندک اجتماعی را فراهم می‌کند

در حالی که تولید کنندگان کوکا معمولاً بیشتر از سایر دهقانان که کشت کوکا نمی‌کنند درآمد کسب می‌کنند، الگوی مصرف آنها اساساً شبیه سایر خانواده‌های طبقه متوسط روستایی است. بر خلاف تصاویر رایج پر زرق و برق «مواد مخدر»، دهاقین کوکا بیشتر درآمد خود را صرف آموزش کودکان، زمین، موتر / موتر سایکل و خانه می‌کنند (به گراف ۵ نگاه کنید).

اقتصاد کوکا به خانواده‌های دهقان اجازه می‌دهد به خدمات دسترسی پیدا کنند و دارایی‌هایی را کسب کنند که در غیر آن صورت ممکن نیست در دسترس آنها باشد اما به هیچ وجه آنها را ثروتمند نمی‌کند. ثروت حاصل از صنعت کوکائین توسط قاچاق‌بران جمع می‌شود، نه دهقان‌های کوکا.

من ندیده‌ام کسی این سودهای [بزرگ] را [از طریق کوکا] به دست آورد، زیرا به قول خودشان، درگیر کاشت کم است، فقط به اندازه ضرورت. [...] ذهنیت ثروتمند شدن وجود ندارد، صرفاً زندگی راحت مطرح است. (مرد دهقان کوکا، پورتو آسیس، می ۲۰۱۸)

یک زارع کوچک کوکا، یک مزرعه‌دار عادی، درست مانند هر محصول دیگر، بلند می‌شود، [مطمئن می‌شود] همه صبحانه دارند، جمع‌کننده‌ها را سازماندهی می‌کنند: «شما از این جا تا آن محل را جمع کنید؛ از این گیاه تا آنجا، به عهده شما... و غیره و غیره. جمع‌کننده‌ها [برگ‌های] محصول را جمع می‌کنند، برگ‌ها وزن کشتی می‌شود - جمع‌کننده‌ها تا ساعت چهار یا پنج بعد از ظهر کار می‌کنند - زیرا دستمزدها بر اساس هر کیلو است. (زن سابقاً زارع کوکا، سانتا مارتا، مارچ ۲۰۱۹)

زارعین کوکا در کلمبیا عمدتاً دهقان‌های خرده‌پا اند که برای تأمین معیشت خود به کار روی زمین وابسته‌اند. در واقع، اکثریت قریب به اتفاق شرکت کنندگان در برنامه PNIS خود را زارع معرفی می‌کنند (به گراف ۴ نگاه کنید).

کاشت کوکا راه خیلی سریع و آسان درآمد نیست

فرآیند تولید کوکا شامل تهیه زمین، کاشت، علف‌چینی، پاشیدن کود و برداشت محصول با کمک خانواده و کارگر اجیر است - درست مانند هر محصول دیگر. به این معنا، تولید کوکا روش خیلی سریع و آسان درآمدزایی نیست (چنانچه گاهی ادعا می‌شود) و خانواده‌هایی که کوکا می‌کارند هیچ تفاوتی با دیگر خانواده‌های دهقان ندارند. تفاوت عمده کشت کوکا و سایر محصولات زراعتی در این است که اولی نسبت به دومی درآمد بالاتری در پی دارد.

من با یکی از اعضای خانواده یک مزرعه [کوکا] تأسیس کردم و از همین راه قبل از تولد [فرزند ما] از شریک زندگی خود مراقبت کردم. ما با یک کاکا، مشترکاً کشت کردیم. او زمین داشت و هرکدام ما نیمی از آن را کاشتیم. اما من به چیدن [کوکا] بسیار وابسته بودم. تأسیس یک مزرعه کوکا برایم سخت بود زیرا، خوب، این کار سختی است. شما باید کوکا را بکارید، تمام علف‌های هرز اطراف بته را با دست بچینید - اما بعد می‌بینید که گیاه پر از شاخ و برگ شده، اگر به خوبی مراقبت شود، به خوبی دواپاشی شود، احساس غرور می‌کنید. (مرد زارع و جمع‌کننده کوکا، پورتو آسیس، سپتامبر ۲۰۱۹)

بسیاری از زارعی کوکا محصولات دیگر نیز می‌کارند

علاوه بر این، بسیاری از تولید کنندگان کوکا محصولات زراعتی دیگر نیز می‌کارند و حیوانات (مانند خوک، مرغ و گاو) نیز پرورش می‌دهند، مخصوصاً برای مصرف خانگی و بعضی مواقع برای فروش در بازارهای محلی، در مواقع امکان. در واقع، دهاقین غالباً درآمدهای کوکای خود را در سایر فعالیت‌های زراعتی سرمایه‌گذاری می‌کنند. این بخشی از استراتژی متنوع‌سازی است که به آنها کمک می‌کند خطرات مرتبط با تک محصولی بودن را کاهش دهند.

کسانی که کوکا کشت می‌کردند، کیله، یوکا، کچالوی شیرین نیز داشتند - همه این چیزها برای امرار معاش بود. (زن سابقاً زارع کوکا، سانتا مارتا، مارچ ۲۰۱۹)

کوکا فقط برای خرچ غذا و آموزش کافی است [...] اینکه دولت می گوید ما با کوکا ثروتمند می شویم، حقیقت ندارد. (مرد دهقان کوکا، پورتو آسیس، سپتامبر ۲۰۱۹)

اینجا افراد زیادی اند [که کوکا می کارند]، اما من کسی را ندیده ام که به پول و ثروت برسد. تاجران اند که ثروتمند اند، نه کسانی که زراعت می کنند. با کشت کوکا شما چند بوته می کارید، دو یا سه بار کود می پاشید، بعد برداشت می کنید - و در نهایت ۲۰۰ یا ۳۰۰ گرم کوکا به دست می آورید، که برای خرید مقداری برنج کافی است. (مرد دهقان کوکا، پورتو آسیس، اکتوبر ۲۰۱۸)

یک خانه مزرعه معمولی در پوتومايو، پورتو آسیس، کلمبیا. عکس توسط فرانسس تامسن/پوهنتون ملی کلمبیا.



گراف ۵- پاسخ به پرسش سروی: پولی را که از کوکا به دست آوردید روی چه مصرف کردید؟



دولت کلمبیا با دهقان‌های خرده‌پای کوکا به عنوان مجرم برخورد می‌کند

با این وجود، علی‌رغم این واقعیت که تولیدکنندگان کوکا صرفاً خانواده‌های دهقان اند، دولت کلمبیا با آنها مانند مجرمین برخورد می‌کند. سیاست مبارزه با مواد مخدر در کلمبیا هنوز به روایت‌های جنگ با مواد مخدر گره خورده است. این روایت‌ها برای توجیه جنگ علیه دهقانانی که کوکا تولید می‌کنند، به کار برده می‌شود.

طی چندین دهه، این جنگ شامل سم‌پاشی هوایی مزارع کوکا با مواد کیمیاوی (به شمول گلایفوسیت و مواد دیگر) و محو اجباری با دست با شیوه نظامی بوده است. این امر عواقب مخربی برای سلامتی افراد (ناشی از سم‌پاشی) و وضعیت معیشت خانواده‌های زارع کوکا و جوامع اطراف به همراه داشته است. دولت کلمبیا تاکنون به این خانواده‌های دهقان بدیل‌های اقتصادی پایدار برای کشت کوکا ارائه نکرده است.

آنها تنها قاچاق‌بران بزرگ مواد مخدر را تعقیب نمی‌کردند. زمانی بود که هرکسی را که در حال کار می‌دیدند، می‌گرفتند. یک بار وقتی می‌رفتم مرا گرفتند. [...] مرا متوقف کردند، مرا با خمیر [کوکا] گرفتار کردند و به زندانی بودن در خانه محکوم شدم. (زن زارع کوکا، پورتو آسیس، جون ۲۰۱۹)

وقتی محو اجباری شروع شد، ما گفتیم، «بیباید چاکلیت [درخت کاکائو] بکاریم». برخی از انجمن‌ها، اشخاص، وارد همکاری

شدند و ما با داشتن کمک فنی کاشت را شروع کردیم. اما با گذشت زمان، [محصولات کاکائو]، نتیجه نداد، به اندازه کافی برای تامین معاش یک فرد، خانواده، درآمد نداشت. [...] بسیاری ها قرضدار شدند [...] آن طور که دولت می‌گوید، نیست - بعضی اوقات آنها در باره دهقانان بد صحبت می‌کنند، می‌گویند ما عامل جنگ هستیم، [اما] ما مجبوریم که [کوکا] بکاریم به خاطر آنکه گزینه دیگری وجود ندارد، ما پشتیبانی نداریم. (زن زارع کوکا، توماکو، اپریل ۲۰۱۹)

آنها بعضی اوقات هر ۱۵ روز یکبار در قریه ما سم‌پاشی می‌کنند. [...] ما یک و نیم هکتار کیله و چپرو داشتیم - یا چیزی که گاه «بوکادیلو» گفته می‌شود. اما سم‌پاشی‌ها غذای ما را از بین برد - جواری، یوکا، همه چیز! چیزی نمانده بود. ما بدون غذا مانده بودیم و تنها چیزی که برای ما مانده بود چند تکه کوکا بود. (مرد زارع کوکا، پورتو آسیس، می ۲۰۱۸)

دهقان دیگر چه کاری می‌تواند انجام دهد؟ این ترس وجود دارد که ما دوباره تحت پیگرد قانونی قرار بگیریم. ما دهقان هستیم، کوکا تولید می‌کنیم. [...] در تلویزیون همه چیز عالی به نظر می‌رسد، اما در واقعیت ما حتی نمی‌توانیم نیازهای فرزندان خویش را تامین کنیم. ما پول زیادی نداریم، اما کوکا ما را حفظ کرده است. (مرد زارع کوکا، پورتو آسیس، سپتامبر ۲۰۱۹)

۳. علی‌رغم مواجهه با محرومیت‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، تولیدکنندگان کوکای کلمبیا شهروندان سازمان یافته و فعال اند

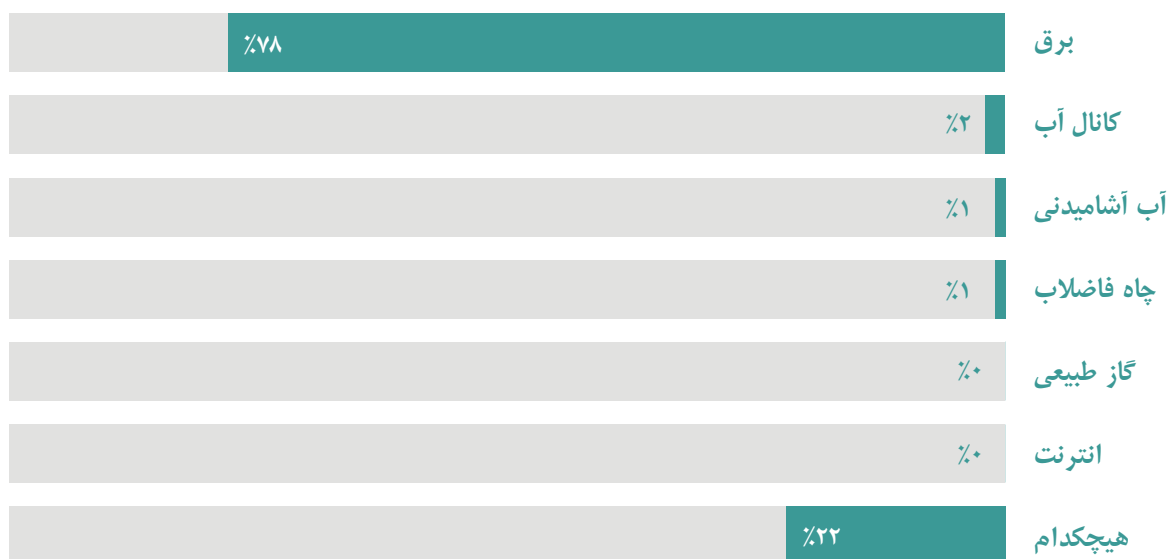
حذف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی

زارعین و جمع‌کنندگان کوکا در کلمبیا با اشکال گوناگون حذف مواجه اند. یکی از واضح‌ترین جلوه‌های این محرومیت - که به طور کلی جوامع روستایی در مناطق سرحدی را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد - عدم دسترسی به خدمات عمومی اساسی است. بیشتر خانواده‌هایی که در اقتصاد کوکا کار می‌کنند، در خانه‌های شان به آب جاری، سیستم بهداشت / فاضلاب، گاز طبیعی یا اینترنت دسترسی ندارند (به گراف ۶ مراجعه کنید). هرچند گراف زیر نشان می‌دهد اکثر آنها به برق دسترسی دارند، این ارقام شامل مواردی است که از طریق جنراتورهای دیزلی و صفحات آفتابی توسط خود مردم تأمین می‌شود.

مظاهر دیگر محرومیت شامل سطح بالای تصرف غیررسمی زمین و کمبود زیربنای حمل و نقل مانند جاده‌ها و پل‌ها در مناطق تولید کوکا است. این امر مشارکت خانواده‌های دهقانی در مناطق سرحدی کلمبیا در بازارهای زراعتی قانونی را بسیار دشوار می‌سازد.

ما در پایان هر ماه «مینگا» (یا ابتکارات کار جمعی، از طریق کمیته اقدام اجتماعی) را سازماندهی می‌کنیم. در اینجا ما هنوز تخته‌های چوب می‌گذاریم تا زمین زیاد گل آلود نشود. مشارکت خوب است. ما مکتب را از طریق مینگا ساختیم. [...] از آنجایی که ما فقط رودخانه را [برای حمل و نقل] داریم، کوکا تنها گزینه است؛ اگر دولت به وعده‌هایش عمل کند و سرک بسازد، می‌توان از کوکا اجتناب کرد...

در اینجا سیستم‌های انرژی آفتابی وجود دارد که مردم با اندک پولی که برای شان باقی مانده بود، خریداری کردند. شرکت نفت به سایر محلات رفت و صفحات آفتابی را به آنها هدیه داد، که آنها [دریافت کنندگان] ارزان فروختند [...] در غیر این صورت [برق وجود ندارد؛ هیچ خدمات عمومی وجود ندارد. ما با آبی که از چاه‌ها با استفاده از پمپ‌های موتوری استخراج می‌کنیم، شستشو می‌کنیم [ما خودمان نیز خریدیم]. ما از آب چاه استفاده می‌کنیم زیرا شرکت [نفت] رودخانه را آلوده کرده است و این کار از رفتن به رودخانه آسان تر است. (مرد زارع کوکا، پورتو آسیس، سپتامبر ۲۰۱۹)



زارعین و جمع‌کننده‌های کوکا از مباحثات عمومی (از جمله درمورد پالیسی‌های مبارزه با مواد مخدر) نیز حذف شده‌اند، زیرا بسیاری از مسئولین دولتی و بخش‌های جامعه مدنی آنها را به عنوان طرف گفتگو به رسمیت نمی‌شناسند.

عاملیت قوی

با این حال، خانواده‌های دهقان شاغل در اقتصاد کوکا عاملیت قوی نشان داده‌اند، به خصوص از طریق سازمان‌های محلی مانند کمیته‌های اقدام اجتماعی (که تعداد عضویت بالایی دارند، چنانچه در گراف ۷ آمده است) و شوراهای اجتماعی افریقایی تبارها.

ما گزینه‌های بدیل پیشنهاد کرده ایم، پروژه‌هایی برای امنیت غذایی، صحت، درآمد. ما از رفتن پشت درها برای طلب قرض خسته شده ایم، به خاطری که آنها ما را نادیده می‌گیرند. ما از مشکلات اجتماعی ناشی از مواد مخدر آگاه هستیم. این امکان پذیر است و ما می‌خواهیم تلاش‌های خود را به سمت تولید ارگانیک، جنگل زایی دوباره، مواد غذایی پاک [یا سبز] تغییر دهیم. جنگل یک الماس ناتراشیده است که می‌تواند بدون ضرورت به تخریب آن، نیاز همه را تامین کند. ما دچار توهم [ایده] قرضه کربن (carbon credits) شدیم ...

آنها می‌گویند قطع جنگل ممنوع است، قوانین سرکوبگرانه اعمال می‌کنند اما هیچ مشوقی نمی‌دهند. حفاظت از جنگل بومی یک جایگزین [بالتوجه] است، اما بودجه کجاست؟ [...] من همیشه به سازماندهی جامعه متعهد بوده ام. IAC [کمیته اقدام اجتماعی] به طور رسمی در هفتم ماه می ۱۹۹۷ تاسیس شد. ما همه کارها را «با دست خودمان» انجام داده ایم، بدون هیچ کمکی، «روی پشت خود ما و حیوانات کار می‌کنیم». (مرد زارع کوکا و رهبر محلی، پورتو آسیس، سپتامبر ۲۰۱۹)

هیچ جاده‌ای در منطقه من وجود ندارد، از دهه ۱۹۷۰ یا ۱۹۵۰ هیچ چیز تغییر نکرده است، از زمانی که ما شروع کردیم به گفتن [ما به سرک نیاز داریم ... ما مجبوریم با قایق سفر کنیم]، یک و نیم ساعت تا به لا لیبرتاد برسیم. دیگر لازم نیست که مانند گذشته راه دور و درازی را دور بزیم، که تقریباً سه روز طول می‌کشید؛ اکنون ما از مسیر لا لیبرتاد می‌رویم [...] از آنجا یک و نیم ساعت دیگر با موتور سایکل یا موتر [به پورتو آسیس ...] ما اکثراً از موتور سایکل استفاده می‌کنیم [اما اگر چیزی همراه داشته باشید، مجبورید با شیوا سفر کنید] «یک نوع بس روستایی ... که در محله ما موجود است» مسیرهایی هم برای [...] حرکت] با اسب و پیاده روی داریم. (مرد دهقان کوکا، پورتو آسیس، می ۲۰۱۸)

در بسیاری موارد، مساله مالکیت است [مردم مالک اند اما از حقوق کامل ملکیت بر زمین برخوردار نیستند]. در حقیقت، حتی امروز بیشتر دهقانان [به همین دلیل] رنج می‌برند. ما برای ارائه یک پروژه می‌رویم اما آنها تصرف ما بر خاک را به رسمیت نمی‌شناسند زیرا ما اسناد قانونی زمین را در اختیار نداریم، در عوض سند یا [تصدیق‌نامه‌های] مالکیت یا عرفی داریم - اینها بی فایده هستند ...

بنابراین، زندگی مردم بین قانونی بودن و غیرقانونی بودن سرگردان است. مالیات نمی‌پردازند، هیچ چیزی نمی‌پردازند زیرا هیچ سند قانونی وجود ندارد. اگر می‌خواهید اسناد خود را بگیرید، آنها هم این دنیای شما را می‌خواهد هم دنیای بعدی تان را. شما باید یک نقشه بردار بیاورید، کسی از IGAC [انستیتوت جغرافیایی آگوستین کدازی، که مسئول کادستر است]، شما باید این کار را انجام دهید، این کار و کارهای دیگر. و هر کسی پول ندارد که برود و همه آن کارها را انجام دهد. بنابراین، تعداد بسیار کمی از دهقانان در سیرا دارای اسناد قانونی زمین اند. (زن سابقاً زارع کوکا، سانتا مارتا، مارچ ۲۰۱۹)

بسیاری از اعضای اجتماع در مورد ساخت مکاتب و جاده‌های شان از طریق ابتکارات کار جمعی (که اغلب مینگا خوانده می‌شود) و با استفاده از بودجه خود، و همچنین در مورد اعتراضات و اعتصابات که آنها ترتیب داده‌اند و مسئولین دولت را وادار به پذیرش و حضور در میز مذاکره کرده است، با افتخار صحبت می‌کنند.

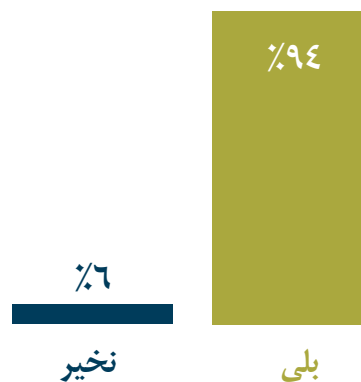
ما با کوکا همه کار کرده ایم، حقوق اساسی را که دولت به ما نداده است با کوکا به بهترین شکل ممکن تضمین کرده ایم. [...] به عنوان مثال [مسئله جاده‌ها، ما جاده‌های خودمان را ساختیم. [...] در سال ۱۹۹۷، پس از اعتصاب سال ۱۹۹۶، ما جاده را به منطقه خودمان امتداد دادیم [...] همه دهقانان منطقه ما شروع به همکاری کردند. ما همیشه برای بیرون رفتن و کار کردن باید «مینگا» سازماندهی می‌کردیم ...

ما چرا همین گونه بود، همه جاده‌ها به این روش ساخته شده‌اند، با پشتیبانی [درآمد] کوکای [ما] - همه ما همه سهم گرفتیم. برای مثال، در منطقه ما، پدر من در آن زمان ۸۰۰,۰۰۰ پزو کمک کرد، به علاوه کارهایی که ما در ساخت جاده انجام دادیم - هر دهقانی مجبور به پرداخت مبلغی بود [...] ما از دفتر شهردار خواستیم به ما کمک کند اما بیشتر از طریق تلاش خود ما بوده است، بیش از آنچه که از دفتر شهردار دریافت کرده ایم. (مرد رهبر محلی، پورتو آسپس، سپتامبر ۲۰۱۸)

در حال حاضر، ما یک گروه واتس‌آپ داریم، فقط در صورتی که کدام پروژه یا چیز دیگری باشد، و برای سازماندهی جلسات و امور دیگر. ۳۲ منطقه روستایی به طور مداوم با هم در ارتباط هستند - هر روزه «این مساله اتفاق افتاده است»، «این جلسه یا آن جلسه است» ...

ما تازه با دفتر شهردار وارد گفتگو شده ایم زیرا آنها ما را نیز بدنام کرده‌اند - گفتند ما شبه نظامی هستیم، همیشه همین را می‌گویند [...] تنها به این دلیل که ما در اینجا زندگی می‌کنیم - آنها همیشه می‌گفتند این منطقه شبه نظامی است و ما را به عنوان شبه نظامی طبقه بندی می‌کردند. (باشنده منطقه تولیدکننده کوکا، سانتا مارتا، می ۲۰۱۹)

گراف ۷ - پاسخ به پرسش سروی: آیا شما عضو کمیته اقدام اجتماعی هستید؟



ارائه نتایج سروی برای دهاقین کوکا در توماکو، کلمبیا. عکس توسط سیاستین کریستانجو، پوهنتون ملی کلمبیا.

دولت به اصلاحات وعده شده و برنامه‌های معطوف به رفع محرومیت عمل نمی‌کند

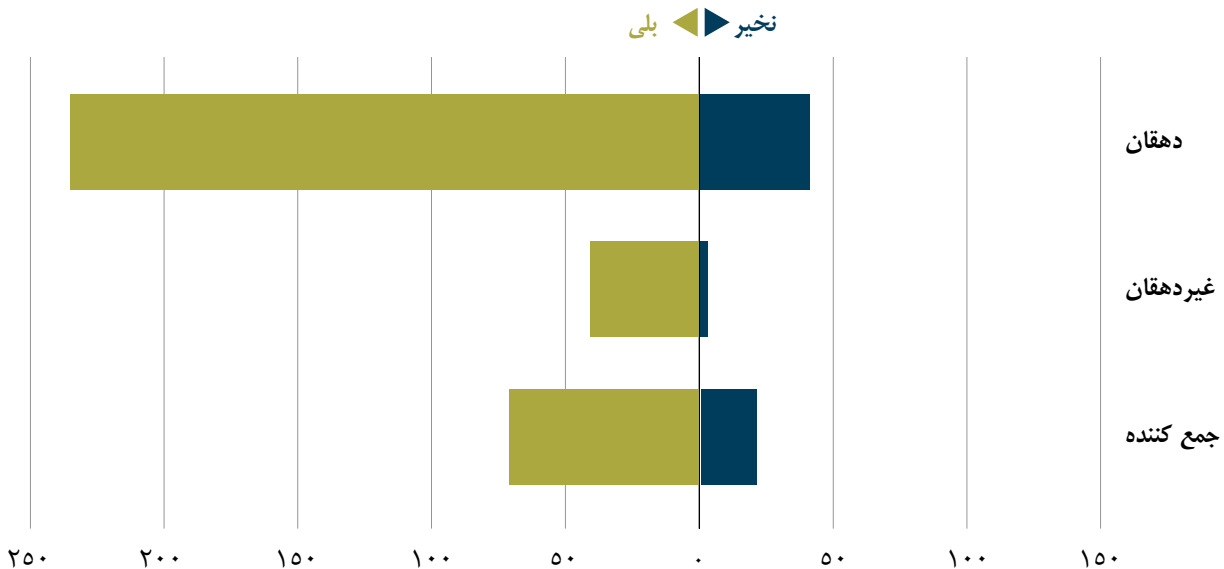
اقدامات کمی برای عملی سازی این جنبه‌های PNIS انجام داده است. دولت همچنین اصلاحات قانونی وعده داده شده را که قرار بود دهقان‌های کوچک کوکا را موقتاً از تعقیب جزایی معاف کنند، متوقف کرده است.

شرکت کنندگان این برنامه از دولت ابراز ناامیدی کرده اند، و ادعا می‌کنند که دولت وجایب خویش را طبق توافق نامه‌ها رعایت نکرده است، با وجود اینکه تولید کنندگان و جمع کنندگان کوکا تعهدات شان را عملی کرده اند (به گراف ۸ نگاه کنید). خود همین توافق نامه‌ها نمود دیگر محرومیتی است که تولید کنندگان و جمع کنندگان کوکا با آن روبرو است: در یک عملی که نقض آشکار اصول اساسی شهروندی است، به اکثریت قریب به اتفاق خانواده‌هایی که در برنامه جایگزینی محصولات زراعی شرکت کرده اند، نسخه ای از قراردادی که آنها با دولت به امضا رسانده اند، داده نشده است. (به گراف ۹ نگاه کنید).

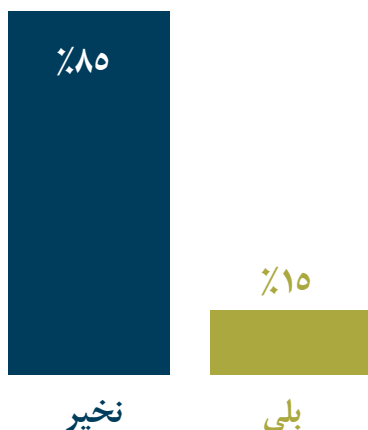
برنامه ملی جایگزینی زراعت غیرقانونی (PNIS)، و توافقنامه صلح ۲۰۱۶ که برنامه مذکور بخشی از آن است، برای مقابله با محرومیت (اجتماعی، اقتصادی و سیاسی) خانواده‌های دهقان، و به ویژه زارعین و جمع کنندگان کوکا، طراحی شده است. به عنوان مثال، PNIS شامل فضاهای مختلف برای مشارکت است که زمینه تعامل مستقیم بین مسئولین دولت و نمایندگان مناطق روستایی تولید کننده کوکا را در مراحل برنامه‌ریزی و اجرای برنامه ممکن ساخته است.

همچنین، قرار است PNIS با برنامه‌های انکشاف محلی و منطقه‌یی که هدف آن بهبود زیربنای روستایی و تضمین دسترسی به خدمات عمومی در مناطق مورد نظر است، پیوند داده شود. با این حال، تاکنون دولت

گراف ۸ - پاسخ به پرسش سروری: آیا فکر می‌کنید افرادی که در PNIS ثبت نام کرده اند، به تعهداتی که داده اند عمل خواهند کرد؟



گراف ۹ - پاسخ به پرسش سروری: آیا نسخه‌ای از قرارداد شخصی که به عنوان بخشی از برنامه PNIS امضا کرده اید، دارید؟



وقتی آنها به اینجا آمدند، [گفتند] ما باید کوکا را از بین ببریم. ما چه کردیم؟ ما کوکا را ریشه کن کردیم ولی هیچ اتفاقی نیفتاد، زیرا تا به امروز، آنها به من هیچ پول [کمکی] نداده اند. ما کوکا را از بین بردیم و درخت کاکائو کاشتیم، اما درخت کاکائو هنوز هیچ درآمدی ایجاد نکرده است. گاهی اوقات دو وعده غذا می‌خوریم [در یک روز]، گاهی اوقات یک وعده. (زن سابقا دهقان کوکا، توماکو، فبروری ۲۰۱۹)

دولت می‌گوید به وعده هایش عمل می‌کند اما این یک دروغ است. [...] هر دو طرف توافق نامه را امضا کردند، اما دولت تیم امحا را ارسال کرد - آنها می‌خواهند ما بدون هیچ درآمدی زندگی کنیم. [...] اینطور نیست که مردم از کوکا راضی هستند، بلکه ما انسان هستیم [با نیازهای اساسی]، و ما هیچ تغییری ندیده ایم. (مرد دهقان کوکا، پورتو آسیس، سپتامبر ۲۰۱۹)

افغانستان

۱۱ جوانان زندگی خود را برای تهیه مایحتاج
خانواده به خطر می اندازند و شبانه موادمخدر
قاچاق می کنند...۶۶

قومندان ملیشای پیشین، شهر زرنج، نیمروز، ۲۰۱۹





در باره سرزمین‌های سرحدی

سرانجام، این تضادها در انقلاب ثور ۱۹۷۸ به مرحله انفجار رسید و منجر به تشکیل یک دولت کمونیستی، ناآرامی‌های گسترده مدنی و سپس حمله اتحاد جماهیر شوروی در ۱۹۷۹ برای حفاظت از رژیم شد. این اتفاق منجر به یک دهه جنگ شوروی و افغانستان شد که میلیون‌ها افغان را کشته و آواره کرد.

با ظهور طالبان در اواسط دهه ۱۹۹۰ ثبات اندکی به وجود آمد اما انزوای بین‌المللی این کشور تشدید شد. این وضعیت با مداخله تحت رهبری ایالات متحده در سال ۲۰۰۱ که باعث سرنگونی رژیم طالبان شد، به طور اساسی تغییر کرد.

از آن زمان تا کنون، افغانستان مراحل مختلفی از درگیری‌های مسلحانه را تجربه کرده است و هر از گاهی دوره‌هایی از ثبات نسبی به میان آمده است. پس از عقب نشینی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۸۹، به زودی یک جنگ داخلی منطقه‌ای رخ داد که موجب سقوط دولت، نابودی بخش عمده زیربناها و ادغام کشور در اقتصاد جنگ و سیستم منازعه بسیار ناپایدار منطقه‌ای شد.

با ظهور طالبان در اواسط دهه ۱۹۹۰ ثبات اندکی به وجود آمد اما انزوای بین‌المللی این کشور تشدید شد. این وضعیت با مداخله تحت رهبری ایالات متحده در سال ۲۰۰۱ که باعث سرنگونی رژیم طالبان شد، به طور اساسی تغییر کرد.

افغانستان یک کشور کوهستانی محاط به خشکه و دارای ۳۸ میلیون نفر جمعیت است. این کشور به عنوان کشور «کم درآمد» طبقه بندی شده و بر اساس شاخص انکشاف بشری، از میان ۱۸۸ کشور در رتبه ۱۶۸ قرار دارد. در سال ۲۰۱۶، تقریباً ۵۴٫۵ درصد جمعیت افغانستان زیر خط فقر زندگی می‌کنند.

افغانستان که در امتداد جاده تاریخی ابریشم قرار دارد، از گذشته‌های دور در شبکه‌های فرامنطقه‌ای و اشکال مختلف مبادلات اقتصادی، مذهبی و فرهنگی ادغام شده است. موقعیت استراتژیک این کشور آن را در طول تاریخ در معرض بسیاری از تهاجمات نظامی قرار داده است، از اسکندر کبیر، تا تهاجم امپراطوری پارس و مغول و تجاوز قدرت‌های استعماری اروپا، که همه آنها آثار ماندگار فرهنگی و جمعیتی به جا گذاشته است. افغانستان که در قرن ۱۹ به عنوان یک کشور حایل بین امپراتوری روسیه و انگلستان تأسیس شد، در سال ۱۹۱۹ تحت سلطنت شاه امان الله خان استقلال یافت.

این کشور از دهه ۱۹۳۰ تا شروع جنگ در سال ۱۹۷۸ دوره ای از صلح و ثبات نسبی را تجربه کرد. در دوره جنگ سرد، حاکمان افغانستان برنامه مدرنیزاسیون تدریجی و بی طرفی سیاسی را دنبال کردند، و از هر دو ابرقدرت کمک دریافت می‌کرد. این استراتژی وابستگی دیرینه کشور به منابع مالی خارجی را تقویت و انگیزه حاکمان افغانستان برای ایجاد قرارداد مالی و اجتماعی با جمعیت خودش را کاهش داد.

نفوذ دولت و ارائه خدمات در مناطق روستایی محدود بود و بین دولت محصور و تحت حمایت مالی خارجی و جمعیت روستایی که از مزایای این منابع مالی بهره اندکی می‌بردند، تضاد فزاینده‌ای پدید آمد.

دولتی که پس از توافق نامه بن، به ریاست رئیس جمهور کرزی شکل گرفت، در ابتدا روزه‌های امید را برای گذار پایدار به صلح ایجاد کرد. اما در عوض، مرحله جدیدی از درگیری‌های مسلحانه شروع شد که با گذشت زمان شدت گرفته و گسترش یافته و ۳,۵ میلیون افغان را آواره کرده است. این کشور در طول دهه ۲۰۰۰ و ۲۰۱۰ در شاخص کشورهای شکننده در رده «هشدار بالا» قرار داشته است.

اگرچه کشت کوکنار و مصرف تریاک در افغانستان سابقه طولانی دارد، اما تولید و قاچاق مواد مخدر در سال‌های جنگ به صورت چشمگیر افزایش یافت و افغانستان از میانمار که صدر نشین جهانی تولید غیرقانونی تریاک بود سبقت گرفت.

هر سه سرزمین سرحدی به درجات مختلفی تحت تأثیر اقتصاد غیرقانونی مواد مخدر و شورش‌های مداوم طالبان قرار داشته‌اند. هدف تحقیقات ما در این سه ولایت توضیح روابط بین مواد مخدر، انکشاف و خشونت در این مناطق سرحدی است و اینکه مداخلات دولت مرکزی و/یا قدرتهای منطقه‌یی و بین‌المللی بر این روابط چه تأثیر گذاشته است.

توزیع جغرافیایی و تولید مجموعی تریاک در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ به طور پیوسته رشد کرد. ممنوعیتی که در سال ۲۰۰۰-۲۰۰۱ توسط طالبان اعمال شد منجر به کاهش چشمگیر کوتاه مدت کشت کوکنار شد. با این حال، به دنبال مداخله نظامی تحت رهبری ایالات متحده و به ویژه از اواخر دهه ۲۰۰۰، تولید کوکنار دوباره رشد کرد.

اگرچه کشت کوکنار و مصرف تریاک در افغانستان سابقه طولانی دارد، اما تولید و قاچاق مواد مخدر در سال‌های جنگ به صورت چشمگیر افزایش یافت و افغانستان از میانمار که صدر نشین جهانی تولید غیرقانونی تریاک بود سبقت گرفت.

در سال ۲۰۱۷، محصول کوکنار با ثبت رکورد به بیش از ۳۲۸,۰۰۰ آکر [معادل ۴۰۴۷ مترمربع] یا ۱۳۲,۷۳۷ هکتار افزایش یافت. تا سال ۲۰۱۷، اقتصاد غیرقانونی تریاک حدود ۲۰-۳۲ درصد تولید ناخالص داخلی افغانستان را به خود اختصاص می‌داد - بیش از کل صادرات قانونی کالاها و خدمات این کشور. در سال ۲۰۱۸، به دنبال خشکسالی گسترده‌ای که منجر به کاهش تولید شد، اقتصاد تخمینی تریاک غیرقانونی نزول کرد و حدود ۶-۱۱ درصد تولید ناخالص داخلی کشور را تشکیل می‌داد.

به دنبال چندین ماه مذاکره و کاهش کوتاه مدت خشونت، دولت امریکا به هدف تحقق خروج امریکا و پایان دادن به درگیری، در ۲۹ فبروری ۲۰۲۰ با طالبان توافق صلح امضا کرد. این توافق نامه شامل تعهد به خروج همه نیروهای امریکایی و ائتلاف از این کشور تا بهار ۲۰۲۱ است، که در ازای آن طالبان اطمینان داده‌اند از گروه‌های تروریستی که تهدیدی برای ایالات متحده یا متحدان آن است، محافظت یا حمایت مادی نکنند.

تیم تحقیقاتی ما در سه منطقه سرحدی افغانستان تحقیق می‌کنند. این سه منطقه به دلیل روابط پر تضاد تاریخی و کنونی آنها با نهادهای دولتی مرکزی و تجربیات متفاوت آنها از جنگ و اقتصادهای غیرقانونی مواد مخدر، انتخاب شده‌اند.

ولایت ننگرهار از مدت‌ها بدین سو یک مرکز اقتصادی و تجارتي به لحاظ سیاسی با نفوذ در سرحد شرقی افغانستان بوده است. در حالی که ولایت دور افتاده نیمروز در بیشتر دوره‌های تاریخی از لحاظ اقتصادی



قاچاق دیزل از ایران به زرنج، افغانستان.
عکس توسط سازمان تحقیقات و انکشاف پایدار (OSDR)

نگرهار

این ولایت که تفرجگاه تاریخی خانواده سلطنتی افغانستان و سایر نخبگان اشرافی در ماه‌های زمستان بوده است، مدت هاست که برای حاکمان افغانستان و قدرت‌های همسایه اهمیت دارد. امروزه، مرکز ولایت یعنی جلال‌آباد همچنان یک قطب اصلی تجارتي، فرهنگی و سیاسی شرق افغانستان است.

ولایت ننگرهار از مدت‌ها بدین سو یک مرکز اقتصادی و تجارتي به لحاظ سیاسی با نفوذ در سرحد شرقی افغانستان بوده است. در حالی که ولایت دور افتاده نیمروز در بیشتر دوره‌های تاریخی از لحاظ اقتصادی

ننگرهار به عنوان یکی از مراکز اصلی مقاومت در برابر رژیم کمونیستی، از جنگ اتحاد جماهیر شوروی و افغانستان (۱۹۷۹-۱۹۸۹) به شدت آسیب دید. به دنبال تهاجم به رهبری ایالات متحده از سال ۲۰۰۱ به بعد مبارزات خشونت آمیز علیه طالبان، که از سال ۱۹۹۴ این ولایت را کنترل می کرد، دوباره شدت گرفت. در سال ۲۰۱۹، علی رغم شمار قابل توجهی از حملات نیروهای ناتو/ایالات متحده، طالبان هنوز نفوذ قابل توجهی در ننگرهار دارند. سناریوی درگیری با ظهور گروه شبه نظامی دولت اسلامی یا داعش در این ولایت از سال ۲۰۱۵، پیچیده تر شده است.

ننگرهار در جنوب و شرق با پاکستان سرحد مشترک دارد و از دهه ۱۹۷۰ به بعد دارای تجارت ترانزیت پر رونق و اقتصاد آریترائز [کسب سود از اختلاف قیمت در دو یا چند بازار] بوده و شبکه های قبیله ای قوی فرامیزی ساخته است. استخراج معادن (سنگ مرمر، تالک و سنگ های قیمتی) و قطع غیرقانونی درختان نیز یک منبع اصلی درآمد و اجاره برای نخبگان تجاری این ولایت و گروه های سیاسی-نظامی بوده است.

ننگرهار دارای اقتصاد قوی زراعتی است: دهاقین آن، بخش قابل توجهی از محصولات زراعتی افغانستان از جمله برنج، گندم، میوه های مختلف و کونار تولید می کنند. این ولایت از اواخر دهه ۱۹۸۰ تولید کننده عمده تریاک بوده است؛ در بعضی از زمان ها، تا یک چهارم کل مواد مخدر افغانستان را تولید کرده است. این رقم از سال ۲۰۱۰ افزایش قابل توجهی یافته است. این ولایت شاهد ممنوعیت ادواری کشت کونار بوده است، قبل از طالبان، در زمان طالبان و بعد از سقوط رژیم طالبان - تازه ترین مورد آن در مناطق تحت کنترل داعش تطبیق شد.

خط دیورند که افغانستان و پاکستان را جدا می کند از دوره استعمار تا کنون محل اختلاف بوده است. از یک طرف، سرزمین سرحدی از نظر ژئوپلیتیکی یک «فضای حساس» است، از سوی دیگر در دو طرف سرحد همواره ارتباطات نزدیک اقتصادی و اجتماعی وجود داشته است، که شامل عبور و مرور مردم و کالاها در گذرگاه رسمی و چندین گذرگاه غیر رسمی است.

در سال ۲۰۱۹، علی رغم شمار قابل توجهی از حملات نیروهای ناتو / ایالات متحده، طالبان هنوز نفوذ قابل توجهی در ننگرهار دارند.

با این حال، پس از سال ۲۰۰۱، هر دو طرف سرحد ضرورت روز افزونی برای تنظیم، مدیریت و فیلتر نمودن عبور و مرور در امتداد دیورند حس کرده اند. این امر ناشی از نگرانی های مربوط به مسایل امنیتی، تروریسم، مالیه گیری و شهروندی است. پاکستان برای جلوگیری از عبور غیرمجاز سرحدی اقدام به ایجاد حصار در امتداد سرحد کرده است. در نتیجه، چندین گذرگاه غیررسمی در امتداد سرحد شرقی افغانستان با پاکستان در سال های اخیر بسته شده است که تأثیر قابل توجهی در معیشت جوامع سرحد نشین داشته است.



کارخانه تالک در جلال آباد، افغانستان.
عکس توسط سازمان تحقیقات و انکشاف پایدار.



نیمروز

از نظر تاریخی، حضور دولت در این منطقه بسیار محدود بوده است، این امر در کمبود خدمات عمومی در این ولایت دیده می شود، ولایتی که همیشه یکی از فقیرترین مناطق افغانستان بوده است. این ولایت با ایران و پاکستان هم سرحد است و ساکنان منطقه مدت ها است که از طریق شبکه های بلوچ که در مناطق سرحدی هر سه کشور حضور دارند، به تجارت فرامرزی اشتغال دارند.

اهمیت سرحد نیمروز افغانستان و ایران در پی ساخت شاهراه دلارام - زرنج در سال ۲۰۰۹ و امضای توافق نامه ۲۰۱۶ ترانزیت سه جانبه بین ایران، هند و افغانستان مورد توجه قرار گرفت. این شاهراه یکی از پر ازدحام ترین جاده های افغانستان و یک مسیر تجاری مهم برای کالاهای قانونی و غیرقانونی است.

این کالاها شامل مواد مخدری است که در ولایت همجوار هلمند تولید می شود که تقریباً نیمی از تولید تریاک افغانستان را تشکیل می دهد. خود نیمروز تا سال ۲۰۱۷ حدود ۶،۲۲۰ هکتار زمین زیر کشت کوکنار داشت که بخش اعظم آن در دهه گذشته پس از معرفی تکنالوژی چاه های عمیق آفتابی کشت شد. نیمروز در سال های اخیر همچنان به قطب قاچاق انسان برای مهاجران افغانستانی بدل شده است که به ایران، ترکیه و اروپا مهاجرت می کنند.

نیمروز عمدتاً از زمین های مسطح بیابانی تشکیل شده است. این ولایت دارای کمترین تراکم جمعیت (تقریباً ۲،۸ نفر در کیلومتر) در افغانستان است. تا سال ۲۰۱۵، تخمیناً ۱۶۴،۹۷۸ نفر در نیمروز زندگی می کردند - حدود یک سوم آنها در زرنج مرکز ولایت. جمعیت آن شامل ترکیبی از اقوام از جمله بلوچ، پشتون، تاجیک، براهوی، ازبک و هزاره است.

بسیاری از ساکنان این ولایت در مقطعی از زندگی شان در جای دیگری زندگی کرده اند؛ تعداد قابل توجهی از آنها از ایران بازگشته اند، و دیگران (به ویژه ناسیونالیست های بلوچ) پس از مجبور شدن به ترک پاکستان به دلیل فعالیت سیاسی شان به نیمروز پناه برده اند. در سال های اخیر، تعداد فزاینده ای از افغان ها از ولایت های دیگر، به دلیل امنیت نسبی و گسترش فرصت های اقتصادی، به زرنج مهاجرت کرده اند.

اگرچه نیمروز هرگز پناه گاه شورشیان مسلح نبوده و نسبتاً کمتر تحت تأثیر شورش گسترده طالبان قرار گرفته است، اما تعدادی از شبکه های جرمی و زورمندان محلی نفوذ زیادی در این منطقه دارند.

قرن ها است که اختلافات در مورد دسترسی به آب بین نیمروز و همسایه آن ایران هر از گاهی شعله ور شده است، و برخی گزارش ها از پشتیبانی ایران از نیروهای طالبان در این ولایت حکایت دارد. در حالی که مرکز ولایت زرنج همچنان تحت کنترل دولت است، ولسوالی های دور افتاده مانند دلارام و چخانصور به طور فزاینده ای از سوی طالبان به چالش کشیده می شود.

یادداشتی در باب روش تحقیق

پیام های کلیدی در بخش افغانستان عمدتاً از کارهای ساحوی اقتباس شده است که در خزان ۲۰۱۸ در هفت ولسوالی ننگرهار و در بهار ۲۰۱۹ در سه ناحیه نیمروز انجام شد.

در مجموع، بیش از ۶۰۰ مصاحبه با تاجران، انتقال دهندگان، مقامات گمرکی و سایر مقامات کلیدی در دو ولایت جمع آوری شد. کارمندان ساحوی با تاجران و انتقال دهندگانی مصاحبه کردند که در تجارت و ترانسپورت طیف گسترده ای از کالاهای قانونی و غیرقانونی از جمله تریاک، حشیش، تالک، سوخت، کود، سیمان، پرزه جات و کالاهای ترانزیتی مشغول به کار بودند. این تیم همچنین با اعضای شبکه های قاچاق انسان در نیمروز مصاحبه کردند.

علاوه بر مصاحبه ها، در هر ولایت، سرگذشت زندگی ده نفر بالای ۵۰ سال ثبت شد، افرادی که می توانند تغییرات دراز مدت در بخش امنیت، انکشاف و شرایط اقتصادی سرزمین های سرحدی شان را به یاد بیاورند. تیم های ساحوی قبل از شروع کار ساحوی، برای شناسایی سایت های تحقیقاتی نزدیک سرحد و بار دوم پس از انجام هر دور کار ساحوی در جلسات گزارش گیری هدایت شده، از تصاویر سیستم معلومات جغرافیایی (GIS) استفاده کردند.



سنگ انداز یا منجیق برای قاچاق تریاک در نیمروز، افغانستان. عکس توسط سازمان تحقیقات و انکشاف پایدار.

داستان جان گل را بخوانید

این طنز داستان جان گل، مردی از ولایت ننگرهار افغانستان را روایت می کند. تریاک به عنوان بخشی از زندگی وی در درگیری و صلح نسبی همراه وی بوده است. از کمک همراهی پدر در زمین های کوکنار در طفولیت گرفته تا قاچاق هیروئین در مسکو در نوجوانی.

<http://bit.ly/3dsBwcl>



پیام‌های کلیدی

۱. شبکه‌های تجارت غیرقانونی برای تامین درآمد و بقای خانوارها در سرزمین‌های سرحدی افغانستان حایز اهمیت است

داشت که در عبدالخیل مشغول تجارت هروئین بود، و [دوست من] هروئین را از طریق یک تاجر به مزارشریف می برد و یک تاجر دیگر در انتقال آن به مسکو از طریق ازبکستان به وی کمک می کرد ...

دگرمن پیش من آمد و به من پیشنهاد کرد در انتقال هروئین از مزارشریف به مسکو به او کمک کنم [...] از آنجا که من در شرایط بسیار سخت زندگی می کردم گزینه دیگری نداشتم. بدتر اینکه، خواهر بیوه من و فرزندانش نیز با من زندگی می کردند و از بابت دوکانداری هم ضرر کرده بودم و هیچ وسیله ای برای تأمین نیازهای خانواده ام نداشتم. وقتی دگرمن به من این [شغل] را پیشنهاد کرد، من موافقت کردم. (دوکاندار و قاچاق‌بر مواد مخدر سابق، غنی خیل، ننگرهار، ۲۰۱۸)

خطرات و مزایای مشارکت در تجارت مواد مخدر نابرابر توزیع می شود

توزیع خطرات و مزایا بین افراد سهیم در تجارت مواد مخدر به شدت با وضعیت اقتصادی و اجتماعی آنها مرتبط است. قاچاق‌برهایی که برای انتقال مواد مخدر استخدام می شوند (برخلاف تاجران که مواد را می خردند و می فروشدند) با خطرات جدی روبرو هستند - چیزی که همیشه در معاش آنها در نظر گرفته نمی شود.

به عنوان مثال، مصاحبه شونده مذکور قبل از رسیدن به مسکو از سرحدات مختلف عبور کرد و در عوض پول نسبتاً کمی دریافت کرد. با این حال، برخی از قاچاق‌برها ممکن است به اندازه کافی پول جمع کنند که وضعیت اقتصادی شان را تا حدی بهبود ببخشند، مانند داستان قاچاق‌بر زیر که در نزدیک سرحد نیمروز داخل خاک ایران با وی مصاحبه شد.

می خواستم با اولین موتری که کرایه کردم خیلی سریع درآمد کسب کنم. در اولین فرصتی که داشتم ۳ کیلوگرام بین چابهار و سرباز قاچاق کردم. برای ترانسپورت قانونی که بار را از سیستان و بلوچستان به اینجا می آوردم، ماهانه ۶،۰۰۰ تومان به من پرداخت می شد...

صاحب موتری نمی دانست که من در کنار کار قانونی تریاک نیز قاچاق می کردم. این ۳ کیلو تروت من شد. من به خانه آمدم، مواد مخدر را تحویل دادم و تا حد ممکن سریع برگشتم. این بار ۶ کیلوگرام انتقال دادم، بعد ۱۲ کیلوگرام، بعد ۲۴ کیلوگرام و غیره. تروت من هر روز بیشتر می شد. یک خانه ساختم، زمین خریداری کردم. اقتصاد من شروع کرد به بهتر شدن. یک موتری خریدم - بعد از سه سال، یک موتری لاری و تریلر خریدم. (قاچاق‌بر مواد مخدر، سیستان و بلوچستان، ایران، ۲۰۱۹)

افغانستان نه تنها تولید کننده عمده تریاک و هروئین است؛ بلکه مرکز تجارت و دهلیز مهم منطقه‌یی برای کالاهای قانونی و غیرقانونی نیز هست. درست همانطور که بسیاری از دهقانان برای زنده ماندن به کشت کونار وابسته اند، بسیاری از انتقال دهندگان و تاجران نیز برای امنیت مالی به درآمد مواد مخدر غیرقانونی متکی اند. این درآمدها در برابر مشکلات اقتصادی در کشوری که از درگیری مسلحانه طولانی متاثر شده است، از خانواده ها و جوامع محافظت می کند.

تجارت غیرقانونی به بسیاری از خانواده ها کمک کرده است که از بحران‌های طولانی نجات یابند

تحقیقات ما در ننگرهار و نیمروز - به ترتیب در سرزمین‌های سرحدی شرقی و غربی افغانستان - از اهمیت تجارت غیرقانونی در تأمین درآمد خانواده‌های ساکن در محیط‌های بسیار خشونت‌زده و پرخطر خبر می دهد.

یکی از دهقان‌های ننگرهار یادآوری کرد که چگونه پس از بمباران شدن در جنگ اتحاد جماهیر شوروی و افغانستان، پول حاصل از تجارت تریاک، خانواده وی را نجات داد:

در زمان رژیم کمونیستی، روستای ما بمباران شد و در نتیجه نه نفر کشته شدند؛ یکی از پسران کاکای من هم زخمی شد. در طی آن بمباران، خانه ما ویران شد و ۱۵ راس از مواشی ما کشته شدند. تمام ظروف، فرش ها و دیگر اشیاء از بین رفت. وقتی بمباران به پایان رسید و طیاره‌ها منطقه را ترک کردند، هر کس به دنبال وسایل خود بود که در زیر خاک دفن شده اند ...

پدر من ۵۴ سیر تریاک و ۸۰،۰۰۰ افغانی ذخیره کرده بود، که آنها نیز زیر آوار شدند. مادرم در حالی که به دنبال اشیای خانه بود، جعبه ای با ۵۴ سیر تریاک و پول نقد پیدا کرد. خانه ما ویران شد اما ما با این پول خانه جدیدی برای خودمان ساختیم. (دهقان، ولسوالی خوگینانی، ننگرهار، ۲۰۱۸)

همانطور که این تجربه نشان می دهد، لزوما همه کسانی که در تجارت مواد مخدر شرکت می کنند، قاچاق‌بران ثروتمند نیستند. افراد غالباً به عنوان انتقال دهندگان کوچک کار می کنند زیرا گزینه های دیگری ندارند. در ننگرهار، به دنبال خروج نیروهای اتحاد جماهیر شوروی و شروع جنگ داخلی، حمل و نقل مواد مخدر غیرقانونی در امتداد سرحدات بین‌المللی برای خانواده های فقیری که در شرایط اقتصادی وخیم زندگی می کردند درآمد خوبی فراهم کرد.

در سال ۱۹۹۳، یکی از دوستان من از چین [...] سابقاً یک دگرمن وزارت دفاع بود اما در آن زمان بیکار بود. این دگرمن یک پسر کاکا

تاجران کلان، برخلاف قاچاق‌بران، با دسترسی به سرمایه بیشتر و شبکه‌های سیاسی می‌توانند از طریق روابط واسطه‌یی و پرداخت پول به مقامات ارشد تا حدی خود را در برابر خطرات تعقیب قانونی مصئون بسازند. این افراد غالباً سودهای به دست آمده از مواد مخدر را در شرکت‌های جدید یا مسکن و تجارت در جلال‌آباد، کابل، تهران یا دبی سرمایه‌گذاری می‌کنند.

خانواده‌های قدرتمند مافیایی در برخی از شهرهای اطراف تهران وجود دارند. به عنوان مثال، در [روستای X]، مقادیر زیادی تریاک و هروئین وارد می‌کنند، هر بار تا حد یک تن. به راحتی می‌توانید این مواد را روی لاری‌ها یا وانت (pick-up truck) هایی که از سیستان و بلوچستان می‌آیند پنهان کنید. وقتی به آنجا رسید، به فروشندگان کوچک‌تر توزیع می‌کنند، چند کیلوگرام اینجا و آنجا ...

در همین حال، خودشان در خانه ایمن می‌نشینند و هیچ یک از خطرات را ندارند - در عوض، خطر متوجه قاچاق‌بران و کسانی است که مواد را در مقیاس کمتر توزیع می‌کنند. مواد را اغلب از بلوچ‌ها خریداری می‌کنند. آنها جنس را تحویل می‌دهند و مبلغ پرداختی را بعداً تحویل می‌گیرند. روش کار معمولاً این گونه است. (فروشنده مواد مخدر، تهران، ایران، ۲۰۱۹)

شبکه‌های تجارت غیرقانونی و قانونی به هم متصل اند

بسیاری از تاجران و انتقال‌دهندگان به صورت متناوب چندین نوع کالای قانونی و غیرقانونی معامله می‌کنند. به عنوان مثال، در ننگرهار، چای، سیمت و کود را می‌توان در همان مسیر تجارتي و از طریق همان شبکه‌هایی انتقال داد که چرس و تریاک را. با توجه به تغییر قیمت‌ها، سیستم‌های نظارتی و دینامیک منازعه، تاجران

فعالیت‌های متنوعی را پیش می‌برند تا بتوانند خطرات را کنترل و به فرصت‌های جدید دست یابند.

رکود فعالیت‌های قانونی ممکن است سبب مشارکت بیشتر در اقتصاد مواد مخدر گردد. به عنوان مثال، در نیمروز، افراد در دوره‌های خشکسالی شدید که بر تولید محصولات زراعتی تأثیر گذاشت، به قاچاق مواد مخدر روی آوردند.

در مقابل، محدودیت بر استخراج و تجارت تالک در منطقه اسدخیل ننگرهار اثرات تبعی پیش‌بینی نشده‌ای را به بار آورده است، از جمله افزایش کشت شاهدانه. گزارش‌ها مبنی بر بهره‌گیری نیروهای شورشی از صنعت تالک منجر به شدت عمل از سوی دولت شد که تأثیر منفی بر بسیاری از افراد دیگر گذاشت، چنانکه در اظهارات آتی از سوی مردی از ولسوالی اچین شرح داده شده است.

در حال حاضر، تجارت تالک در اسدخیل متوقف شده است، و دلیل آن این است که با تاجران قرارداد بسته نشده است [...]. مردم اسدخیل می‌گویند مقامات نیروهای ویژه اجازه انتقال تالک را به بازار شادال نمی‌دهند. آنها خواستار عقد قرارداد با وزارت معادن شدند، اما قراردادهای توسط دولت متوقف شده اند ...

در خزان امسال، ۸۰ درصد گیاهان برداشت شده [در اسدخیل] شاهدانه بود. مردم در خانه‌های خود هم شاهدانه کاشتند. بیشتر جوانان بیکار اند. برخی از آنها به اردوی ملی پیوسته اند یا در جستجوی کار به پاکستان عزیمت کرده اند به خاطر آنکه تجارت تالک، که فرصت‌های شغلی برای مردم فراهم می‌کرد، متوقف شده است. (منبع اطلاعات کلیدی، ولسوالی اچین، ننگرهار، ۲۰۱۸)



قاچاق کالاها از ایران از ساحه سرحدی میلاک، افغانستان. عکس توسط سازمان تحقیقات و انکشاف پایدار.

۲. مسیرهای تجارت قانونی و غیر قانونی به دلیل تغییر در مقررات، پیوسته تغییر می کند

کوچک تجارتی را در دست می گیرند یا بر پشت خود حمل می کنند تا از سرحد تورخم انتقال دهند... تعدادی از کودکانی هستند که قبلاً این کالاها را با دست خود به پاکستان حمل می کردند. مقام پیشین گمرک، تورخم، ننگرهار، (۲۰۱۸)

تجار و انتقال دهندگان اغلب با به کار گیری روش های خلاقانه و پویا خود را با بسته بودن سرحدات وفق می دهند. محدودیت در گذرگاه های رسمی و استقرار دیوارها و حصارها باعث شکل گیری گذرگاه های غیررسمی در مناطق دور افتاده در ننگرهار و نیمروز شده است.

گذرگاه سرحدی سسوبی در ولسوالی در بابا ولایت ننگرهار نمونه ی بارز از یک مسیر کوچکی است که پس از اعمال محدودیت بر سایر گذرگاه های عمده، اهمیت بیشتری یافته است. به دلیل دشواری عبور و مرور با موتر، بسیاری از کالاها توسط قاطر یا شتر حمل می شوند که کالاها را معاف از مالیات، مواد مخدر و سایر اقلام را با عبور از سرحد به پاکستان انتقال می دهند. در نیمروز، برخی از قاچاقچران کوچک مواد مخدر برای صادر کردن محصولات شان روش متفاوتی را انتخاب کرده اند: پرتاب کردن آن با منجنیق به آن سوی دیوار سرحدی ایران.

من یک شریک تجاری ایرانی دارم و پسر کاکاهایم و سایر وابستگان من در قریه [x] واقع در آن طرف سرحد زندگی می کنند. انجام این کار بسیار سخت است مگر اینکه شریک تجاری در ایران داشته باشید زیرا من خودم نمی توانم به ایران بروم. ما شماره تماس پولیس ایران را که از سرحد محافظت می کند، داریم و شریک تجاری من در ایران با پولیس سرحدی که محافظ پوسته ها و سرحد ایران است تماس می گیرد تا زمان مناسبی را با آنها برای قاچاق مواد مخدر تعیین کند...

پولیس با شریک من تماس می گیرد تا زمان مناسب را به او بگوید، شریکم با من تماس می گیرد و من تریاک را به سرحد می برم، جایی که پولیس سرحدی ایران دروازه های دیوار سرحدی را باز می کند و من از دیوار سرحدی عبور می کنم تا تریاک را در آن سوی دیوار/سرحد به شریک تجاری خود تحویل دهم. بعضی اوقات، ما از زینه برای بالا رفتن از دیوار استفاده می کنیم و تریاک را در آن طرف دیوار به شریکم تحویل می دهیم، بدون اینکه پولیس سرحدی ایران از آن مطلع شود...

در زمانی که من تریاک را از قریه به نقطه سرحدی منتقل می کنم، جوانان قریه های ما با من همکاری می کنند. قاچاقچرها نیز با یکدیگر همکاری می کنند و برای آن پول نمی گیرند. (قاچاقچر، شهر زرنج، نیمروز، ۲۰۱۹)

سرزمین های سرحدی ننگرهار و نیمروز با داشتن پیوندهای عمیق تاریخی، اجتماعی و اقتصادی با کشورها و مناطق همسایه، همواره «نگاه معطوف به بیرون» داشته است. با این وجود، نفوذ ناپذیری یا نفوذ پذیری سرحدات به دلیل پویایی منازعه، قدرت نظارتی نهادهای دولتی و غیر دولتی و ساخت زیربناها از جمله حصار، پست های گمرکی و بازارچه های سرحدی مدام تغییر کرده است.

این تغییرات تأثیر چشمگیری بر ورود و خروج غیرقانونی کالاهای مجاز و غیرمجاز داشته و تأثیرات تبعی بر رفاه اقتصادی و اجتماعی جوامع سرحدی بجا گذاشته است. به عنوان مثال، محکم کردن سرحد ممکن است با افزایش اختلاف قیمت ها و هزینه بیمه کالاهایی که از سرحد عبور می کنند، مشوق های قاچاق را بیشتر سازد. تغییر کنترل های سرحدی نیز می تواند با اعمال مالیات غیررسمی بر ورود و خروج غیرقانونی کالا، فرصت های بیشتری را برای کسب سود در اختیار نخبگان قدرتمند قرار دهد.

مقررات سرحدی، امنیت و معیشت

تضاد قابل توجهی بین امنیت سرحد و معیشت سرزمین های سرحدی وجود دارد. ایران و پاکستان سرحدات خود با افغانستان را محکم تر کرده اند، پاکستان در امتداد سرحد خود با ننگرهار حصار احداث کرده و ایران در سرحد خود با نیمروز دیوار و گودال ساخته است. این امر عواقب قابل توجهی بر اقتصادهای محلی داشته است که به تجارت و ارتباطات فرامرزی وابسته است. یکی از قومندانان ملیشای سابق نیمروز که در هر دو طرف سرحد زندگی کرده است، تأثیر منفی این دیوار را بر معیشت جوانان در نیمروز توصیف کرد و گفت بسیاری از افراد را به سمت قاچاق مواد مخدر کشانده است.

هشت سال است که ایرانی ها در امتداد سرحد دیوار ساختند و سرحد را بستند. زمانی که این سرحد باز بود، جوانان مشغول تجارت و حمل و نقل کالاهای تجاری بودند، اما در حال حاضر هیچ فرصت کاری وجود ندارد و جوانان نمی توانند برای کار به ایران بروند زیرا دولت ایران برای ورود به کشور خود پاسپورت و ویزای معتبر می خواهند. بنابراین، جوانان زندگی خود را برای تهیه مایحتاج خانواده به خطر می اندازند و شبانه مواد مخدر قاچاق می کنند، که تنها منبع درآمد آنها است. پولیس سرحدی جوانان را مجبور می کند به آنها پول بپردازند و در صورت امتناع از پرداخت، پولیس خانه های آنها را جستجو کرده و آنها را دستگیر می کند. (قومندان ملیشای پیشین، شهر زرنج، نیمروز، ۲۰۱۹)

در ننگرهار، یک افسر سابق گمرک در مورد تغییر ترتیبات نظارتی در گذرگاه سرحدی تورخم و انواع تجارت رایج، صحبت کرد که در نقل قول بعدی آمده است.

در گذشته، دروازه تورخم برای انتقال کالاهای تجاری در امتداد سرحد در هر دو طرف، گاه باز و گاه بسته می شد [...] در حال حاضر به روی همه کالاهای معاف از مالیات که در گذشته معامله می شدند، بسته شده است. برخی از انتقال دهندگان، کالاهای

اعتماد، دلالی و خشونت

سرزمین‌های سرحدی (فضاهای تجارتي)، است که در آن روابط اجتماعی، نهادهای محلی و ترتیبات نظارتی با مدیریت و جریان عبور و مرور انطباق یافته اند. این امر شامل موارد آتی است: ایجاد زیربناهای پیچیده تدارکاتی، ترانسپورت و گدام‌داری؛ سیستم‌های پیشرفته برای نظارت و پاسخ به اطلاعات بازار؛ سازمان‌هایی برای مدیریت و تنظیم کار؛ و سیستم‌های مالی که تبادلات قرضه و سرمایه را ممکن می‌سازد.

همه این ترتیبات «به لحاظ میزان انعطاف آزمایش شده» و با محیط پر خطر (و پر فرصت) که منابع «اصطکاک» گوناگون در آن وجود دارد، سازگاری دارد، اصطکاک ناشی از فضای چند پاره جغرافیایی، سیاسی و اجتماعی.

برای اینکه سیستم‌های تجارتي سرحدی افغانستان خوب عمل کند، سه چیز مهم است - اعتماد، دلالی و خشونت. اعتماد زمینه‌ساز و پیوند دهنده شبکه‌هایی است که برای جابجایی کالاها از طریق فضا و در امتداد سرحدات ضروری اند.

دلال‌ها موظف اند سیناپس‌ها (synapse) و سرحداتی را که سیستم‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را تقسیم می‌کنند و اصطکاک‌های ایجاد می‌کنند که مانع جریان آزاد تجارت است، به هم وصل کنند. این اشخاص می‌توانند بین مقامات دولتی و طالبان، یا بین مامورین گمرک ایران و افغانستان یا بین شبکه‌های قاچاق انسان در کابل و ولایات میانجی‌گری کنند. دلال‌ها هم انساج پیوندی و هم نقطه اصطکاک سیستم‌های تجارتي اند.

در سال‌های اخیر رژیم کمونیستی، کاکایم که با ایشان تجارت تریاک انجام می‌دادم هنگام سفر به پاکستان برای شرکت در جرگه به همراه ۱۲ مرد دیگر در انفجار مین در قریه بهار کشته شد. [...] کاکای من در تجارت تریاک بسیار تجربه داشت و روابط زیادی با مردم داشت اما من خود دارایی کافی نداشتم. علاوه بر این، من نتوانستم بدون سفارش کاکایم به تجارت تریاک ادامه دهم، بنابراین، تجارت تریاک را ترک کردم. (تاجر، ننگرهار، ۲۰۱۸)

با توجه به نبود میکانیزم‌های قانونی معتبر برای اجرای قراردادها و حل اختلافات، خشونت برای تنظیم تجارت قانونی و غیرقانونی حایز اهمیت است. خشونت گسترده و غیرقابل پیش بینی سبب می‌شود مردم به کالاهایی رو بیاورند که ارزش بالا دارد و به راحتی قابل حمل و پنهان شدن است، مانند مواد مخدر. خشونتی که به لحاظ جغرافیایی متمرکز است منجر به تغییر مسیر جریان تجارت می‌شود.

خشونت ممکن است مربوط به کنترل مسیرهای تجارتي و مذاکره مجدد برای توافق سیاسی بین نخبگان محلی در باره توزیع سود حاصل از تجارت باشد. صداهای سرزمین‌های سرحدی افغانستان این تصور رایج را که تجارت مواد مخدر فوق العاده خشونت آمیز است، به چالش می‌کشد - صداها حاکی از آن است که همه شبکه‌های تجارتي در سایه خشونت عمل می‌کنند؛ اجبار یا تهدید به اجبار برای پیشبرد و تنظیم تجارت مهم است.

وسایل نقلیه حامل کالاهای متعلق به جنگ‌سالاران در هیچ نقطه‌ای توسط کسی قابل توقف نیست. کالاهایی که حمل می‌کنند، چه غیرقانونی و چه قانونی، هیچ کس نمی‌تواند جلوی آنها را بگیرد. همچنین، هیچ کس نمی‌تواند آنها را جستجو کند زیرا همه نیروهای امنیتی از قبل درباره آن آگاهی دارند. بیشتر اوقات، چنین وسایل نقلیه‌ای کالاهای غیرقانونی یا کالاهای ممنوعه را برای انتقال به آن سوی سرحد به پاکستان حمل می‌کنند. افسران مبارزه با مواد مخدر در ولسوالی این توانایی را ندارند که جلوی آن را بگیرند. (مامور خدمات ملکی، ننگرهار، ۲۰۱۸)

شبکه‌های تجارتي در «نقاط توقف» که غالباً تحت سلطه نخبگان دولتی و/یا غیر دولتی و گروه‌های مسلح خشن است، ملزم به پرداخت پول اند. شواهد به دست آمده از ننگرهار و نیمروز نشان می‌دهد که این نقاط توقف در امتداد سرحدات بین‌المللی، و همچنین در امتداد سرحدات غیررسمی بین مناطق تحت کنترل دولت و مخالفین، وجود دارد. کارمندان حکومت محلی، به ویژه افسران اردو و مقامات گمرک، غالباً به عنوان دلالان اصلی شبکه‌های تجارت غیرقانونی شناخته شده اند که در ازای تسهیل تجارت، بر تجارت کالاهای غیرقانونی مالیات غیررسمی وضع می‌کنند.

تاجران و انتقال‌دهندگان کوچک در معرض سوء استفاده و خشونت نیروهای دولتی و مخالف قرار دارند. این قضیه به ویژه در مورد افرادی که مشغول به انتقال کالا بین ننگرهار و پاکستان اند، صدق می‌کند. در این مورد، تاجران گفته اند توسط مقامات محلی مورد تهدید و سوء استفاده قرار گرفته اند و حتی مجبور به انتقال کالاهای غیرقانونی شده اند.

دو سال پیش باری موتر لاری را در سرک حلقوی پیشاور خالی کردم و موتر را پارک کردم تا سمینت بارگیری شود. دو پولیس پاکستانی پیش من آمدند و گفتند که رئیس آنها می‌خواهد با من صحبت کند. مرا پیش رئیس شان بردند و مجبور کردند روی چوکی بشینم. رئیس آنها از من پرسید که چرا من تجارت تریاک انجام می‌دهم ...

گفتم من درباره چرس چیزی نمی‌دانم. آنها مرا زندانی کردند و علیه من دوسیه ساختند که من ۶ کیلوگرام چرس داشتم. چهار ماه در زندان گذراندم و پس از آن نیز ۵۰،۰۰۰ روپیه پرداخت کردم تا آزاد شوم. من در جریان این چهار ماه ۲۰۰،۰۰۰ روپیه از دست دادم و هنوز هم ۱۵۰،۰۰۰ روپیه از مردم قرضدارم. دولت پاکستان بسیار بی رحم بود. (انتقال‌دهنده سمینت، ولسوالی شیرزاد، ننگرهار، ۲۰۱۸)

نیروهای مخالف نیز در هر دو ولایت به عنوان دلال‌های مهم تجارتي عمل می‌کنند. اگرچه طالبان به طور غیر رسمی از تاجران و انتقال‌دهندگان مالیات می‌گیرند، اما در تأمین امنیت اضافی برای انتقال‌دهندگانی که در مناطق دور افتاده فعالیت می‌کنند، اغلب نقش مهمی دارند.

من هفته یک یا دو بار با موتر به دک می روم و طالبان را در آنجا می بینم، اما آنها برای مردم عادی مشکل ایجاد نمی کنند و با جلوگیری از دزدی و تأمین امنیت به مردم کمک می کنند. (انتقال دهنده و قاچاق بر انسان، شهر زرنج، نیمروز، ۲۰۱۹)

با این حال، بسیاری از تاجران در ننگرهار، از فرهنگ ترس سخن گفتند که توسط طالبان و سایر گروه های مسلح غیر دولتی فعال در مناطق شان، ایجاد شده است. تاجران در ولسوالی غنی خیل ننگرهار گفتند توسط سه گروه مسلح مختلف که در این منطقه فعالیت می کنند آزار و اذیت می شوند و در صورت امتناع از پرداخت پول به آنها، اغلب به قتل و آدم ربایی تهدید می شوند:

از شماره تلفن های مختلف تماس دریافت می کنم و از من درخواست پول می کنند، اما نمی دانم که آنها طالبان هستند یا

دزد. من هنوز هیچ پولی به آنها پرداخت نکرده ام، اما می ترسم که توسط طالبان کشته شوم... پولیس محلی نیز بعضی اوقات به دوکان من می آیند و غذا و پول درخواست می کنند، و من ۳,۰۰۰ تا ۴,۰۰۰ به آنها پول می دهم. من نمی دانم به چه کسی شکایت کنم چون کارمندان دولت و طالبان هر دو دزد هستند [...] امنیت در بدترین حالت قرار دارد، هر تاجر برای محافظت از خود و اموال خود نگرهبان مسلح دارد. (تاجر، غنی خیل، ننگرهار، ۲۰۱۸)

منی دانیم برای کدام طرف پول بپردازیم. وضعیت بدی است و ما دشمن را از دوست تشخیص نمی دهیم. ما اول شام به خانه می رویم، حتی در خانه های مان نیز مصئون نیستیم و شبها از خانه های خود محافظت می کنیم. (تاجر، غنی خیل، ننگرهار، ۲۰۱۸)

محل نگهداری کالاهای ترانزیت در ننگرهار، افغانستان.
عکس توسط سازمان تحقیقات و انکشاف پایدار.



۳. افزایش جریان تجارت بر مردم ساکن در رونق شهرهای سرحدی، تاثیرات مثبت و منفی گذاشته است

رونق شهرها محل فرصت، سرمایه گذاری و رشد سریع است

زرنج، مرکز ولایت نیمروز، پس از سقوط طالبان در سال ۲۰۰۱ به عنوان چنین رونق شهری ظهور کرد. در دو دهه گذشته، پروسه های انباشت سریع سرمایه مرتبط با تجارت قانونی و غیر قانونی، سرمایه گذاری های قابل توجهی در بخش مسکن و خدمات عمومی در این شهر به بار آورده است.

کل ولایت همچنین از افزایش پیوندهای تجاری بین هند، ایران و افغانستان بهره مند شده است، چیزی که منجر به سرمایه گذاری بیشتر داخلی و بین المللی در بخش جاده ها و سایر زیربنای در این منطقه شده است.

رونق شهر (boomtown) های سرحدی در مناطقی سرحدی پدیدار می شوند که محل تلاقی جریان تجارت است. این مکان ها با نوید فرصت های جدید، سود بادآورده و درآمدهای مالیاتی، تاجران، مهاجران، مقامات دولتی و سرمایه گذاران را جذب می کند.

بخت این شهرها با توجه به تعدادی از عوامل، از جمله تغییر در بستر ژئوپلیتیکی منطقه ای، تغییر در قیمت ها و موجودیت کالاها، تلاش برای تنظیم تجارت و منازعه، صعود یا نزول می کند.

رونق شهرها غالباً با یک شهر «دوقلو» در سوی دیگر سرحد پیوند دارد که دارای رابطه هم افزا و تقویت کننده همدیگر است: به عنوان مثال جلال آباد - پيشاور در سرحد افغانستان و پاکستان در ننگرهار و زرنج - چابهار که در دو سوی سرحد نیمروز ایران و افغانستان قرار دارد.

تغییرات مثبت زیادی در زندگی مردم ایجاد شده و آنها تحصیل کرده تر شده اند [از سال ۲۰۰۱ به بعد]. زندگی من نیز تغییر کرده است، دخترم معلم است و معاش دریافت می کند، من هم معاش می گیرم [...] ما در حال حاضر به امکاناتی از جمله تلفن، اینترنت و تلویزیون دسترسی داریم، همیشه از آنها استفاده می کنیم و در باره آنچه در جهان اتفاق می افتد آگاه می شویم و این یک تغییر مثبت در زندگی ما است. (مدیر معارف، ولسوالی کنگ، نیمروز، ۲۰۱۹)

با عمیق تر شدن پیوندهای تجاری منطقه‌یی در نیمروز، درآمد حاصل از مواد مخدر غیر قانونی در دوره پس از ۲۰۰۱ نیز به سرمایه گذاری خصوصی کمک کرده است و در نتیجه فرصت‌های اقتصادی و اجتماعی گسترش یافته است.

ساکنان شهر زرنج ثروتمندتر شده اند به خاطر آنکه بعضی از آنها درگیر مواد مخدر هستند، بعضی در شهر دوکان باز کرده اند و برخی در دولت کار می کنند. [...] در زمان حکومت کززی، فروشات من بالا رفت چون برنامه‌های انکشافی بیشتر بود، ساخت و ساز بود و مردم از دوکان من مواد برقی بیشتری می خریدند. من سود خوبی کسب کردم که زندگی من را بهتر کرد و تجارت و سرمایه گذاری خود را توسعه دادم. (برقی و تاجر، ولسوالی کنگ، نیمروز، ۲۰۱۹)

رشد رونق شهرهای سرحدی هزینه‌ها و آسیب‌هایی به همراه داشته است

توسعه سریع این شهرها آسیب‌های قابل توجهی برای افراد ساکن در منطقه و کل اقتصاد در پی داشته است. رونق شهرها ممکن است مکان‌های فاقد قانون و ناامن باشند، جایی که کنترل تجارت به دسترسی به ابزار خشونت وابسته است. در نیمروز، طبقه جدیدی از نخبگان که از جریان تجارت سود می برند، به تدریج قدرتمند شده اند، که با فسادهای بزرگ، تصرف زمین و افزایش نابرابری همراه است.

ثروتمندان در ولایت نیمروز در شهر زرنج زندگی می کنند و اکثر این افراد قومندانان جهادی، مقامات دولتی، صاحبخانه‌ها و تاجر مواد مخدر هستند. (مدیر معارف، ولسوالی کنگ، نیمروز، ۲۰۱۹)

ارزش زمین در شهر زرنج افزایش یافته است زیرا شهر نقشه برداری شده و مقامات دولتی که زمین‌ها را غصب کرده اند آن را به قیمت‌های بالا فروخته اند [...] تاجران مواد مخدر و مقامات دولتی که در این تجارت شریک اند نیز ثروتمند شده اند اما افراد فقیر هر روز فقیرتر می شوند. (قومندان ملیشه سابق، شهر زرنج، نیمروز، ۲۰۱۹)

در حالی که نیمروز ده‌ها سال است که مرکز قاچاق مواد مخدر تولید شده در سایر ولایت‌های جنوبی افغانستان (به کشور همسایه ایران) است، قاچاق مردم در طی یک دهه اخیر بسیار رشد کرده است که سبب جلب انواع جدیدی از شبکه‌های قاچاق از خارج این ولایت شده است.

تورخم در ولایت ننگرهار، ده‌ها سال است که شهرک سرحدی مهمی بوده و ثروت آن با اقتصاد همسایه آن پشاور پیوند نزدیک دارد. تجارت منبع تغذیه اقتصاد محلی بوده است - که درآمدهای دولت را تقویت کرده، منبع سرمایه گذاری و حمایت از معیشت و رفاه مردم سرزمین سرحدی را تامین کرده است.

اما مزایا به طور برابر توزیع نمی شود. درست همانطوری که یک گروه نخبه کوچک از رونق تجارت در نیمروز سود برده است، در ننگرهار نیز تعداد معدودی از بازیگران سیاسی پرنفوذ از قراردادهای مرتبط با خط لجستیک نظامی که نیازمندی‌های نیروهای ناتو را از مسیر تورخم تامین می کنند، سود بردند. علاوه بر این، تجارت‌های کوچک قانونی و غیر قانونی با میزان بالای خشونت، شرایط نامناسب کاری و رویه‌های استثمارگرانه کاری همراه است.

در حالی که ظهور رونق شهرهای سرحدی می تواند مزایای اقتصادی برای ساکنان ایجاد کند، ثروت به دست آمده از طریق تجارت غالباً گذرا و موقتی است، زیرا بسیاری از نخبگان سود به دست آمده را در شهرهای پایتخت یا خارج از کشور سرمایه گذاری می کنند.

به علاوه، آسیب‌های ناشی از زندگی در رونق شهرهای سرحدی ممکن است در طولانی مدت با تضعیف مشروعیت دولتی، هزینه بالایی به بار آورد و باعث حمایت بیشتر از نیروهای مخالف گردد. به نظر می رسد جوامع سرحدی در نیمروز از افزایش سرمایه گذاری و زیربناها از سوی دولت مرکزی راضی بودند. با این حال، آنها در مورد آنچه که نخبگان فاسد تلقی می کنند و نیز نابرابری فزاینده در سطح ولایت، نظر مثبت ندارند.

انتظارات ما از دولت مرکزی تغییر کرده است ... از زمانی که او [رئیس جمهور غنی] برای ساخت بند کمال خان برنامه ریزی کرد، ساکنان نیمروز بسیار خوشحال اند [...] ما انتظار زیادی از حکومت ولایتی نداریم زیرا همه آنها فاسد اند و اولویت آنها منافع خودشان است. (تاجر، شهر زرنج، نیمروز، ۲۰۱۹)

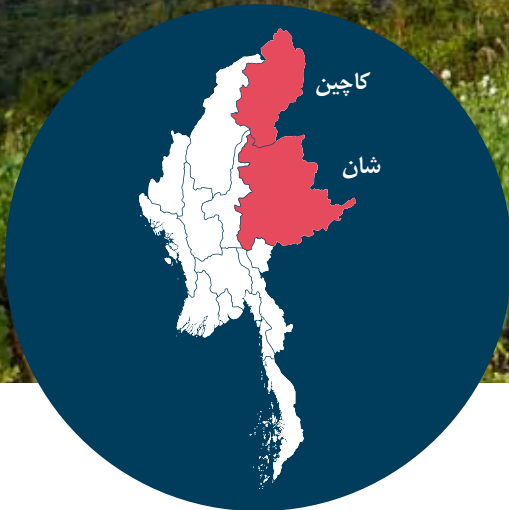
یکی از دلایل افزایش شورش طالبان، فساد در دولت است ... آنها درگیر رشوه خواری هستند و در همه چیز دخالت می کنند [...] این کار مردم فقیر را ناراضی می سازد و باعث رشد شورش گری طالبان شد. (انتقال دهنده و قاچاق بر انسان، شهر زرنج، نیمروز، ۲۰۱۹)

میانمار

۵۵ پس از آتش بس، شرکت جهانی آسیا وارد منطقه شد، بعد ساخت و ساز جاده شروع شد، سپس چوب‌بری در منطقه آغاز شد. وقتی جمعیت منطقه بیشتر شد، هروئین شروع به آمدن کرد. بعد، جوانان محلی شروع کردند به استفاده از انواع مختلفی از مواد مخدر. بسیاری از جوانان شروع به مصرف هروئین کردند.

پیرمرد ساکن محل، چیپوی، شمال شرق ایالت کاجین، ۲۰۱۸





مزرعه کونکار در قریه تامو خانگ، شهر چیپوی، ایالت کاجین، میانمار. عکس توسط KRC.

در باره سرزمین‌های سرحدی

به رغم تلاش‌های مختلف در مذاکرات صلح، از جمله تلاش‌های فعلی برای دستیابی به توافق آتش بس سراسری، درگیری‌های خشونت آمیز تا به امروز ادامه داشته است. با این حال، نارضایتی‌های مهم سیاسی تا حد زیادی حل نشده باقی مانده است و دوره‌هایی از ثبات شکننده اغلب جای خود را به چرخه‌های جدید خشونت و بی اعتمادی داده است.

روند فعلی صلح در میانمار در صدد تعقیب ترتیبات آتش بسی است که در اواخر دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ با سازمان‌های مسلح مختلف قومی توافق شده بود. این آتش بس‌ها تا حدی به این هدف طراحی شده اند که سرزمین‌های سرحدی کشور - به ویژه مناطق هم سرحد با چین و تایلند - به گونه بهتر در اقتصاد ملی ادغام شوند.

نخبگان سیاسی و تجارتي در میانمار و سراسر جنوب شرق آسیا این سرزمین‌های جنگ‌زده سرحدی را به عنوان «مناطق بی استفاده» غنی از منابع، دست‌نخورده و مناسب استخراج منابع در مقیاس بزرگ، تجارت و دهلیزهای زیربنایی ترسیم کردند. گفتمان‌های انکشاف ملی، منازعه مسلحانه را نتیجه انکشاف نیافتگی می دانند و ادعا می کنند انکشاف باعث ایجاد صلح خواهد شد.

با این حال، رویکرد از بالا به پایین به انکشاف سرزمین‌های سرحدی منجر به سرمایه گذاری‌های تجارتي غارتگرانه، رویه‌های مخرب زیست محیطی و اجتماعی و دور جدیدی از نظامی گری شده است که ثروت و قدرت را منحصر در اختیار یک گروه محدود از نخبگان نظامی و تجاری قرار داده است.

میانمار بزرگ‌ترین کشور در سرزمین اصلی (mainland) جنوب شرق آسیا با جمعیتی حدود ۵۳ میلیون نفر است. این کشور با بنگلادش، هند، جمهوری خلق چین (شامل تبت)، لائوس و تایلند سرحدات وسیع مشترک دارد. اگرچه این کشور دارای منابع طبیعی گسترده ای است، اما اکثر مردم به شدت فقیر اند. این کشور در رده بندی شاخص انکشاف بشری از میان ۱۸۸ کشور در رده ۱۴۵ قرار گرفته است - اما سطح زندگی در مراکز شهری مدرن مرفه با مناطق فقیر روستایی تفاوت قابل ملاحظه ای دارد.

میانمار - که در گذشته برمه نامیده می شد - با تنوع قومی اش شناخته می شود، گرچه گروه قومی بامر، بزرگترین گروه جمعیتی این کشور، اکثریت را تشکیل می‌دهد. از زمان استقلال آن از حاکمیت استعماری انگلیس در سال ۱۹۴۸، رژیم‌های پی در پی تلاش کرده اند کنترل یکپارچه ای بر کشور داشته باشند. درگیری بر سر هویت قومی و همچنین ایدئولوژی سیاسی ویژگی‌های اصلی تاریخ پس از استعمار میانمار است.

به رغم تلاش‌های مختلف در مذاکرات صلح، از جمله تلاش‌های فعلی برای دستیابی به توافق آتش بس سراسری، درگیری‌های خشونت آمیز تا به امروز ادامه داشته است.

این پروژه در ایالت کاجین در شمال و ایالت شان در شمال شرقی کشور متمرکز است. نخبگان هر دو ایالت جزو امضا کنندگان سند قبل از استقلال موسوم به توافق نامه پانگونگ بودند. هدف این توافقنامه ایجاد یک سیستم سیاسی فدرال با میزان قابل توجهی از خودمختاری محلی بود. این آرزوها پس از استقلال فراموش شد و هر دو منطقه گرفتار درگیری مسلحانه بین سازمان‌های مسلح مختلف قومی و دولت ملی شدند.

مناطق مرتفع کاپچین و شان برای کشت کوکنار کاملاً مناسب است. کوکنار امنیت معیشتی مناطق فقیرنشین روستایی را تامین کرده است اما به رکن مالی تداوم درگیری‌های مسلحانه نیز تبدیل شده است.

تا به امروز، چشم انداز روشنی در باره چگونگی «انکشاف» این مناطق در آینده وجود ندارد و از بسیاری جهات این دور از «انتقال» نیز شاهد عقب‌گرد و برگشت قابل توجهی بوده است. این وضعیت در شرایطی رخ می‌دهد که یک سیستم سیاسی شبه دموکراتیک در سال ۲۰۱۰ شکل گرفت، روند رسمی صلح در سال ۲۰۱۱ آغاز شد و آنگ سان سو چی در انتخابات سال ۲۰۱۵ پیروز شد.

عوامل متعددی زمینه‌ساز تداوم درگیری‌های خشونت آمیز در میانمار است. در ایالت‌های کاپچین و شان، سازمان‌های مسلح می‌توانند از بیشتر روستاها نفر استخدام کنند - گاهی با زور اما اغلب به دلیل احساس تعهد نسبت به یک مبارزه مشترک ملی‌گرایی قومی. این گروه‌ها همچنین از فقدان نسبی امکانات «نابودی از راه دور» که ارتش ملی را قادر به کنترل (جاده‌ها، خط آهن و غیره) می‌سازد و نیز از نزدیکی به سرحدات و شبکه‌های اقتصادی و سیاسی فرامرزی سود می‌برند.

علاوه بر این، مناطق مرتفع کاپچین و شان برای کشت کوکنار کاملاً مناسب است. کوکنار امنیت معیشتی مناطق فقیرنشین روستایی را تامین کرده است اما به رکن مالی تداوم درگیری‌های مسلحانه نیز تبدیل شده است.

در دهه‌های اخیر، رابطه بین مواد مخدر و منازعه پیچیده تر شده است. این موضوع از حد کشت تریاک فراتر رفته و به تولید و عرضه دیگر مواد مخدر، مانند مت‌آمفتامین رسیده است. جوامع محلی جزو آسیب پذیرترین گروه‌ها در برابر مضرات ناشی از تغییر الگوهای مصرف مواد مخدر است، از جمله افزایش میزان تزریق هیروئین و مصرف مت‌آمفتامین.

جوامع محلی جزو آسیب پذیرترین گروه‌ها در برابر مضرات ناشی از تغییر الگوهای مصرف مواد مخدر است، از جمله افزایش میزان تزریق هیروئین و مصرف مت‌آمفتامین.

موضوع متناقض و مهم این است که بسیاری معتقدند آسیب‌های ناشی از مواد مخدر نتیجه توافقات آتش بس ناکام و به لحاظ سیاسی غیرصادقانه و افزایش حضور دولت است، نه معلول درگیری‌های مسلحانه. به گفته آنها، پالیسی‌های سیاسی و اقتصادی ملی به جای اطمینان از انکشاف فراگیر و پایدار، بر آرام ساختن جمعیت ناراضی محلی متمرکز شده است. البته بسیاری از افراد در سطح ملی این مساله را زیر سوال می‌برند.



سرنج‌های استفاده شده در ایالت شمالی شان. عکس توسط شان.

صرف نظر از این که این دیدگاه‌ها «صحیح» اند یا «غلط»، آنها به روایات قوی تبیین‌کننده‌ای بدل شده‌اند که سزاوار بررسی و فهم است. این یکی از اهداف تحقیق ما و گزارش صداهایی از سرزمین‌های سرحدی، است.

ایالت شان

ایالت شان بزرگ‌ترین بخش اداری از ۱۴ واحد اداری میانمار است که تقریباً یک چهارم کشور را در بر می‌گیرد. بخش اعظمی از ۶۰,۰۰۰ مایل مربع مساحت آن شامل تپه‌های شیب‌دار پوشیده از جنگل و دره‌های عمیق با چند دشت مرتفع موسوم به ارتفاعات شان است. ایالت شان دارای سرحدات طولانی بین‌المللی با چین و تایلند و یک سرحد کوتاه با لاوس است. جمعیت تخمیناً شش میلیونی آن از قومیت‌ها و زبان‌های مختلف است.

این جمعیت متنوع در ۵۵ شهرک، تقریباً ۱۶,۰۰۰ روستا و تعدادی از شهرهای کوچک پراکنده است - تانگی در جنوب، لاشیو در شمال و کینگتانگ در شرق. با این حال، اکثریت قریب به اتفاق مردم در مناطق روستایی زندگی می‌کنند و زراعت اصلی ترین منبع تامین معیشت است. پس از چندین دهه درگیری مسلحانه و سرمایه گذاری ناکافی در خدمات اساسی و زیربنای، ایالت شان همچنان فقیر است و بسیاری از خانواده‌های روستایی از ناامنی غذایی رنج می‌برند.



های «آتش بس»، جمعیت‌های سرحدی همچنان در معرض اشکال مختلف خشونت قرار داشته است، خشونت ناشی از درگیری‌های دوامدار محلی، نظامی‌گرایی و سلب حق مالکیت.

از دهه ۱۹۹۰ بدینسو، ایالت شمالی شان به مهمترین دهلیز تجارت زمینی میانمار تبدیل شده که ماندلی را به سرحد چین وصل می‌کند.

دولت مرکزی اشکالی از کنترل نظامی و مستقیم را بر مناطق خاصی از ایالت شان که دارای اهمیت استراتژیک و اقتصادی است، به ویژه گذرگاه‌های مهم سرحدی و سایت‌های پروژه‌های عمرانی بزرگ، اعمال کرده است. در مناطق دیگر، دولت به رویکرد غیرمستقیم تر در مورد حکمرانی بر سرزمین‌های سرحدی متوسل شده است، از جمله مذاکره برای آتش بس و ایجاد شبه نظامیان تحت حمایت ارتش. این امر بافت‌های مختلف قدرت را به وجود آورده است که توسط مجموعه‌های گوناگونی از بازیگران، منافع و شبکه‌های سیاسی و اقتصادی - محلی، ملی و بین‌المللی - شکل گرفته است.

از دهه ۱۹۹۰ بدینسو، ایالت شمالی شان به مهمترین دهلیز تجارت زمینی میانمار تبدیل شده که ماندلی را به سرحد چین وصل می‌کند. چوب‌بری، استخراج معادن، فعالیت‌های زراعتی (اعطای زمین‌های بزرگ عمدتاً برای کشت جواری، کائوچو و میوه است)، بندهای برق آبی و سایر پروژه‌های زیربنایی مانند خطوط لوله نفت و گاز که منطقه یونان در چین را با بنادر دریایی آب‌های عمیق در ساحل غربی میانمار وصل می‌کند، عواید بزرگی خلق کرده است.

در دوران پیش از استعمار، این منطقه از چندین امیرنشین خودگردان تشکیل شده بود، که تحت حاکمیت غیرمستقیم نظام استعماری قرار داشت و بریتانیا از طریق آن بر منطقه حکومت می‌کرد.

در طی دهه ۱۹۵۰، دولت تازه استقلال یافته میانمار این ساختارهای قدرتمند محلی دیرین را به عنوان بخشی از تلاش‌های این دولت برای تحکیم و متمرکز کردن کنترل، از بین برد، اما نتوانست نهادهای کارآمد را برای جایگزینی سیستم‌هایی که از بین برده بود، ایجاد کند. نارضایتی‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی با نظامی‌گری بی‌محابای قوم بامر تشدید شد که در نتیجه سبب تضعیف بیشتر مشروعیت دولت مرکزی شد.

مقاومت مسلحانه ای که در اواخر دهه ۱۹۵۰ آغاز شده بود، پس از تاسیس یک دولت اقتدارگرا در نتیجه کودتای نظامی جنرال نی وین در سال ۱۹۶۲، به سرعت رشد کرد. درگیری مسلحانه در سراسر ایالت شان با حضور چندین گروه مسلح مختلف و تنوع خطوط تقابل، به چند پارچه تقسیم شد. اقتصاد تریاک منطقه برای بسیاری از گروه‌های مسلح منبع مهمی برای تأمین مالی شد.

در دهه‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰، چند توافق‌نامه آتش بس، که اغلب شامل توافقات غیررسمی در مورد تجارت مواد مخدر بود، ثبات شکننده ای را در بخش اعظم مناطق شمالی و شرقی ایالت شان ایجاد کرد. در مقابل، مناطق بزرگی از بخش‌های جنوبی و مرکزی ایالت شان شاهد کارزارهای خشونت آمیز ضد شورش بودند.

در سال‌های اخیر، این دینامیک برعکس شده است: بخش شمالی ایالت شان شاهد فوران موج جدید خشونت بوده است، در حالی که بزرگ‌ترین گروه مسلح در بخش جنوبی این ایالت توافق‌نامه آتش بس سراسری را با حکومت امضا کرده است. با وجود این، حتی در دوره

بسیاری از این طرح‌ها بخشی از ابتکارات کلان تر برای تعمیق ادغام اقتصادی بین چین و جنوب شرق آسیا است. دهلیز اقتصادی چین و میانمار که بخش مهمی از طرح کمربند و جاده چین را تشکیل می‌دهد، مسیری مشابه با خطوط لوله یاد شده را دنبال می‌کند. این طرح‌های انکشافی بلندپروازانه در مناطقی طرح ریزی می‌شود که دچار درگیری مسلحانه حل نشده است.

درآمدهای هنگفتی نیز از تجارت مواد مخدر به دست می‌آید. ایالت شان بیش از ۹۰ درصد تریاک میانمار را تولید می‌کند، که عمدتاً در مناطق مرتفع شیب‌دار کشت می‌شود و منبع معیشت مهمی را برای حدود ۲۰۰,۰۰۰-۳۰۰,۰۰۰ خانوار فراهم می‌کند. بخش اعظم این تریاک در داخل سرحدات میانمار به مورفین خام یا هروئین تبدیل می‌شود و سپس به چین ارسال می‌شود. به دنبال افزایش مصرف هروئین در دهه ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰، چین به بازار اصلی تریاک میانمار تبدیل شد.

طی چند دهه گذشته، ایالت شان به یکی از بزرگترین تولید کنندگان قرص‌های متامفتامین در جهان تبدیل شد که در اصطلاح عامیانه «یاما» یا «یابا» گفته می‌شود و اخیراً به نام کریستال مت یا «یخ» شناخته می‌شود. رشد تولید متامفتامین در میانمار با افزایش تولید و مصرف مواد مخدر در کشور همسایه تایلند ارتباط نزدیک دارد. در سال ۲۰۰۳، نخست وزیر تایلند، تاکسین شیناواترا علیه مواد مخدر اعلام جنگ کرد، که انگیزه بیشتری برای انتقال تولید به آن سوی سرحد در میانمار فراهم کرد.

همانطور که در گواهی افراد ذیل نشان داده شده است، بسیاری از ساکنان ایالت شان بر این باور اند که مصرف مواد مخدر و مشکلات اجتماعی ناشی از آن در جامعه در حال رشد است و روند صلح فعلی را به حیث فرصتی برای آغاز رسیدگی به این مسائل می‌دانند. با این حال، جا افتادگی مواد مخدر در اقتصاد ایالت شان و ساختارهای قدرت آن باعث می‌شود این مسئله به آسانی حل نشود.

ایالت کاپچین

ایالت کاپچین شمالی‌ترین ایالت میانمار است و با یونان و منطقه خودمختار تبت چین و نیز ایالت‌های شمال شرقی آسام و اروناچال پرادش هند سرحد مشترک دارد. براساس اطلاعات سرشماری سال ۲۰۱۴، ایالت کاپچین حدود ۱,۷ میلیون نفر جمعیت دارد.

با این حال، سرشماری یک رویه بحث برانگیز بود و مناطق بزرگی از این ایالت، که هنوز تحت کنترل دولت میانمار نیست، از سرشماری حذف شد. همه کسانی که در ایالت کاپچین زندگی می‌کنند به عنوان کاپچینی شناخته نمی‌شوند و این منطقه طی سال‌های اخیر مهاجرت گسترده‌ای از دیگر بخش‌های میانمار را تجربه کرده است. این ایالت از نظر قومی، زبانی و فرهنگی بسیار متنوع است، اگرچه گروهی که به عنوان کاپچینی شناخته می‌شوند مدعی اند این منطقه میهن اجدادی آنها است.

بر اساس شاخص فقر چند بُعدی بانک جهانی، پایتخت ایالت کاپچین، مییتکینا، حتی در مقایسه با سایر مراکز مهم شهری در سراسر کشور، نسبتاً مرفه است. در همین حال، مناطق روستایی، به ویژه در شمال دور

کشور، بسیار محروم اند. رونق نسبی مییتکینا تا حدی نتیجه موقعیت استراتژیک آن در شمال غربی ترین نقطه رودخانه ایراوادای و پیوند آن با مسیرهای تجارتي تاریخی فرا منطقه‌ای - از چین و تایلند در شرق و هند در غرب - و ورود مشاغل از برمه پایین، چین و جاهای دیگر است.

انکشاف نیافتگی منطقه مربوط به حاشیه‌نشینی آن از مرکز سیاسی است.

با این حال، گستره رشد اقتصادی در حوالی مییتکینا بسیار محدود است: زیربنای خط آهن در مییتکینا متوقف می‌شود و جاده‌هایی که به سمت شمال و غرب کشیده است در چند مایلی خارج از شهر بی کیفیت می‌شود یا اصلاً وجود ندارد. از همه مهم‌تر، صنایع کوچک و متوسط محلی تقریباً هیچ وجود ندارد. این امر علی‌رغم ثروت طبیعی منطقه، از جمله جنگل‌های وسیع است که برای استخراج چوب چارتراش، یشم، طلا و سایر فلزات گرانبها بهره برداری می‌شود.

انکشاف نیافتگی منطقه مربوط به حاشیه‌نشینی آن از مرکز سیاسی است. درگیری‌های مسلحانه هم علت و هم معلول این حاشیه‌نشینی بوده است. چالش‌های اساسی در برابر مشروعیت دولت میانمار با تأسیس ارتش استقلال کاپچین (KIA) در سال ۱۹۶۱ آغاز شد. با فرا رسیدن سال ۱۹۶۳، این منطقه درگیر شورش گسترده ای بود. درگیری برای ۳۰ سال بعدی تقریباً به صورت مستمر ادامه یافت، با وقفه‌های گهگاهی، وقتی که تلاش برای توافق سیاسی ناکام می‌ماند.

تا دهه ۱۹۸۰، جدی‌ترین درگیری‌ها مربوط به منازعه سه ضلعی میان ارتش میانمار، حزب کمونیست برمه (CPB) تحت حمایت گسترده چین، و KIA بود. در حواشی ساحات تحت کنترل KIA، سازمان‌های مسلح قومی دیگری و نیز گروه‌های شبه نظامی همچون ارتش دموکراتیک جدید - کاپچین (NDA-K) ظهور کرد. بسیاری از این سازمان‌های مسلح در اقتصاد تریاک منطقه دخیل بوده اند، اگرچه KIA بعداً در تلاش برای کسب پشتیبانی بین‌المللی، به سرکوب کشت کوکنار دست زد.

در سال ۱۹۹۴، سازمان استقلال کاپچین (KIO) (که KIA جناح نظامی آن را تشکیل می‌دهد) و ارتش میانمار توافق آتش بس امضا کردند. این توافقنامه به ۱۷ سال صلح مسلحانه انجامید و امیدواری گسترده‌ای را برای آینده بهتر ایجاد کرد. این توافقنامه همچنین سبب افزایش چشمگیر چوب‌بری و استخراج معادن شد، که باعث تخریب وسیع محیط زیست، و تحولات بزرگ در کسب و کار زراعتی (به خصوص مزارع کائوچو و کیله) شد، تحولاتی که متکی به سلب حق مالکیت روستائیان محلی بر زمین شان بود.



کارمندان معدن چیدی در حال تزریق هیروئین در فاکانت، ایالت کاپین، میانمار.
عکس توسط KRC.

بیشتر تحقیقات انجام شده توسط این تیم با مردمانی بوده است که خودشان را با هویت شان و کاپین معرفی کرده اند. اگرچه بخشی از مصاحبه‌ها با جمعیت غیر شان / کاپین و کسانی که به زبان شان / کاپین صحبت نمی‌کنند، انجام شده است، اما لازم است تأکید شود که تحقیقات ارائه شده در این گزارش عمدتاً بر دریافت دیدگاه‌های جمعیت‌های شان و کاپین در این محدوده وسیع سرزمینی، متمرکز است. با این حال، با توجه به اینکه تحقیقات اندکی در مورد این موضوعات از این منظر انجام شده است، این تحقیق سهم قابل توجهی در تولید دانش در این زمینه دارد.

تحقیقات ساحوی در درجه اول روی مصاحبه با افرادی متمرکز است که خود را با عنوان خاصی معرفی نمی‌کنند و توسط دیگران به حیث نخبگان سیاسی، غیرنظامی یا نظامی، شناخته نمی‌شوند. برخی از پاسخ دهندگان ممکن است نقش‌هایی داشته باشند که آشکارا سیاسی است یا در مواردی ممکن است نقش آنها متضمن اختیارات محدود سیاسی محلی باشد. اما این تحقیق در هر صورت دیدگاه‌های مهم محلی را در مورد انواع «صلح» و «انکشاف» که در واقع در سرزمین‌های سرحدی کشور رخ می‌دهد و چگونگی نفوذ مواد مخدر در زندگی روزمره مردم، ارائه می‌کند.

طیف وسیعی از دیدگاه‌های مهم از این تحقیق قابل اقتباس است که ما نمی‌توانیم در فضای موجود در این گزارش پوشش بدهیم. در عوض، ما روی برجسته کردن دیدگاه‌هایی تمرکز کرده ایم که مکرراً در مصاحبه‌ها مطرح می‌شود، در ورکشاپ‌های تعقیبی با شرکت کنندگان تحقیق و مخاطبان محلی به وضوح بازتاب می‌یابد، و تیم تحقیقاتی آن را در تعامل با مخاطبین بیشتر در زمینه مواد مخدر در میانمار، مهم می‌دانند.

علاوه بر این، بسیاری از ساکنان بر این باورند که آتش بس منجر به افزایش مضرات ناشی از مصرف مواد مخدر شد. این مسایل به تبیین موضوع بازگشت KIO در سال ۲۰۱۱ به جنگ علیه ارتش میانمار که هر روز جسورتر می‌شد، کمک می‌کند. این زمانی بود که ساکنان دیگر نقاط کشور به گذار سیاسی ملی چشم امید دوخته بودند. ایالت کاپین تا حد زیادی از فرصت‌های مرتبط، مانند افزایش جریان کمک‌ها به این کشور بعد از سال ۲۰۱۵، حذف شده بود، زیرا بازیگران بین‌المللی عمدتاً فقط با ادارات دولتی میانمار و از طریق آنها کار می‌کردند.

این وضعیت باعث شده است بیان خواسته‌های مردم کاپین در سطح ملی و بین‌المللی، به‌خصوص در رابطه با تجربیات شان در مورد مضرات مواد مخدر، با دشواری روبرو شود. این موضوعی است که ما امیدواریم از طریق این گزارش به رفع آن کمک کنیم.

یادداشتی در باب روش‌شناسی

پیام‌های کلیدی ذیل، از یافته‌های بیش از ۶۰۰ مصاحبه اقتباس شده است که توسط تیم تحقیقاتی در ایالت کاپین و شان در سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ انجام شده است.

هر دو ایالت شان و کاپین مناطقی دارای تنوع قومی و زبانی قابل توجه هستند. این پروژه، فراتر از تعریف ارضی «کاپین» و «شان»، با سازمان‌هایی کار می‌کند که خود را از قومیت کاپین و شان معرفی می‌کنند (خود این دو عنوان برجسب‌های هویتی پیچیده‌ای هستند). این امر بالطبع، در رابطه با اینکه تیم تحقیقاتی تا چه اندازه می‌تواند تحقیقاتی را انجام دهد که دینامیک زبانی و قومی این دو منطقه بسیار گسترده را مشترکاً پوشش دهد، فرصت‌ها و محدودیت‌هایی را ایجاد می‌کند.

۱. افزایش میزان آسیب مواد مخدر یک ویژگی تعیین کننده تجربه مردم مناطق سرحدی در ایالت های کاپین و شان از آتش بس و انکشاف اقتصادی است

مردم در ایالت شان نیز معتقدند بین آتش بس و رشد آشکار تولید مواد مخدر غیرقانونی و مصرف آن در منطقه، ارتباط وجود دارد. این مساله در توضیحات ذیل در باره چگونگی تغییر اوضاع در زمان آتش بس Pa-O در ایالت جنوبی شان، بازتاب یافته است.

در گذشته، چند مزرعه کوکنار در بعضی از روستاهای اطراف تاونجی، در پینلاونگ و شیشنگ وجود داشت. با این حال، توافق آتش به گروه‌های طرف آتش بس و شبه نظامی فرصت داد کنترل برخی مناطق را در دست بگیرد [...] از آنجایی که این مناطق تحت کنترل آنها است، مزارع کوکنار و مواد مخدر بدون هیچ محدودیتی مجاز دانسته شد. از آنجایی که به خاطر محصولات زراعتی و زمین از دهقان‌های محلی مالیه گرفته می شود، مردم ترجیح می‌دهند کوکنار کشت کنند زیرا در مقایسه با سایر محصولات معمولی می‌توانند سریعتر و بیشتر درآمد کسب کنند. بعد، مواد مخدر نیز شایع شد. (سیاستمدار محلی، تاونجی، ایالت شان، ۲۰۱۹)

استخراج معادن (برای طلا، کهربا، خاک کیمیا و سایر مواد معدنی)، چوب‌بری و کسب و کار زراعتی در مقیاس بزرگ از دهه ۱۹۹۰ به بعد در شمال میانمار گسترش یافت. ارتباط بین این اشکال انکشاف اقتصادی و تشدید آسیب‌های مواد مخدر در بسیاری از مصاحبه‌ها مطرح شد. نظرات مرد جوانی که در معادن کهربا در دانای کار می‌کند - دانای شهری سرشار از منابع و جنگ‌زده در بخش غربی ایالت کاپین است - این امر را به وضوح به تصویر می‌کشد.

در معادن کهربا، بسیاری از کارگران معدن از مواد مخدر استفاده می‌کردند. من شروع به استفاده از مواد مخدر کردم به خاطر این که ماهیت کار در معدن بسیار خسته کننده بود. وقتی مواد مخدر را استنشاق می‌کردم، بسیار پر انرژی می‌شدم. من از هروئین، یابا و مواد مشابه آن استفاده کردم. بستگی به مقدار پولی داشت که به دست می‌آوردم. با گذشت زمان، دیدم که کارگران معدن بیشتری به مواد مخدر معتاد می‌شوند. در اینجا بسیاری از مردم به دلیل مصرف مواد مخدر از بین رفتند. اینجا تهیه تریاک دشوار است. اما هروئین و یابا را به راحتی می‌توان یافت. بسیاری از کارگران معدن به دلیل ماهیت کار معدن، زندگی شان را خراب کردند. (کارگر معدن، شهرک دانای، ایالت کاپین، ۲۰۱۸)

پیوند بین مواد مخدر و صنایع استخراجی چیزی جدید نیست: استفاده نادرست از مواد مخدر مدت‌هاست که در معادن بدنام یشم در پاکانت ایالت کاپین وجود داشته است. با این حال، طی چند دهه گذشته، به دلیل ثبات ناشی از آتش بس و باز شدن کشور به روی تجارت و سرمایه گذاری، صنایع استخراجی در ایالت کاپین به طور چشمگیری گسترش یافت.

پالیسی‌سازها غالباً معتقدند که کلید مقابله با اقتصادهای مواد مخدر غیرقانونی در کاهش سطح درگیری های مسلحانه، تقویت دولت و ادغام اقتصادی و سیاسی مناطق حاشیه‌ای نهفته است. این نوع پالیسی بر این ایده استوار است که صلح‌سازی، دولت‌سازی، انکشاف اقتصادی و استراتژی‌های مبارزه با مواد مخدر همدیگر را تقویت می‌کند. با این حال، دیدگاه‌های جمعیت سرحدی در میانمار این فرضیات را اغلب به چالش می‌کشد.

اگرچه توافق نامه‌های آتش بس به کاهش میزان درگیری مسلحانه تمام عیار در بسیاری از مناطق کمک کرد، همین توافق نامه‌ها مردم را در معرض «خشونت آهسته» سوء استفاده از مواد مخدر گذاشت. در حقیقت، مردم سراسر کاپین و شان ابراز نگرانی می‌کنند که بعد از توافق آتش بس و انکشاف اقتصادی مرتبط به آن، آسیب‌های ناشی از مواد مخدر افزایش یافته است. این موضوع در گفتار دو پیرمرد بازتاب یافته است. این دو مرد توصیف می‌کنند که چگونه زادگاه‌شان چپیوی، واقع در شمال شرقی ایالت کاپین، پس از امضای آتش بس KIA در سال ۱۹۹۴، تغییر کرد.

وقتی در سال ۱۹۷۳ در چپیوی ساکن شدم، شنیدم که تریاک وجود دارد اما هرگز آن را با چشمان خود ندیده بودم. آن زمان با معتادان مواد مخدر برخورد نکرده بودم. من در مورد هروئین و یابا در این منطقه چیزی نشنیده بودم. پس از آتش بس، شرکت جهانی آسیا وارد منطقه شد، بعد ساخت و ساز جاده شروع شد، سپس چوب‌بری در منطقه آغاز شد. وقتی جمعیت منطقه بیشتر شد، هروئین شروع به آمدن کرد. بعد، جوانان محلی شروع کردند به استفاده از انواع مختلفی از مواد مخدر. بسیاری از جوانان شروع به مصرف هروئین کردند. بسیاری از جوانان به خاطر مواد مخدر درگذشتند. (پیرمرد ساکن محل، چپیوی، شمال شرق ایالت کاپین، ۲۰۱۸)

بعد از زمان آتش بس، چینی ها وارد شدند، مردم می‌توانستند راحت گشت و گذار کنند و مواد مخدر به صورت سیل آسیا وارد شد. بله، آتش بس چیز خوبی بود اما از زمان آتش بس به بعد، مواد مخدر بیشتر شد. من این گونه می‌بینم. در گذشته، تریاک فقط برای افراد مسن بود. کاکای من به مدت ۵۰ سال از تریاک استفاده می‌کرد [...] اکنون جوانان مواد مخدر را به روش‌های مختلف استفاده می‌کنند - تزریق، استنشاق. همین شب گذشته مرد جوانی به دلیل اعتیاد به مواد مخدر در این روستا درگذشت. من قصد دارم به مراسم تشییع جنازه بروم. او تنها ۳۰ سال داشت. (پیرمرد ساکن محل، چپیوی، شمال شرق ایالت کاپین، ۲۰۱۸)



مرکز توانبخشی (ترک) مواد مخدر در فاکانت، ایالت کاجین، میانمار. عکس توسط KRC.

در حالی که مردم ایالت کاجین استفاده از هروئین را عامل اصلی نگرانی می دانند، اکثریت افرادی که در ایالت شان مصاحبه شده بودند، مت‌آفتمین (یابا) را به عنوان مهم‌ترین مسئله مواد مخدر در جوامع خود می دیدند. مردم می گویند یابا به مصرف‌کنندگان انرژی و انعطاف پذیری بیشتری می‌دهد تا برای ساعات طولانی در مشاغل خسته کننده کار کنند. بنابراین، استفاده از مت‌آفتمین عمیقاً در فرهنگ کاری در بخش‌های کار دستی و کم مهارت جا افتاده است، چنانچه در اظهارات خانمی که در سیپاو، واقع در شمال ایالت شان، مصاحبه شده است، انعکاس یافته است.

همسرم وقتی به سر کار می رود همیشه از مواد مخدر استفاده می کند. رئیس گفت اگر آنها [کارگران] از مواد مخدر استفاده کنند می‌توانند واقعاً سخت کار کنند. وقتی من برای فروش مالته رفته ام، دلان قرص‌ها را طوری می فروشند که انگار یک بازار عادی است. همه می‌توانند به راحتی آنها را بخرند. (دهقان، شهرک سیپاو، شمال ایالت شان، ۲۰۱۸)

افرادی که مواد مخدر می فروشند، کارگران روزمزد را هدف قرار می‌دهند، زیرا این کارگران درآمد قابل خرچ دارند. شماری از مصاحبه شونده‌گان همچنین اظهار داشتند که صاحبان کسب و کار در بخش معدن، چوب‌بری و کشت زراعتی استفاده از مواد مخدر را در بین کارکنان خود ترغیب و تسهیل می کنند تا کارگران بتوانند سخت‌تر و طولانی‌تر کار کنند. این موضوع در اظهارات یک کشیش مسیحی در مورد مصرف مواد مخدر در شهر کینگتنگ، شرق ایالت شان، نشان داده شده است.

گسترش صنایع استخراجی منجر به بهبود اتصال جاده‌ای، ظهور رونق شهرهای مختلف و افزایش گردش پول شد که به نوبه خود استفاده گسترده از مواد مخدر را تسهیل و تقویت کرد. یکی از ساکنان یک روستا در امتداد رودخانه ایرراوادی در شهرک مییتکینا مشاهدات خود از پیوند بین مواد مخدر و انکشاف را چنین بیان کرد.

در گذشته تعدادی از مصرف‌کنندگان مواد مخدر در این روستا وجود داشتند. اما وقتی دولت به کاسب کاران چینی اجازه داد در سواحل رودخانه در جستجوی طلا باشند، وضعیت بدتر شد. هر گونه خواستند مواد مخدر را پخش کردند. روستاییان را به عنوان کارگر روزانه استخدام می کردند. در آن زمان، دستمزد فقط ۵۰۰ کیات در روز بود. بعد از ده روز کار کردن، فقط می‌توانستیم ۵۰۰ کیات درآمد کسب کنیم. زیاد نبود ...

اما کسب و کار جدید طلا در هر ماه ۶۰,۰۰۰ کیات درآمد داشت [...] آنها در امتداد رودخانه با ماشین آلات کار می کردند. اگر آنها از ماشین های بزرگ استفاده نمی کردند، ما هنوز می‌توانستیم در مقیاس کوچک طلا را از طریق تغارشن شویی (sluicing) استخراج کنیم. اما آنها هر چیزی را که می‌توانستند با ماشین‌های شان کار کنند، بردند. تا سال ۲۰۰۶ در اینجا کار کردند و همه چیز را نابود کردند. آنها نه تنها محیط زیست و زمین را نابود کردند؛ جامعه روستایی را نیز ویران کردند [...] جوانان زیادی شروع به کار کردند و تریاک به صورت رایگان عرضه شد. (باشنده محلی، شهرک مییتکینا، ۲۰۱۸)

آنها محافظت کنند [...] از نظر من، تا زمانی که گروه های شبه نظامی وجود داشته باشند، مواد مخدر نمی توانند نابود شود. (باشنده تیچلیک، شرق ایالت شان، ۲۰۱۹)

یک مادر ۴۸ ساله نیز درباره چگونگی تأثیر مصرف مواد مخدر در روستای خود در شهرک لاشیو، منطقه تحت کنترل شبه نظامیان در شمال ایالت شان، سخن گفت.

گروه شبه نظامی همه چیز را در روستای ما کنترل می کند. افراد زیادی وجود دارند که از راه فروش مواد مخدر ثروتمند می شوند. بعضی ها آفتمین می فروشند و یک خانه بزرگ می سازند. من پنج پسر دارم. اکثر آنها به چین رفتند. پسری که ناتوان است در خانه مانده است. به خاطری که ما از معتاد شدن آنها می ترسیم، پسران من و بسیاری از روستاییان برای کار به کشور چین می روند. اگر در روستا بمانند، به مواد مخدر آلوده می شوند. دولت هرگز نمی آید افرادی را که مواد مخدر مصرف می کنند یا می فروشند، دستگیر کند. (دهقان، شهرک لاشیو، شمال ایالت شان، ۲۰۱۸)



سرنج های جمع آوری شده از یک سایت کاهش آسیب ها در فاکانت، میانمار. عکس توسط KRC.

این اظهارات مختصر به ما امکان می دهد تجارب روزمره مردم از انکشاف اقتصادی و اقتدار سیاسی در دهه های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ در زمان آتش بس را درست درک کنیم. این گفته ها تاکید می کند درک ما از موضوعات آتی باید دقیق و حساس باشد: شیوه های برداشت عموم مردم در ایالت های کاجین و شان از آتش بس، و چگونگی تاثیر این برداشتها بر گفتگوهای جامعه مدنی در باره راه حل های احتمالی مقابله با آسیب های مواد مخدر و موانع ممکن فراروی تحقق این تغییرات.

صاحبان مزارع کارگران را با پرداخت پول و یا با استخدام می کنند تا به محصولات زراعتی شان رسیدگی کنند. اگر این کار را نکنند، تنها تعداد اندکی از کارگران برای آنها کار خواهند کرد، و حجم کار پرورش محصولات به موقع تمام نخواهد شد. بنابراین، کاری که کارفرمایان انجام می دهند این است که یا با درون قوطی های نوشابه میندازند و با دادن نوشابه ها از کارگران پذیرایی می کنند. فعلا، کارگران جرات نمی کنند نوشابه و آب نوشیدنی از صاحبان مزارع بگیرند، بلکه با خودشان آب می آورند. کشیش مسیحی، شهرک کینگتنگ، شرق ایالت شان، ۲۰۱۹)

بسیاری از گواهی های دیگر نشان می دهد که چگونه صاحبان کسب و کار، با توجه به افزایش سطح وابستگی به مواد مخدر، این مواد را به عنوان روشی برای جذب و حفظ کارگران عرضه می کنند. در اظهارات ذیل، یکی از کارگران شهرک لویلیم در جنوب ایالت شان، در مورد این عمل و تأثیر آن بر خانواده های کارگران، شهادت داد.

صاحب کسب و کار معدن، به سنگ کاران قرص یا با داد و گفت مواد مخدر می تواند آنها را قوی تر و سالم تر کنند. به این ترتیب، آن کارگران معتاد به مواد مخدر شدند. این آغاز مشکلات مربوط به مواد مخدر در خانواده های آن کارگران است. بعضی اوقات اگر صاحبان کسب و کارها نتوانند به کارگران مواد مخدر بدهند، حتی نمی توانند کارگر استخدام کنند...

در ابتدا به کارگران یک یا دو قرص داده می شود، اما بعدا وقتی معتاد می شوند، با تمام پولی که روزانه به دست می آورند مواد مخدر خریداری می کنند و خانواده های شان بدون درآمد می مانند. (کارگر معدن، شهرک لویلیم، جنوب ایالت شان، ۲۰۱۸)

پیوند میان مواد مخدر و ساختارهای امنیتی و مدیریتی که همراه با تغییرات گسترده اقتصادی و حضور روزافزون دولت در سرزمین های سرحدی تحت آتش بس پدید آمده است، نیز حایز اهمیت است. در گزارش های بعدی پروژه ما به طور کامل تری به این مساله پرداخته خواهد شد.

شبه نظامیان تحت حمایت ارتش (که نوعا pyithusit خوانده می شود و به معنی «شبه نظامیان مردمی» است) به عنوان نیروهای ضد شورش برای نظارت بر جمعیت محلی و مکان های امن برای انکشاف اقتصادی، مستقر شده اند. در عوض، این شبه نظامیان مجوز غیر رسمی دارند که تصدی های قانونی و غیرقانونی را اداره کنند. این پیوند بین مواد مخدر و شبه نظامیان در اظهارات زیر توسط مردی شصت و چند ساله، منعکس شده است. وی در باره تغییراتی که در طول ۲۰ سال گذشته در شرق ایالت شان شاهد بوده است، توضیح می دهد.

صاحبان کسب و کار می توانند به خاطر «pyithusit» [شبه نظامیان مردم] آزادانه مواد مخدر تولید کنند. آنها در مناطق تحت کنترل «pyithusit» تولید می کنند، اما «pyithusit» توسط ارتش حمایت می شود [...] شبه نظامیان مردم و خانواده دارند و می خواهند منطقه خود را آباد کنند، بنابراین باید پول کسب کنند. به همین دلیل، آنها با صاحبان مشاغل همکاری می کنند. ما می گوئیم قاچاق بران مواد مخدر می توانند از طریق شبه نظامیان پیش بروند. آنها به شبه نظامیان مالیات می پردازند تا شبه نظامیان از

۲. تولید تریاک برای تامین معیشت بسیاری از خانواده های فقیر ضروری است. اما تغییر الگوهای مصرف مواد مخدر، اشکال جدیدی از آسیب پذیری و فقر ایجاد می کند.

پرسیدند که چقدر تریاک دارید؟ اگر زیاد داشتیم، به این معنی بود که ثروتمند هستیم. در گذشته، افرادی که از مواد مخدر استفاده می کردند دیر به رختخواب می رفتند اما زود از خواب بلند می شدند تا به سر کار بروند و خوب کار می کردند [...] اگر تریاک کافی می داشتند می توانستند کل روز بدون استراحت در ساحه کار کنند. استفاده از WY [مت آمفتامین] ساده تر از تریاک است...

مردم قبلاً ۵ هزار کیات بابت یک قرص پرداخت می کردند. فقط برخی از افراد از آن استفاده می کردند. اما اکنون، با ۵۰۰ کیات سه قرص دریافت می کنید، بنابراین هرکسی توانایی خرید آن را دارد. شمار معتادان مواد مخدر الان بیشتر است. برخی از معتادان به مواد مخدر برای فرار از این نوع محیط، به بیرون اعزام شدند. برخی از آنها بیش از ۱۰ سال بیرون بودند اما وقتی به خانه برگشتند، دوباره از آن استفاده کردند. پیش از این، مواد مخدر فقط در مرکز شهر بود اما اکنون می توانید آن را در هر روستا و شهر پیدا کنید. (مدیر محلی، لاشیو، شمال ایالت شان، ۲۰۱۸)

بیشتر تمرکز جامعه بین المللی که در بخش مواد مخدر در میانمار کار می کند، بر روی مهار تولید مواد مخدر و قاچاق آن به بازارهای خارجی است. با این حال، بسیاری از جوامع ساکن در سرزمین های سرحدی میانمار افزایش میزان مصرف زیان بخش هروئین و مت آمفتامین را مهم تر از سطح کشت تریاک می دانند.

مردم مناطق تولید کننده کوکنار اغلب تأثیرات مثبت گوناگون را به تریاک نسبت می دهند. کشت کوکنار منبع قابل توجه درآمد فراهم می کند و در نتیجه امنیت غذایی را بهبود می بخشد. کوکنار همچنین برای تامین خدماتی مانند آموزش و صحت، پول نقد فراهم می کند. و خود تریاک برای مداوای بیماری های مختلف استفاده می شود. در مقابل، جمعیت ایالت کاجین و ایالت شان معتقدند افزایش مصرف هروئین و مت آمفتامین، نسبت به تریاک، تأثیر جدی تر و غیرقابل کنترل تر بر روی جامعه دارد. این مساله به وضوح در دیدگاه های یک مدیر محلی در لاشیو در مورد چگونگی تغییر وضعیت مواد مخدر از زمان جوانی وی در دهه ۱۹۶۰ تا به امروز بازتاب یافته است.

وقتی ما جوان بودیم، تریاک بسیار مهم بود. کسی که در آن زمان از تریاک استفاده می کرد، ثروتمند بود. اقوام و دوستان همیشه می



مزارع خشخاش در امتداد سرحد چین، ایالت شمالی کاجین، میانمار. عکس توسط KRC.

این احساس نیز در سراسر ایالت کالجین شایع بود، آنچه در اظهارات آتی از پیرمردی در چیبوی بیان شده است.

در گذشته، اگرچه مصرف کنندگان تریاک، از تریاک استفاده می کردند اما کار هم می کردند، استفاده از تریاک حتی به آنها کمک می کرد تا کار بیشتری انجام دهند. اما اکنون می بینیم که مصرف کنندگان، مواد مخدر را تزریق می کنند. از آنجایی که سوزن و سرنگ به راحتی در دسترس است، بچه‌ها شروع به استفاده از مواد مخدر می کنند [...] انواع مختلف مواد مخدر در منطقه چیبوی وارد می شود و در آینده پیش بینی می کنم مشکل اعتیاد به مواد مخدر حتی بدتر شود. (باشنده کهن سال، چیبوی، شمال شرق ایالت کالجین، ۲۰۱۸)

الگوهای در حال تغییر مصرف مواد مخدر، به یک جنبه مهم فقر و آسیب‌پذیری تبدیل شده است که بسیاری از خانوارها در ایالت‌های کالجین و شان آن را تجربه می کنند، هرچند اغلب نادیده گرفته می شود. تقریباً از هر سه نفر یک نفر در این ایالت‌ها زیر خط ملی فقر زندگی می کنند. تأثیرات مادی، جسمی و عاطفی استفاده زیانبار از مواد مخدر برای بسیاری از خانواده‌هایی که همین حالا هم با فقر دست و پنجه نرم می کنند، و به نحوی غالباً دارای ابعاد جنسیتی خاص هستند، بسیار سنگین بوده است. این تأثیرات شامل هزینه‌های اضافی است که خانواده‌ها به دلیل استفاده از مواد مخدر متحمل می شوند، همانطور که زن سی و چند ساله‌ای از کینگتنگ در شرق ایالت شان تشریح کرد.

من اولین فرزند از جمع پنج خواهر و برادر و تنها زن هستم. بقیه مرد اند. برادر بعد از من مواد مخدر زیادی مصرف کرد. برادر دوم هروئین تزریق کرد و معتاد شد. از دوستانم خواستم او را به لوی تای لینگ [مقر ارتش ایالتی شان / شورای احیای ایالت شان] بفرستد. فهمیدیم که او HIV دارد و باید دوا بخورد ...

در حالی که برادرانم مواد مخدر مصرف می کردند، تنها من و پدرم نان آور بودیم. دو برادر کوچکترم هنوز در مکتب بودند. در آن زمان، دو برادر من که مواد مخدر مصرف می کردند، اغلب اموالی مانند موتورسایکل را دزدی می کردند. هر وقت برادرانم از دیگران دزدی می کردند من مجبور به پرداخت غرامت می شدم. معاش کمی داشتم. گاهی بعد از پرداخت غرامت در خانه من چیزی برای تامین غذا نمی ماند. (کارمند سازمان جامعه مدنی، کینگتنگ، شرق ایالت شان، ۲۰۱۹)

همچنان، استفاده از مواد مخدر می‌تواند باعث از دست رفتن درآمد شود زیرا اعضای خانواده توانایی کار کردن را از دست می‌دهند، دستمزد برای خرید مواد مخدر مصرف می‌شود و/یا به خاطری که دارایی برای خرید مواد مخدر فروخته می‌شود. این مسایل در اظهارات ذیل از زنی در شهرک نامتو در شمال ایالت شان به روشنی نشان داده شده است.

مواد مخدر خانواده ما را نابود کرد، من واقعاً آن را دوست ندارم، ما هرگز موفق نخواهیم شد. حتی اگر موتر یا چیزهای ارزشمندی داشته باشیم، چیزی باقی نخواهد ماند. حتی اگر فقط ۱ کیلو یا ۲ کیلوگرم برنج داشته باشیم، او [شوهر من] آن را در بدل مواد مخدر می‌دهد. او زمانی که پسر اول ما درگذشت، شروع [به مصرف مواد مخدر] کرد، او ناراحت بود. دوستانش به او مواد مخدر دادند.

او به من گفت اگر از آن استفاده کند، می‌تواند حالش را بهتر کند. من به او گفتم که استفاده نکند زیرا ما مانند سایر افراد پول نداریم. اکنون ۱۴ یا ۱۵ سال است که ازدواج کرده ایم اما زندگی ما بهتر نشده است ...

او برای ترک اعتیاد یک سال به ارتش لوی [ارتش آزادیبخش ملی تانگ] پیوست. وقتی به خانه برگشت، سنگین تر و قشنگ تر بود اما پس از بیرون رفتن با دوستانش، دوباره از آن استفاده کرد. وقتی سعی کرد کار کند، معده درد گرفت، لذا به خانه برگشت و از من پول برای مواد مخدر خواست و استراحت کرد. او حتی سند مالکیت [خانه] را برای ۶۰,۰۰۰ کیات به گرو گذاشت. به مدت ۱۵ روز در مزرعه کار کرد، اما فقط ۳۰۰ کیات [۲۰,۰۰۰ دلار] به دخترش داد. من می‌خواهم او یک فرد خوب باشد و مانند سایر افراد کار کند و خانواده ما را بهبود بخشد، اما او اینطور نیست. (دهقان، شهرک نامتو، شمال ایالت شان، ۲۰۱۸)

در اظهارات ذیل، یک دهقان کالجینی از شهرک موگاوانگ نیز در مورد این صحبت کرد که مواد مخدر چگونه روابط خانوادگی را از بین می‌برد و شبکه‌های حمایتی را که برای خانواده‌های درگیر مشکلات مهم است، تضعیف می‌کند.

۲۰ سال است که من تریاک مصرف می‌کنم. آن زمان ۱۸ ساله بودم. چهار یا پنج سال پیش شروع به استفاده از هروئین کردم. وقتی ۳۶ ساله بودم ازدواج کردم. همسرم مدتی با من زندگی کرد اما می‌دانست که من معتاد هستم. من از وی دو فرزند داشتم. وقتی تازه ازدواج کردیم، مدتی مصرف آن را متوقف کردم. اما اوضاع بدتر شد. من در مراکز توانبخشی در یانگون بوده‌ام. به مراکز توانبخشی در منطقه تحت کنترل KIO نیز رفته‌ام. اما خانواده من از هم پاشید ...

از وقتی که معتاد شدم، همسرم به یک کشور خارجی رفت. فرزندانم اکنون با عمه ام زندگی می‌کنند ... بنابراین زندگی من بی‌معنی شد. بعد از آن، دوباره شروع به استفاده از هروئین کردم. من گاو خود را به کرایه کردم و با پول آن مواد مخدر مصرف کردم. خواهر و برادرهایم هم گفتند تا زمانی که من معتاد باشم دیگر مرا نمی‌پذیرند. تنها عمه ام از من مواظبت می‌کند. او کسی است که از فرزندان من مراقبت می‌کند. او با معاش تقاعد دولت زندگی می‌کند. در گذشته بسیار افسرده بودم و حتی به خودکشی فکر می‌کردم. (دهقان، شهرک موگاوانگ، ایالت کالجین، ۲۰۱۸)

تصور می‌شود تشدید سطح مصرف مواد مخدر همبستگی اجتماعی و مکانیسم‌های حمایت متقابل را که در گذشته در مواقع نیاز یا در مدیریت هزینه‌های رویدادهای خاص مانند عروسی و تدفین به خانواده‌ها کمک می‌کردند را نیز تضعیف کرده است. یکی از رهبران سازمان جامعه مدنی Pa-O این وضعیت را در مصاحبه زیر توضیح داد.

می دانید که همه روستاها قوانین خاص خود را دارند. در روستای من، همه جوانان باید در جامعه خدمات اجتماعی انجام دهند. اگر ۱۶ ساله اید یا مکتب را به پایان رسانیده اید، باید به طور خودکار عضو گروه کار اجتماعی روستا شوید. بنابراین، در آن گروه ما قواعدی داریم و اگر شما قواعد را رعایت نکنید ما به شما کمک نمی کنیم...

اگر شما ازدواج کنید، ما در عروسی تان به شما کمک نمی کنیم، چیزی شبیه این. این قواعد همچنین سعی می کند جوانان را از مصرف مواد مخدر منع کند. بر اساس این قاعده، اگر از مواد مخدر استفاده می کنید باید روستا را ترک کنید [...] مردم سعی می کنند وضعیت را اینگونه کنترل کنند. اما اکنون کنترل اوضاع بسیار دشوار است. در بعضی از روستاها اکثر جوانان از مواد مخدر استفاده می کنند. ما قاعده داریم اما قاعده نقض شده است. (رهبر سازمان جامعه مدنی، شهرک تاونجی، جنوب ایالت شان، ۲۰۱۸)

استفاده زیانبار از مواد مخدر به عنوان موضوعی منحصر به بخش هایی از جمعیت در بعضی از مناطق پر خطر، تلقی شده بود، به عنوان مثال، کارگران مرد در ساحات معدن کاری. اما اکنون مردم آن را بخشی از زندگی روزمره می دانند که طیف وسیعی از جامعه، از جمله زنان و کودکان را متاثر می سازد. این روایت در مصاحبه های زیادی مطرح شد. اظهارات یک رهبر اجتماعی در مونگ پان در جنوب ایالت شان این را نشان می دهد.

امروزه بابا را می توان در همه جا یافت. قبلا، قیمت یک قرص بابا در اینجا ۱۸۰۰ کیات بود. اکنون می توان سه یا چهار قرص را با ۱۰۰۰ کیات خریداری کرد. به طور معمول، یک شاگر فقیر بین ۲۰۰ تا ۵۰۰ کیات پول جیبی دارد، در حالی که افراد خانواده ثروتمند ممکن است چیزی بین ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ کیات داشته باشند. پسر معلمی از صنف هشتم معتاد شد و پدر و مادرش به خاطر آن بسیار دل شکسته شده اند. پسر این معلم توضیح داد که وی به این خاطر معتاد به مواد مخدر شد که تنها با ۲۰۰ کیات می توانست یک قرص بابا بخرد. (رهبر اجتماعی، شهرک مونگ پان، جنوب ایالت شان، ۲۰۱۸)

این اظهارات این درک را ایجاد می کند که مصرف مواد مخدر چگونه به یک جنبه مهم فقر و آسیب پذیری در ایالت های کاپین و شان بدل شده است. بنابراین، اقدامات معطوف به کاهش فقر و ناامنی معیشتی باید به تأثیر مصرف مواد مخدر بیشتر توجه کند. این امر متضمن چالش هایی است و پاسخ های مناسب می طلبد. در بسیاری از مناطق مرتفع، کشت تریاک در استراتژی معیشتی بسیاری از خانوارهای فقیر نقش اساسی دارد. در عین حال، افزایش میزان مصرف مواد مخدر، به ویژه هروئین و مت آمفتامین، فشارهای شدیدی بر خانواده ها و جوامع وارد کرده است.

۳. جوانان در برابر آسیب های ناشی از مواد مخدر در سرزمین های سرحدی میانمار به شدت آسیب پذیر شده اند



مزارع خشخاش در شهر چیپوی، ایالت کاپین. (KRC).

تأثیر مصرف مواد مخدر روی جوانان یک نگرانی جدی در سراسر ایالت های شان و کاپین است. اگرچه تعیین شمار آن سخت است، اما یک حس قوی وجود دارد که جوانان به گونه نامتناسبی تحت تأثیر مواد مخدر قرار گرفته اند و این امر در سال های آینده تأثیر جدی و ویرانگری بر جامعه خواهد گذاشت. مصرف مواد مخدر در بین کودکان (که گاهی تنها یازده یا دوازده ساله اند) و بزرگسالان معمولاً به ترکیبی از ساده لوحی، سطح پایین آموزش و عدم آگاهی در مورد مواد مخدر و عدم نظارت خانواده نسبت داده می شود.

این امر به ویژه در مورد کودکانی صادق است که به مکتب می روند، در پوهنتون تحصیل می کنند یا والدین آنها برای کار مهاجرت کرده اند. علاوه بر این، فشار هم سالان (بیشتر در بین مردان جوان) و «طبیعت جوان» که مایل به کشف و آزمایش چیزهای جدید است، نقش بزرگی ایفا می کند. در محیطی که مواد مخدر ارزان و به آسانی در دسترس باشد، همه این عوامل وجود دارد. یک مرد برمه ای از منطقه تاونجی که در دهه بیست عمر خود بود برخی از این موضوعات را بیان کرد که بازتاب تجربیات بسیاری از جوانان دیگری است که ما با آنها مصاحبه کردیم.

را در بدل ۱۰۰۰ یا ۲۰۰۰ کیات دریافت کنید. (فارغ‌التحصیل پوهنتون مونیسن، ایالت کالجین، ۲۰۱۸)

جوانان مناطق روستایی اغلب هر روز مسافت‌های طولانی را برای شرکت در مکتب و پوهنتون طی می‌کنند یا در طول مدت دوره آموزشی در لیلیه زندگی می‌کنند. این امر از زمان آتش بس به صورت روز افزونی متداول شده است، زیرا کاهش سطح درگیری‌های مسلحانه باعث افزایش تحرک شده است. در نتیجه، جوانان بیشتری توانستند به آموزش دسترسی پیدا کنند، اما در معرض مواد مخدر غیرقانونی نیز قرار گرفتند. این فقط یکی از دلایلی است که چرا مردم از پیامدهای آتش بس ابراز ناامیدی و نارضایتی می‌کنند.

مصرف مواد مخدر در بین جوانان غالباً به ناتوانی آنها در کنترل نفس، غلبه بر وسوسه یا رفتار مسئولانه نسبت داده می‌شود. این روایات معمولاً دارای درونمایه قوی دینی است، و اغلب توسط افرادی که از مواد مخدر استفاده می‌کنند، درونی می‌شود. این افراد اعتیادشان را تقصیر ضعف خودشان می‌دانند یا ضعفی که معتقدند به ارث برده است. یک مرد باشنده شان که در دهه بیست عمرش قرار داشت درمورد نگرش‌های مربوط به مواد مخدر چنین اظهار نظر کرد.

من استفاده از «فرمول» را در سال ۲۰۱۰ شروع کردم. من در کارم موفق نبودم، ناامید شدم و می‌خواستم همه چیز را فراموش کنم. الکل نتوانست به من کمک کند. بعد، یک دوست جدید گفت، «این را امتحان کنید»، و من این کار را کردم. پدر و مادرم داکتر آوردند که مرا معاینه کند. داکتر به آنها اطلاع داد که من «معتاد» شده‌ام ...

بنابراین من سعی کردم با قفل کردن و بستن خودم در اتاقم، ترک کنم. چند بار سعی کرده‌ام ترک کنم، اما هر بار دوباره به «فرمول» بر می‌گردم. ممکن است از مواد متفتر باشید اما هرگز فراموش نمی‌کنید [...] کار فعلی من سیم کشی برقی داخلی است ...

وقتی کار می‌کنم فقط مقدار کمی استفاده می‌کنم. کارمند من، وقتی به چهره‌ام نگاه می‌کند می‌داند من چه هستم و کمتر از حد عادی به من پول می‌پردازد. این برخورد را دوست ندارم، اما نمی‌توانم شکایت کنم. می‌دانم که اگر قدرت داشته باشم می‌توانم ترک کنم. کتاب‌های مذهبی زیاد می‌خوانم. هنوز هم نمی‌توانم ترک کنم. [به نظر می‌رسد کلمه کارمند (employee) درست نیست. احتمالاً منظور نویسنده کارفرما (employer) بوده است. لطفاً بررسی و تصحیح شود: مترجم] (باشنده تاونجی، جنوب ایالت شان، ۲۰۱۸)

با این وجود، گواهی مردم تأکید می‌کند که باید عوامل گسترده‌تر اجتماعی، سیاسی و اقتصادی که این محیط را ایجاد کرده است درک شود، محیطی که در آن جوانان در برابر آسیب‌های مربوط به مواد مخدر شدیداً آسیب پذیر اند. به عنوان مثال، گواهی مردم توجه را به این نکته جلب می‌کند که جوانان از مواد مخدر - و الکل - به عنوان مکانیسم مقابله استفاده می‌کنند، مقابله با فشارهایی که جوانان با آن رو برو اند. این امر به خصوص در مورد جامعه‌ای صدق می‌کند که فرصت‌های آن با آرمان‌ها و انتظارات مطابقت ندارند. دیدگاه‌های یک کارگر جوان در تاونجی در این زمینه آموزنده است.

وقتی شروع به استفاده از تریاک کردم، ۲۰ ساله و شاگرد صنف دهم بودم. این طبیعت جوان است که بخواهد هر چیزی را امتحان کند. و تریاک هم مانند سیگار و الکل، در دسترس بود. اکنون هشت سال طول کشیده است. تریاک را با شربت سرفه مخلوط کردم و نوشیدم. این ترکیب به عنوان «فرمول» معروف بود. در ابتدا، بعد از هر چند مدت فقط یک بار بود. بعداً شروع کردم به استفاده هر روزه ...

تأثیر قوی داشت و باعث شد در ابتدا احساس سرگیجه کنم. اما برخلاف مست شدن با الکل، این خوشایند بود. هرچه ادامه یافت، از نظر اقتصادی و اجتماعی تبدیل به یک بار شد. بنابراین، تصمیم گرفتم ترک کنم. هفته اول دچار هذیان شدم. وقتی به کلینیک خصوصی مراجعه کردم، دواي سم زدایی به اندازه کافی قوی نبود. بنابراین، دوباره رو آوردم به مصرف. بعد به کلینیک دیگری رفتم. هنوز هم دوباره به استفاده از مواد مخدر بازگشتم. (باشنده شهرک تاونجی، جنوب ایالت شان، ۲۰۱۸)

بسیاری از مصاحبه‌ها توجه را به این مساله جلب می‌کند که دسترسی جوانان به مواد مخدر آسان اما دسترسی آنها به کمک، دشوار است. این امر به ویژه در خارج از شهرهای بزرگ مانند تاونجی، جایی که دسترسی به مواد بسیار محدود است، صدق می‌کند. درماندگی خانواده‌ها، همراه با نبود آموزش و خدمات، جوانان را در معرض آسیب‌های بیشتر قرار داده است. کارگری در یک مرکز تداوی مواد مخدر در تاجپیکل در مصاحبه زیر وضعیت برخی از بیمارانی که از مناطق روستایی می‌آیند را تشریح کرد.

اعتیاد آنها به قدری جدی بود که در برخی موارد، والدین آنها قبل از درخواست [...] کمک از مسئولین، آنها را می‌بستند. والدین آنها نمی‌دانند در کجا و چگونه به این مسئولین مراجعه کنند. سرانجام، آنها ما را پیدا کردند و بیمار را در مرکز توانبخشی ما بستری کردند. وقتی به اینجا رسیدند، حتی می‌توانستید عفونت‌هایی را ببینید که ناشی از زخم‌هایی است که از اثر بستن میچ و دست آنها به وجود آمده است. (کارگر مرکز تداوی مواد مخدر، تاجپیکل، شرق ایالت شان، ۲۰۱۹)

مکتب و پوهنتون‌ها به مکان‌های متداول برای مصرف مواد مخدر تبدیل شده‌اند، که باعث افزایش مضرات مرتبط به مواد مخدر به ویژه در بین جوانان شده است. در اظهارات زیر، مردی که در زمان تحصیل در پوهنتون مونیسن، شروع به استفاده از هروئین کرد، وضعیت مواد مخدر در پوهنتون را توضیح می‌دهد.

استفاده از مواد مخدر در محوطه پوهنتون در حدود سال ۲۰۰۵ بسیار جدی شد. شما می‌توانید سرنگ و سوزن‌های استفاده شده را در اطراف تشناب و بوته‌های پشت محوطه پوهنتون پیدا کنید. قسمت پشت سر دانشگاه را می‌بینید ...

هروئین آزادانه در دسترس است، اما نه همیشه. بعضی روزها می‌بینید که جمعیتی در آنجا جمع شده‌اند. محوطه پوهنتون به مکان مورد علاقه فروشندگان مواد مخدر نیز تبدیل شده است. برخی از فروشندگان برای فروش با موتورسایکل از مکانی دور می‌آیند. آنها هروئین را در یک نی پلاستیکی قرار می‌دهند. می‌توانید آن

اکثر جوانانی که از پوهنتون فارغ التحصیل شده اند، فرصت شغلی ندارند. فارغ التحصیلان فقط به خانه برمی گردند. در اجتماع من، اگر فارغ التحصیل شده اید، والدین معتقد اند که می توانید در دولت، یک شرکت یا یک سازمان غیر دولتی کار کنید. هزینه ادامه تحصیلات در پوهنتون بسیار بالا است. اما اگر برگردید و پس از فارغ التحصیلی کاری انجام ندهید، مردم بر شما فشار می آورند...

مردم می گویند: «شما که فارغ التحصیل شده اید، چرا مانند افراد دیگر کاری انجام نمی دهید؟» «چرا ما آنها را برای آموزش فرستادیم، به خاطری که بعد از فارغ التحصیلی، مانند ما کار می کنند؟» این فشار برای جوانان سنگین است. و حتی اگر پوهنتون را تمام کردید، ما هیچ مهارتی برای زندگی خود نداریم. آموزش خیلی خوب نیست [...] این فشار سنگینی برای جوانان است. بنابراین برخی از مواد مخدر استفاده می کنند، برخی هم از الکل. (کارگر جوان، تاونجی، جنوب ایالت شان، ۲۰۱۹)

عین همین دیدگاه در گواهی ذیل توسط کشیشی از منطقه مونیین مطرح شد.

فرصت اشتغال برای جوانان وجود ندارند. خارج از کلیسا، آنها فرصت‌های کمتری برای کار دارند و حتی کلیسا نمی تواند فرصت‌های شغلی زیادی را فراهم کند. به مونیین نگاه کنید، فقط یک بانک وجود دارد. شما نمی توانید در آنجا کارمندان کاجینی پیدا کنید. و هیچ فرصت شغلی برای جوانان کاجین در بخش دولتی وجود ندارد...

به همین خاطر، بسیاری از افراد جوان کاجین به مواد مخدر روی می آورند. مصرف مواد مخدر در اینجا پس از سال ۲۰۱۳ وقتی که کارخانه معدن یشم برای مدت کوتاهی برای عموم مردم در دسترس بود و مونیین به یک شهر شلوغ تبدیل شد، جدی تر شد. جوانان می توانستند برای مدت کوتاهی در بخش معدن کار کنند و از همین راه بسیاری از جوانان به مواد مخدر روی آوردند. (کشیش کاجین، مونیین، ایالت کاجین، ۲۰۱۸)

اظهارات گرد آوری شده در جریان تحقیقات ما نشان می دهد که جوانان با آسیب پذیری مضاعف روبرو اند: هم در برابر صدمات جسمی و اجتماعی مصرف مواد مخدر قرار دارند و هم در معرض آسیب‌های ناشی از برخی اقدامات علیه مواد مخدر. این آسیب‌ها شامل پاسخ‌های مجازات گونه و ننگ ناشی از مصرف مواد مخدر است که هر دو غالباً افراد را از طلب کمک باز می دارد.

این مساله یک چالش جدی برای مصرف کنندگان زن مواد مخدر است که هنوز یک جمعیت «پنهان» محسوب می شود. این چالش ناشی از کمبود خدمات برای زنان و ننگ بزرگ‌تر مصرف مواد مخدر توسط زنان است. یک زن که در اوایل دهه بیست عمرش قرار دارد و در تاونجی مصاحبه شده بود، در مورد چگونگی تأثیر مصرف مواد مخدر بر زندگی وی چنین توضیح داد.

من در سال دوم پوهنتون، وقتی ۱۹ ساله بودم، مصرف «فرمول» را شروع کردم. مادرم وفات کرد و پدرم دوباره ازدواج کرد. من و مادر اندرم از نظر سن تفاوت چندانی با هم نداشتیم. من با [پدرم] مشاجره می کردم و حتی در روزهای تعطیل نمی خواستم به خانه برگردم. بعد، دوست پسرم گفت، «این درمان ناراحتی تو است. بنوش!» من نوشیدم. معتاد شدم. او یک و نیم سال پیش گرفتار شد و در زندان است...

بعد مجبور شدم خودم مواد مخدر بخرم. به ترک کردن فکر کردم. اما به عنوان یک زن، مداوا شدن در شفاخانه دشوار است. و من به شفاخانه اعتماد ندارم. یکی از دوستانم معالجه شد و وقت به خانه برگشت، دستگیر شد. سعی کردم خودم ترک کنم. آنقدر رنج کشیدم که احساس کردم می میرم، تقریباً دیوانه می شدم. مردم هم از من دوری می کنند، به خصوص پس از دستگیری دوست پسرم. هشت ماه بعد، دوست پسرم را ملاقات کردم. به ۱۵ سال زندان محکوم شد. او گریست و منم گریستم. خانواده او از من راضی نبودند؛ آنها مرا به خاطر گرفتاری پسر شان سرزنش کردند. (باشنده تاونجی، جنوب ایالت شان، ۲۰۱۸)



محل استفاده مواد مخدر در یک قبرستان در تاشلیک، ایالت شان، میانمار. عکس توسط شان.

تأملات





گارد بعد از به آتش کشیدن لابر اتوار کوکا در نزدیکی توماکو، کلمبیا. عکس توسط اسوشیتید پرس، ویلیام فرناندو مارتینز.

تحقیق آینده مجموعه‌ای منظم‌تر از دیدگاه‌های این سرزمین‌ها را به صورت مقایسه‌ای بررسی خواهد کرد.

در بخش آتی ما روی برخی از پیام‌های کلیدی که از طریق فعالیت در مناطق سرحدی به دست آمده است و معنی آن در ارتباط با گذار از جنگ به صلح، اقتصاد غیرقانونی و پروسه‌های انکشاف و نقش مواد مخدر در زندگی روزمره جوامع سرحدی، تامل می‌کنیم.

این گزارش کوشیده است با ورود به زندگی روزمره و دیدگاه‌های محلی جوامع سرحدی در افغانستان، کلمبیا و میانمار، درک درستی از اقتصاد مواد مخدر غیرقانونی ارائه کند.

در حالی که هر کشور و هر سرزمین سرحدی، تاریخ و تجربه منحصر به فردی از اقتصاد مواد مخدر غیرقانونی، خشونت و انکشاف دارد، ما تا حد امکان، برخی از تفاوت‌ها و شباهت‌های این موارد را مد نظر نگرفته ایم.

گذار از جنگ به صلح

یک روایت مکرر از تمام سایت‌های تحقیقاتی سرحدی ما، ناکامی فرایندهای صلح در رفع نیازها و خواست‌های جوامع سرحدی است. واقعیت‌های روزمره «صلح» در سرزمین‌های سرحدی غالباً شامل ناامنی مزمن، وضعیت نامناسب معیشتی و دولت دور از دسترس و غالباً خودسر است - شرایطی که جوامع را به نزدیک تر شدن به اقتصادهای غیرقانونی سوق می‌دهد.

پس از آتش بس و/یا توافق‌نامه‌های صلح، در بسیاری از مناطق، نه تنها تجربه گذار آرام از (جنگ) به (صلح) رخ نداد، بلکه خشونت و بی‌ثباتی افزایش یافت و فعالیت‌های غیرقانونی توسعه پیدا کرد.

اشکال جدید خشونت

جوامع سرحدی طیف گسترده‌ای از اشکال خشونت فردی و جمعی را تجربه کرده‌اند که در مصاحبه‌ها به آنها اشاره کردند.

بین مواد مخدر، جنگ، خشونت و صلح رابطه عمیقاً زمینه‌مند (contextualised) وجود دارد. این روابط در مناطق سرحدی نسبت به سطح ملی، اغلب بسیار متفاوت تر نمود می‌یابد. اما پیام بسیار محکمی که از سرزمین‌های سرحدی به گوش می‌رسد این است که خشونت مزمن و کشنده یک واقعیت روزانه و یک مانع بزرگ برای شکوفایی بشر است. هدف قرار دادن اشکال مختلف خشونت باید برای پالیسی‌سازان یک اولویت اساسی باشد. در غیر این صورت، مسیرهای فرار از خشونت به خاطر اتکا به اقتصادهای غیرقانونی برای جوامع سرزمین‌های سرحدی مسدود خواهد بود.

خشونت صلح

صداهای سرزمین‌های سرحدی سؤالات مساله‌آفرینی را در این باره مطرح می‌کند که چه نوع صلحی از طریق توافق مذاکره ایجاد می‌شود و صلح برای چه کسی است، ؟ توافق‌نامه‌های صلح و آتش بس ممکن است نوعی از خشونت را حل کند، اما خشونت‌های دیگر را آزاد کند - خصوصاً در مناطق سرحدی.

استفاده از مواد مخدر را، برجسته می‌کند.

هرچند خشونت در سرزمین‌های سرحدی یک واقعیت روزمره است، و وقایع خشونت آمیز حامل لحظه‌های مهم و نقاط شاخص زندگی مردم است، اما اینها در گزارش‌های خارجی یا ملی منازعات، به درستی بازتاب نمی‌یابد.

شاید تعجب برانگیز باشد که برخی از ساکنان سرحدی در پوتومايو و ننگرهار گفتند در زمان جنگ وقتی فارك و طالبان (به ترتیب) کنترل سرزمین‌های سرحدی را در اختیار داشتند، زندگی امن تر بود. و متعاقباً، توضیح دادند که چگونه زندگی ناامن تر شده است، زیرا در حال حاضر ابزارهای خشونت بیشتری وجود دارد و قواعد بازی به مراتب مبهم‌تر است. این مساله به صراحت یادآوری می‌کند که برخی از انواع خشونت‌ها نسبت به سایرین مشهود تر است و به دلیل اینکه چه کسی یا چه چیزی را تهدید می‌کند، از اهمیت بیشتری برخوردار است.

دگرگون سازی خشونت

بنابراین، روند صلح و گذار پس از جنگ ممکن است خشونت را دگرگون کند یا به حاشیه مناطق تحت کنترل دولت جابجا کند. ثبات در سطح ملی، افزایش ادغام اقتصادی و حضور دولت می‌تواند اشکال جدیدی از خشونت و استثمار به وجود آورد و برخی از سازوکارهای مقابله ایجاد شده در زمان جنگ را از بین ببرد.

در همین حال، اقتصادهای قانونی ممکن است کمتر از فعالیت‌های غیرقانونی خشن نباشند. به عنوان مثال، استخراج یشم در ایالت کاپین و صنعت نفت در پوتومايو میزان بسیار بالای از خشونت فیزیکی و ساختاری را به همراه داشته است.

این خشونت‌ها شامل موارد آتی است: خشونت‌های مداوم و در مقیاس بزرگ توسط نیروهای دولتی و شورشیان مسلح در شمال میانمار و ولایت ننگرهار در افغانستان؛ خشونت‌های مرتبط با پالیسی‌ها و اقدامات مبارزه با مواد مخدر، از جمله سم‌پاشی و امحای اجباری کوکا در کلمبیا؛ بمباران آزمایشگاه‌های مواد مخدر در افغانستان، و تلاش برای ایجاد ممنوعیت در سرحد نیمروز به گونه ای که برخورد با شبکه‌های قاچاق هر روز نظامی‌گرا تر می‌شود؛ «خشونت آهسته» مرتبط با رویه‌های استثمارگرانه کارگری و (سوء) استفاده گسترده از مواد مخدر در ایالت‌های شان و کاپین؛ یا استفاده یا تهدید به اجبار به بستن، نظارت و مدیریت سرحدات.

در بسیاری از موارد، این نوع خشونت‌های ناهمگن اما درهم آمیخته همزمان رخ می‌دهند، که در نتیجه انواع نامنی را ایجاد می‌کنند که غیرقابل پیش بینی اند و برنامه ریزی و سرمایه گذاری در آینده را برای جوامع سرحدی دشوار می‌سازد. در عین حال، کسانی که در سرزمین‌های سرحدی زندگی می‌کنند هم «عامل» خشونت و هم «قربانی» آن اند، به نیابت از دولت یا در مقاومت علیه دولت، برای تأمین معیشت، ثروتمند شدن، انتقام جویی یا محافظت از خانواده و جامعه شان، اسلحه به دست می‌گیرند.

کدام خشونت مهم است

مصاحبه‌ها غالباً نشان دهنده تفاوت بین روایت‌های بین‌المللی/ملی و سرزمین‌های سرحدی در مورد خشونت است. به عنوان مثال، روایت ملی/بین‌المللی نوعاً روی خشونت ضد دولتی به عنوان جدی‌ترین تهدید علیه موجودیت دولت تمرکز می‌کند، در حالی که روایت سرزمین‌های سرحدی غالباً خشونت‌های مرتبط با پالیسی‌های مبارزه با مواد مخدر را که توسط نیروهای دولتی یا شبه‌دولتی اعمال می‌شود یا خشونت آهسته مرتبط با



پورتو اسیس، کلمبیا. عکس توسط فرانسیس تامسن، بوختون ملی کلمبیا.

انکشاف سرزمین‌های سرحدی

رابطه بین مواد مخدر غیرقانونی و پروسه‌های انکشاف نه ثابت است و نه ساده. این رابطه در نقاط مختلف زنجیره ارزش فرق می‌کند، همانطور که در تجربیات افراد درگیر در تولید، تجارت و مصرف [مواد مخدر] نشان داده شده است. این رابطه همچنین با گذشت زمان تغییر می‌کند، زیرا خود اقتصاد مواد مخدر تغییر می‌کند و دگرگون می‌شود، که در نتیجه توزیع هزینه‌ها و مزایای آن برای جوامع سرحدی را تغییر می‌دهد.

لازم است با دقت بیشتری در مورد چگونگی کاهش مضرات ناشی از مداخلات خارجی اندیشیده شود و اطمینان حاصل شود که این مضرات متوجه آسیب پذیرترین افراد نیست.

علی‌رغم پیچیدگی رابطه مواد مخدر و انکشاف، این واقعیت که مواد مخدر می‌تواند به پروسه‌های انکشاف کمک کند، برای بازیگران انکشافی که معتقدند اهداف پالیسی کاهش فقر و کاهش تولید مواد مخدر غیرقانونی همدیگر را تقویت می‌کنند، سوالات مهمی را مطرح می‌کند. برنامه‌های مبارزه مواد مخدر ممکن است برعکس به «فقر ناشی از پالیسی» بینجامد. بنابراین، لازم است با دقت بیشتری در مورد چگونگی کاهش مضرات ناشی از مداخلات خارجی اندیشیده شود و اطمینان حاصل شود که این مضرات متوجه آسیب پذیرترین افراد نیست.

کمک مواد مخدر به انکشاف

در حالی که مواد مخدر نوعاً به مثابه یک (مشکل) انکشافی تلقی می‌شود که منازعات مسلحانه را به پیش می‌برد، صداهاى شامل این گزارش تصویری پیچیده تر ارائه می‌کند.

در رونق شهرهای سرحدی در افغانستان و میانمار، مواد مخدر سرمایه اولیه را برای سرمایه گذاری در شرکت‌های دیگر فراهم کرده است که به نوبه خود به عنوان مغناطیسی برای جلب سرمایه گذاری داخلی عمل می‌کند.

ما در کلمبیا دیده ایم که چگونه تولید، جمع کردن و پروسس کوکا، به جمعیت حاشیه نشین فرصت داده است معیشت کسب کنند و فرزندان شان را به مکتب یا پوهنتون بفرستند یا به مراقبت های صحی دسترسی پیدا کنند. اقتصاد کوکا همچنین به جوامع امکان داده است در زیربناهای اساسی مانند جاده‌ها یا مکاتب که دولت تأمین نمی‌کند، سرمایه گذاری کنند. در رونق شهرهای سرحدی در افغانستان و میانمار، مواد مخدر سرمایه اولیه را برای سرمایه گذاری در شرکت‌های دیگر فراهم کرده است که به نوبه خود به عنوان مغناطیسی برای جلب سرمایه گذاری داخلی عمل می‌کند.

بر عکس، درآمد حاصل از مواد مخدر ممکن است در جهت مخالف جریان پیدا کند، و به عنوان موتور رشد در مرکز عمل کند، باعث رونق بازار املاک در شهرهای پایتخت شود و در بخش بانکی و/یا کسب و کار قانونی سوق داده شود.

اقتصاد مواد مخدر به جای اینکه منبع فقر و ناامنی باشد، اغلب می‌تواند به یک شبکه مهم نجات و مصونیت برای جمعیت حاشیه نشین تبدیل شود. در واقع، اقتصاد مواد مخدر انکشاف بدیل است.

تولید و مصرف مواد مخدر پشتیبان انکشاف

این رابطه دو طرفه است. همانطور که در بالا نشان داده شد، اقتصاد مواد مخدر ممکن است باعث انکشاف شود، اما همزمان می‌تواند پاسخی به پروسه‌های انکشاف نیز باشد. انکشاف اقتصادی همیشه اقتصاد غیر قانونی مواد مخدر را از بین نمی‌برد؛ به عنوان مثال، انکشاف اقتصادی می‌تواند اشکالی از حاشیه بودگی خلق کند که گروه های محروم را به سمت تولید، قاچاق یا مصرف مواد مخدر سوق دهد.

ما این موضوع را از طریق گفته‌های مردم در شمال میانمار مشاهده کردیم، جایی که افزایش تحرک و اتصال، گسترش تجارت فرامرزی و بهبود امنیت همه باعث شد تا شبکه‌های مواد مخدر به مناطق جدید گسترش یابد.

ممکن است استفاده از مواد مخدر اغلب به عنوان مکانیزم مقابله با تغییرات سریع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ناشی از انکشاف باشد. در سرزمین‌های سرحدی بین میانمار و چین، ورود گسترده سرمایه موجب ظهور رونق شهرهای سرحدی شده است. این اتفاقات با پروسه سلب مالکیت و جابجایی همراه بوده است؛ جایگزینی زراعت معیشتی با صنعت زراعتی در مقیاس بزرگ و ظهور اشکال جدید اشتغال.

اشکال جدید اشتغال اغلب کارهای طاقت فرسای مانند معدن کاری و چوب‌بری در مناطق دور افتاده و دور از خانواده است. این اتفاقات همه به افزایش مصرف مواد مخدر ارتباط دارد.

اثرات توزیعی اقتصاد مواد مخدر

این رابطه پیچیده بین مواد مخدر و انکشاف نسبت به روایت‌های ساده انگارانه از مواد مخدر به عنوان «خوب» یا «بد» برای انکشاف و کاهش فقر هشدار می‌دهد. در عوض، ما باید تحلیل خود را روی اثرات توزیعی اقتصاد مواد مخدر متمرکز کنیم و ببرسیم: چه کسی سود می‌برد و چه کسی ضرر می‌کند؟ البته، پاسخ به این سؤال کاملاً وابسته به مکان و زمان است.

مواد مخدر و زندگی روزمره

و نوآوری‌های جدید و تحولات تکنالوژیک در زمینه تولید مواد مخدر و مواد جدید است.

با توجه به طولانی بودن دوره‌های منازعات مسلحانه و تولید مواد مخدر (در هر سه کشور، حداقل سه تا چهار دهه)، می‌توانیم مشاهده کنیم که برداشت از مواد مخدر و نوع برخورد با آن دچار تحول بین نسلی چشمگیری شده است.

به عنوان مثال، در کلمبیا، مصاحبه‌ها حاکی از یادگیری بین نسلی است، از نظر تغییر الگوی سرمایه‌گذاری درآمدهای اقتصاد مواد مخدر. تولید کنندگان کنونی کوکا گفتند آنها دیگر مانند نسل گذشته به مصارف خودنمایانه دست نمی‌زنند، بلکه در عوض درآمد شان را به گونه احتیاط آمیز در آموزش و حفظ الصحه کودکان و ضروریات خانوار سرمایه گذاری می‌کنند.

در میانمار، نسل‌های قدیمی از اهمیت کشت کوکنار به عنوان یک استراتژی معیشتی و استفاده از تریاک به عنوان فعالیت‌های اجتماعی و تفریحی سخن می‌گویند. در مقابل، نسل جوان بر قدرت ویرانگر افزایش مصرف مواد مخدر تاکید می‌کند که سرمایه انسانی و اجتماعی سرزمین‌های سرحدی را تضعیف می‌کنند.

بنابراین، درک اقتصاد امروزی مواد مخدر مستلزم این است که نسبت به معانی و رویه‌های مختلف آن با توجه به تجربیات نسل‌های متوالی مردم در مناطق سرحدی، منعطف باشیم.

اقتصاد مواد مخدر در این مناطق همچنین دارای تاریخ طولانی است، که شامل چرخه‌های تکراری «جنگ» و «صلح»، تغییر در توزیع کشت، قاچاق و مصرف مواد مخدر در محدوده سرزمین‌های سرحدی و نوآوری‌های جدید و تحولات تکنالوژیک در زمینه تولید مواد مخدر و مواد جدید است.

عاملیت و بسیج اجتماعی

جوامع درگیر در اقتصاد مواد مخدر اغلب به عنوان قربانی معرفی می‌شوند که از سر ضرورت یا با قوه قهریه، مجبور به مشارکت می‌شوند. با این حال، کار ساحوی ما نشان می‌دهد که همه دهقان‌ها، تجار و مصرف کنندگان مدعی عاملیت اند و در بسیاری از موارد، از طریق مشارکت در اقتصاد مواد مخدر، عاملیت خود را ارتقا می‌بخشند.

در کلمبیا، سود حاصل از مزارع کوکا منجر به ساخت تاسیسات عمومی و زیربنای مشترک از طریق کار جمعی شده است. در افغانستان، تاجران مستقر در نیمروز در سرحد با ایران، مذاکره با طالبان را در باره تخفیف مالیاتی و امنیت سازماندهی کردند تا از باز بودن مسیرهای تجارتي، مطمئن شوند.

اقتصاد مواد مخدر در زندگی روزمره مردم مناطق سرحدی عمیقاً نفوذ کرده است. در بسیاری از موارد، باشندگان سرزمین‌های سرحدی قربانی‌های بی‌نوا نیستند، مواد مخدر به آنها عاملیت می‌بخشد و یک شبکه مهم مصونیت اجتماعی می‌سازد. با این وجود، این امر دارای تبعات جدی است، افزایش خطر و خشونت، شایع‌ترین آن است.

این واقعیت به پالیسی‌سازان کمک می‌کند در سطح اندیشه و عمل نگاه متناسب با سرزمین‌های سرحدی داشته باشند و رویکردهایی تدوین کنند که با واقعیت‌ساحه همخوانی دارد و با خصلت‌نهادهای محلی و ساختارهای اجتماعی سازگار است.

این مساله همچنین به معنای این است که عاملیت و صدای جوامع سرحدی جدی گرفته شود؛ ایجاد همسویی با گروه‌هایی که از بازیگران حاشیه‌ای نمایندگی می‌کنند و از فرآیندهای مشارکتی حمایت می‌کنند. حداقل آن است که پالیسی‌سازان باید از گزینه‌های دشواری که مردم با آن روبرو اند آگاه باشند و اطمینان حاصل کنند که پالیسی‌ها و برنامه‌های آنها باعث نمی‌شود مدیریت وضعیت برای جوامع سرحدی سخت‌تر یا غیرممکن شود.

درک زمینه اقتصاد مواد مخدر

در سرزمین‌های سرحدی مورد مطالعه ما، کالاها و مواد قانونی و غیرقانونی با یکدیگر آمیخته اند و درک مردم محلی از مفاهیم قانونی و غیرقانونی ممکن است با تعاریف دولتی متفاوت باشد. به عنوان مثال، در کلمبیا، زارعین کوکا اصرار دارند که خود را campesinos («دهقانان خرده‌پا») بنامند. این امر برداشت‌هایی را که می‌گوید این افراد مجرمین ثروتمند مواد مخدر اند، به چالش می‌کشد. در حقیقت، بسیاری از این افراد دهاقینی اند که چندین محصول زراعتی کشت می‌کنند، که کوکا تنها یکی از آنها است، هرچند اندکی سودآورتر از سایر محصولات است.

به همین ترتیب، تاجران افغان مواد مخدر و هروئین را در کنار سیگار، سوخت و سایر کالاها در سرحد افغانستان و ایران قاچاق می‌کنند.

این درهم آمیختگی کالاها قانونی و غیرقانونی به معنی تمایز دقیق هنجاری یا حقوقی از دیدگاه تاجران نیست. این به معنای انکار این موضوع نیست که غیرقانونی بودن، خطرات خاص (و همچنین فرصت‌هایی) را به همراه دارد. این خطرات به عنوان مثال شامل خشونت بالقوه، از دست دادن ناگهانی درآمد به دلیل امحای محصول دهقان، یا خطر حبس یا ضرورت پرداخت رشوه‌های بزرگ است که قاچاق‌بران با آن روبرو اند.

اقتصاد مواد مخدر در این مناطق همچنین دارای تاریخ طولانی است، که شامل چرخه‌های تکراری «جنگ» و «صلح»، تغییر در توزیع کشت، قاچاق و مصرف مواد مخدر در محدوده سرزمین‌های سرحدی

اشکال دیگر بسیج اجتماعی در قالب مقاومت علیه ممنوعیت مواد مخدر شکل گرفته است. به عنوان مثال، شبکه‌های قبیله‌یی در ولایت ننگرهار افغانستان بارها علیه ممنوعیت مواد مخدر از سوی جامعه بین‌المللی، دولت و طالبان بسیج شدند. به همین ترتیب، اتحادیه‌های زارعین کوکا در منطقه شمالی کلمبیا در برابر ممنوعیت تولید مواد مخدر مقاومت جمعی کردند. این اشکال مقاومت از سوی جوامع حاشیه‌ای نشان دهنده عاملیت جوامع سرحدی است که اغلب اقتصاد مواد را راهی برای باز تعریف و به چالش کشیدن حاشیه بودگی شان می‌دانند.

با این حال، جوامع محلی و نیز تمرین عاملیت برای دفاع از حق شان در تولید محصولات مواد مخدر، می‌تواند در پاسخ به مصرف مواد مخدر و به اصطلاح «شر اعتیاد» نیز بسیج شوند. پت یاسان، مشهورترین سازمان مبارزه با مواد مخدر میانمار، نمونه‌ای است از این که چگونه بسیج مردمی علیه مواد مخدر می‌تواند گرفتار نگرانی‌های گسترده‌تر ملی‌گرایی قومی در مورد نفوذ «فاسد کننده» دولت مرکزی، گردد.

سازش‌ها و ابهامات

جنگ علیه مواد مخدر و عملیاتی شدن آن از طریق سیاست‌ها و برنامه‌های مبارزه با مواد مخدر، تلاش می‌کند بین قانونی و غیرقانونی، دولتی و غیر دولتی، مجرمین مواد مخدر و شهروندان، (خطوط نبرد) واضح و تمایز قاطع ترسیم کند. با این حال، صداهای سرزمین‌های سرحدی ابهامات، حدود ناروشن و سازش‌های مرتبط با مشارکت هر روزه مردم در اقتصاد مواد مخدر غیرقانونی را آشکار می‌کند.

بین روایت‌های خارجی، رسمی و تجربیات روزمره سرحد نشینان تفاوت بسیاری وجود دارد. آنچه از بیرون به عنوان جنگ علیه مواد مخدر مطرح می‌شود، برای افرادی که از آن متاثر می‌شوند، اغلب «جنگ علیه مردم» تلقی می‌شود. پالیسی‌های مواد مخدر و چارچوب‌های قانونی مجازات و برخورد را در اولویت قرار می‌دهد. اما در عین حال، اقتصاد مواد مخدر نقش یک «شبکه ایمنی» را ایفا می‌کند، و جایگزین بسیاری از نقش‌های انکشافی و تامین رفاه است که دولت‌ها قادر یا مایل به اجرای آن در مناطق سرحدی نیستند.

محکومیت اخلاقی مواد مخدر به مثابه «شر» و بدنام‌سازی افراد درگیر در آن، با این واقعیت روبرو است که مواد مخدر در محیط‌هایی که بازارهای قانونی مزایای اندکی برای افراد حاشیه نشین ارائه می‌کند، تنها می‌توانیم توانمندسازی (حداقلی) است.

محکومیت اخلاقی مواد مخدر به مثابه «شر» و بدنام‌سازی افراد درگیر در آن، با این واقعیت روبرو است که مواد مخدر در محیط‌هایی که بازارهای قانونی مزایای اندکی برای افراد حاشیه نشین ارائه می‌کند، تنها می‌توانیم توانمندسازی (حداقلی) است.

علی‌رغم کارکرد رفاهی و انکشافی متعددی که اقتصاد غیرقانونی مواد مخدر برای جوامع سرحدی ارائه کرده است، این بدان معنا نیست که این نوع اقتصاد لزوماً راه فرار یا علاجی برای «آسیب‌های حاشیه نشینی» فراهم می‌کند.

مشارکت در اقتصاد مواد مخدر با ریسک‌های جدی و سازش همراه است. به خصوص دهقان‌ها و تاجران کوچک، گرفتار یک معاهده فاوستی (Faustian pact) اند. کشت و تجارت مواد مخدر می‌تواند بحران معیشت را آسان کرده و درآمد کوتاه مدت فراهم کند. اما این دستاورد با خطرات جدی مرتبط با خشونت، محو یا ممنوعیت همراه است. افراد درگیر مواد مخدر فاقد هرگونه میکانیزم قانونی برای حل اختلافات، طرح ادعا علیه دولت یا محافظت از خودشان در برابر رفتارهای یغماگرانه اند. از بسیاری جهات، اقتصاد مواد مخدر به جوامع سرحدی امکان می‌دهد وضعیت را تحمل کنند و زنده بمانند، نه اینکه ساختارهایی را که آنها را در حاشیه نگه می‌دارند، تغییر دهند.

یکی از چالش‌های پیشبرد این پروژه شناسایی و یافتن راه‌های مقابله با «عوامل حاشیه نشینی» خواهد بود که از شکوفایی جوامع سرحدی جلوگیری می‌کند و آنها را مجبور می‌کند بیشتر در اقتصاد مواد مخدر غیرقانونی گرفتار شوند.

پیامدهای مرتبط به پالیسی

- اقتصاد مواد مخدر اصولاً نمی‌تواند به مثابه یک مساله جرمی و امنیتی تلقی شود. با این امر باید به عنوان یک مساله درازمدت انکشافی برخورد شود.
- اقتصاد مواد مخدر غیر قانونی شیوه‌های متعارف اندیشیدن به انکشاف و شکنندگی دولت را به چالش می‌کشد.
- هیچ رابطه ثابت و استوار بین مواد مخدر و انکشاف وجود ندارد؛ این رابطه دو طرفه، زمینه‌مند و اغلب ضد شهودی است. اقتصاد غیرقانونی ممکن است به انکشاف کمک کند و انکشاف ممکن است مردم را به سمت اقتصاد غیرقانونی سوق دهد.
- تلاش‌های مبارزه با مواد مخدر ممکن است پیشرفت به سوی اهداف انکشاف پایدار را تضعیف کند.

بازاندیشی رابطه مواد مخدر و انکشاف

- آتش بس و توافق‌نامه‌های صلح می‌توانند جمعیت سرزمین‌های سرحدی را در معرض خشونت‌های جدید و متفاوت قرار دهند. اینها باید بهتر درک شوند.
- درآمدهای مواد مخدر می‌تواند منابع مالی «جنگ» و «صلح»، نظم و بی‌نظمی را تأمین کند.
- اقدامات علیه مواد مخدر می‌تواند منازعات خشونت‌آمیز را بدتر و وخیم‌تر کند. این مشکل اغلب در مناطق سرحدی بدتر از هر جای دیگر است.
- گذار پایدار پس از جنگ که به اقتصادهای غیرقانونی می‌پردازد، مستلزم آن است که کاهش خشونت و صلح‌سازی در مناطق سرحدی در اولویت قرار گیرد.
- برای تحقق گذار پایدار پس از جنگ در مناطق سرحدی متاثر از مواد مخدر، لازم است کاهش خشونت و صلح‌سازی در اولویت قرار گیرد.
- برای اینکه فرایندهای صلح مؤثر باشد، لازم است تحلیل اقتصادهای غیرقانونی در آن گنجانده شود، و اقداماتی برای رسیدگی به آن تدارک دیده شود.

تدوین پالیسی‌های معطوف به مواد مخدر برای مدیریت منازعه و صلح‌سازی

- عبور از بن بست مواد مخدر، انکشاف و صلح‌سازی به معنای شناخت تضادهای موجود در پیگیری این اهداف متفاوت است؛ سازش غیر قابل اجتناب است.
- همه پالیسی‌ها برنده و بازنده ایجاد می‌کنند. برای اطمینان از این که آسیب‌پذیرترین افراد هزینه‌های عمده پالیسی‌ها را به دوش نمی‌کشند، بسیار مهم است که بشناسیم چه کسانی بازنده‌اند.
- افراد درگیر در اقتصادهای غیرقانونی برای زنده ماندن مجبورند هر روز سازش‌هایی را بپذیرند. از پالیسی‌ها و برنامه‌هایی که مدیریت این سازش‌ها را غیر ممکن می‌سازد، خودداری کنید.

شناخت و مدیریت انتخاب‌های دشوار (سازش)

کاهش آسیب

- طراحی اقداماتی که «هیچ آسیبی نرساند» شاید ممکن نباشد. رویکرد واقع بینانه تر آن است که آسیب‌ها کاهش یابد و از خشونت و فقر ناشی از پالیسی جلوگیری شود
- روی محور اقتصاد مواد مخدر کمتر، و روی کاهش مضراتی که آسیب پذیرترین افراد آن را تجربه می‌کند، بیشتر تمرکز کنید.
- با نظارت دقیق بر اثرات آسیب‌های ناشی از مواد مخدر، اقدامات انکشافی و ثبات‌سازی در مناطق سرحدی بر امنیت، معیشت و صحت، آسیب‌ها را کاهش دهید.

مد نظر گرفتن دیدگاه‌های سرزمین‌های سرحدی

- دیدگاه‌های ساکنین سرزمین‌های سرحدی را فعالانه مد نظر بگیرید تا عوامل اقبال مردم به اقتصادهای غیر قانونی بهتر درک و رسیدگی شود.
- برای تدوین استراتژی جهت ترویج منافع گروه‌های حاشیه‌ای و غلبه بر سکوت حاکم، از راهکارهای مشارکتی و چارچوب‌های اقتصاد سیاسی استفاده کنید.
- با گروه‌های اجتماعی و سیاسی که نماینده یا متشکل از گروه‌های حاشیه‌ای است، از جمله کسانی که در اقتصادهای غیرقانونی مشغول فعالیت اند، ائتلاف و مشارکت ایجاد کنید.
- بدنام‌سازی و کلیشه‌های رایج به جوامع سرحدی درگیر در اقتصادهای غیرقانونی را مورد پرسش قرار بدهید و با آن مقابله کنید
- دیدگاه‌ها و شیوه‌های کاری منطقه‌یی را در تجزیه و تحلیل و برنامه ریزی ادغام کنید.

ترویج انکشاف معطوف به مواد مخدر و منازعه در مناطق سرحدی

- بر اساس دیدگاه بلند مدت و بین نسلی فکر و عمل کنید، و بدانید که اقتصاد مواد مخدر چگونه با گذشت زمان تغییر می‌کند و روی افراد دارای سنین مختلف تأثیرات متفاوت دارد.
- در تمام ابعاد برنامه‌ریزی مربوط به سرزمین‌های سرحدی، همه شمولی را مد نظر بگیرید؛ به عواملی که سبب حاشیه نشینی، محرومیت و بدنام‌سازی می‌شود، به طور واضح رسیدگی کنید.



© Drugs & (dis)order 2020

نظریاتی که در این مقاله مطرح گردیده است مربوط به نویسنده است و لزوماً منعکس کننده نظریات واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، GCRF، دولت بریتانیا و شرکای ما نیست.

drugs
&
(dis)order



@drugs_disorder
drugs-and-disorder.org